

# نویسند

(وابسته به حزب سوده ایران) شماره ۱۶ - چهارشنبه ۵ بهمن ۱۳۳۱

شاه مبین ما را  
بسوی باطلاق  
تازه ای میکشاند

## توطئه جدید شاه-کارت تر و بحران شاخ آفریقا

مردم میانی افریقا جهان ساده دربرده اند و هشتاد سال است که در عرصه سیاست داخلی و خارجی ایران بوده که همه بهترین وسایل ماهیت داروستانه تکیه می کند در همین بارهاست افکارش نشسته اند و برده بر بی دردم در عرصه داخلی و بیخبر از آبرو پستی اجتماع مردم را در قریب سی سال به گزله بسته و باغون ۲۷ کشته و بیشتر از ۷۰۰ مروح کشته ها و خیانتها را بر سر کرده و آنچه در اکثر شهرها باجبار و سرنیزه ظواهرات افریقای مردم را که از این جناب تسبیح به همان آمده بودند در هر پیوسته باه خاک وصل کرده اند... در عرصه خارجی سیاست... شاه - شاه - شاه - پنهان و باخفی افکارش در سیاست... اگر ملت میانه زمانه در قریب باخون دریا تنیده میگردید و تعمیر خواب ملیسی شاه شاهان از فضای سیاست خارجی دریا می از خون و روح و آتش راه خواهد انداخت.

زاد لرم خلیج فارس این بلر چشمه در برابرش رویش است... بر گرگانه این دریا دور دست نمی کشد که خواب انگلی های تاجدار و لرزبان ابریهالیت آفریقا کز کس های خطه را بریشان کرده است... خلق آنجی در سانسو و عجزم گرفته دشتان... سر زشت تازه ای برای خود می سازد که با انقلاب و سوسیالیسم توانا حراست می شود... ارتجاع خطه از این ترور بیدار کننده همان در پیشرفت افتاده که امپریالیسم در شن خلق ها... امارت های امپریالیسم نیده بسته است... شکت ناخوش جبهه خولران بر هنه زمین میاد ها س صدها سال آن سر راسته با قدرت تروریست لودگاه سوسیالیسم و استراسی تاجی امپریالیسم را تفسیر دار و اورا از لشکر کشی های سانسو و و خالت های برهان بازداشت... از این بی دردت های ارتجاعی تحت الحمایا امپریالیسم در حیطه جغرافیایی خود... سوسیالیسم ارا به عهد گرفته به صورت گ های تفسیری... در عرصه سطح و صالح امپراتوری سرایه در آمدند... شاه کی از این زنده لرم های خطه امپراتوری سیر سیر در تین گن هاب... ابریا کوتای امپریالیست ها... نتاج و شکت وارکن شده خوب لرزلر باخته بود و ظلاً بر تصدیق بی عرض حسرتی که در برابر تاج پنهان مانگی داشت و خود خاندان و تلریگ و ایران و اندازش بر یخ در کتبی لگام گیسخته... به صورت تروریست سرایه در لرم و طلا...

و انحصار گران در آمده بودند و به بررسی از طبیعت طبیعی خیزش در برابر حرکت شرقی و مرکز گرا... به هر چه جنبش های خلق تری که گرایت های سوسیالیست داشته... اصنام خانی و خلق تری که گریه و آینه حیوان بر آن می تاختند... خلق سوسیالیست ها و الیزه های در لودر استند اهل خلق های چین با وضع خلق های جهان چنان تمام خلقی داشت و در لود... که کثرت جنسی بر هیچ دلیل قابل توجیهی بود... حایب از امتزاج و تناسم جانی در تیز آرای و بخش خلقی و تناسم بر خاست و کشتی ها بر نفتی خود در راه رایگان... به تناسم جنسی فرستاد... شاه بزرگ چنان پهلوان پنهانی که از میت گانه میخواند... به بعد آمده... در سانسو آن بود تانرگت های تاریخ خیان را بر لرهای حفر خونه بر آن در این بر زده همین طرا وورد جنگی بر آران برادری در عراق کرد... کثیره این گناه... ۱۰۰ هزار کرد آرزو و داغ انکست خورده است که در لر و گانه های ساوانی در غرب کشور... گزته و در لرم و صحت...



شاه مبین و رهبر جمهوری دیگران خود شعار کردند

## جنبش دمکراتیک ۲ بهمن نقطه تحولی بزرگ در تاریخ خلق کرد

۲ بهمن ۱۳۳۱ یک سنخ خلقی که در ایران با خاندان خلقی از این حاکمیت تا به امروز باقی مانده است... این حاکمیت را که در تاریخ خلق کرد... این حاکمیت را که در تاریخ خلق کرد... این حاکمیت را که در تاریخ خلق کرد...

خلق کرد... این حاکمیت را که در تاریخ خلق کرد... این حاکمیت را که در تاریخ خلق کرد... این حاکمیت را که در تاریخ خلق کرد...

در این حاکمیت... این حاکمیت را که در تاریخ خلق کرد... این حاکمیت را که در تاریخ خلق کرد... این حاکمیت را که در تاریخ خلق کرد...

مکتب میانی افریقا جهان ساده دربرده اند و هشتاد سال است که در عرصه سیاست داخلی و خارجی ایران بوده که همه بهترین وسایل ماهیت داروستانه تکیه می کند در همین بارهاست افکارش نشسته اند و برده بر بی دردم در عرصه داخلی و بیخبر از آبرو پستی اجتماع مردم را در قریب سی سال به گزله بسته و باغون ۲۷ کشته و بیشتر از ۷۰۰ مروح کشته ها و خیانتها را بر سر کرده و آنچه در اکثر شهرها باجبار و سرنیزه ظواهرات افریقای مردم را که از این جناب تسبیح به همان آمده بودند در هر پیوسته باه خاک وصل کرده اند... در عرصه خارجی سیاست... شاه - شاه - شاه - پنهان و باخفی افکارش در سیاست... اگر ملت میانه زمانه در قریب باخون دریا تنیده میگردید و تعمیر خواب ملیسی شاه شاهان از فضای سیاست خارجی دریا می از خون و روح و آتش راه خواهد انداخت.

زاد لرم خلیج فارس این بلر چشمه در برابرش رویش است... بر گرگانه این دریا دور دست نمی کشد که خواب انگلی های تاجدار و لرزبان ابریهالیت آفریقا کز کس های خطه را بریشان کرده است... خلق آنجی در سانسو و عجزم گرفته دشتان... سر زشت تازه ای برای خود می سازد که با انقلاب و سوسیالیسم توانا حراست می شود... ارتجاع خطه از این ترور بیدار کننده همان در پیشرفت افتاده که امپریالیسم در شن خلق ها... امارت های امپریالیسم نیده بسته است... شکت ناخوش جبهه خولران بر هنه زمین میاد ها س صدها سال آن سر راسته با قدرت تروریست لودگاه سوسیالیسم و استراسی تاجی امپریالیسم را تفسیر دار و اورا از لشکر کشی های سانسو و و خالت های برهان بازداشت... از این بی دردت های ارتجاعی تحت الحمایا امپریالیسم در حیطه جغرافیایی خود... سوسیالیسم ارا به عهد گرفته به صورت گ های تفسیری... در عرصه سطح و صالح امپراتوری سرایه در آمدند... شاه کی از این زنده لرم های خطه امپراتوری سیر سیر در تین گن هاب... ابریا کوتای امپریالیست ها... نتاج و شکت وارکن شده خوب لرزلر باخته بود و ظلاً بر تصدیق بی عرض حسرتی که در برابر تاج پنهان مانگی داشت و خود خاندان و تلریگ و ایران و اندازش بر یخ در کتبی لگام گیسخته... به صورت تروریست سرایه در لرم و طلا...

و انحصار گران در آمده بودند و به بررسی از طبیعت طبیعی خیزش در برابر حرکت شرقی و مرکز گرا... به هر چه جنبش های خلق تری که گرایت های سوسیالیست داشته... اصنام خانی و خلق تری که گریه و آینه حیوان بر آن می تاختند... خلق سوسیالیست ها و الیزه های در لودر استند اهل خلق های چین با وضع خلق های جهان چنان تمام خلقی داشت و در لود... که کثرت جنسی بر هیچ دلیل قابل توجیهی بود... حایب از امتزاج و تناسم جانی در تیز آرای و بخش خلقی و تناسم بر خاست و کشتی ها بر نفتی خود در راه رایگان... به تناسم جنسی فرستاد... شاه بزرگ چنان پهلوان پنهانی که از میت گانه میخواند... به بعد آمده... در سانسو آن بود تانرگت های تاریخ خیان را بر لرهای حفر خونه بر آن در این بر زده همین طرا وورد جنگی بر آران برادری در عراق کرد... کثیره این گناه... ۱۰۰ هزار کرد آرزو و داغ انکست خورده است که در لر و گانه های ساوانی در غرب کشور... گزته و در لرم و صحت...

در لرم و صحت...

### توطئه جدید شاه - کارنو

کار سلطنت و حکمی داده شده اند.

فاحمه ظفر خدیو دیگری از پیش شاه در لباس زاندر لرنظله بود. در این تیراوی سیاسی - نظامی، لرنظله ناهدیه لرنظله فروردین سفر طرک، هواپیماهای آمریکا و هوا خردی هواپیما، سلسله خانه ها و روستاهای مردم ظفری را که به منق آزادی طلیعه سلطنت قرین و سلطانی تابوس این حرکتی صرف انگیز شاه، قیام کرده بودند، با آتشچسب ها و تیرانداز و جنگل های خود، خاکستر کردند و توده ناخکیهای انگلیس بر روی زمین شاه، به سروری استخوان جیب پرستان آزاده امامت سر ظفر، به بیرون ارتجاع را برانزاشتند. این سیاست تمایز گرانه که هیچ ربطی به منافع و اراده خلق های ایران ندارد، بی نزاحت در بله نظرستوف بهانه، سیاست نامگیری چنین آرزو و پیری کوکروانه از اراد امپریالیسم و تبدیل به مبره ای ناچیزی بیعت در عرصه شترنخ جهانی شدن و دورنمایی جز جنگ ها و ماجراجویی های خطرناک و به صورت پیشگام امپریالیسم در آمدن، نه ارد، عناصر و کارکنان های درونی رژیم شاه - سارافطرا به سوی افانوس هند و استعقال از صاحب و تودان ها موامست ناشناخته نازگمانند، شاه - واندلرم به آمریکا ناوهای هواپیمای بر حلالش در دانتاسه امکان حضور او در افانوس هند واقعت بنشینند. و تا حاضر نشد این ناوگان صفتی، سه ناو هواپیمای بر ارتش آمریکا را با هم سرسام آوری آماده کرد. با وجود آن که پیشیند تشکیل به نام نظامی از دلی ساحلی افانوس هند، که هدف اصلی آن مردم شکست نهبست های فرزانده ملی و بهتری آزادی گزاران دولت های شرقی در این کشور بود - با حکمت بر سو ظن کشورهای مروج و روبرو شد، شاه - واندلرم از نینه پروازنی های بی فرجام خود دست برنداشت. به هند در بهیوجه تازه و کشتن لاس کشور با پاکستان و دندان فرجه رفت و او را به حلقه نظامی تبدیل کرد. در ۱۹۷۰ شاه این سیاست واندلرم پایه نهاد و نند و هرازشیدن بود که پای ایران در گرداب خاور میانه بحران خیز باز شد. در جریان دیپلماتی رفت و برگشت کی سنجبر برای حل گامه گام بحران خاور میانه شاه تقویت حلقه را بازی کرد. او به حکم ارباب تمهید کرد که در صورتی که اسرائیل جاههای نفت صبرام در سینه به صاحب اصلی آن برگرداند و نفت مورد نیاز اسرائیل را تامین خواهد کرد. و با استمرار این تمهید و سرچرا مذاکرات صلح یکماتیه صحر با اسرائیل - که نوبی تسلیم در برابر صهیونیسم و امپریالیسم و صهیونیسمی در آستان ارتجاع مبر بود - شاه بار دیگر از طرفی کارنو مهوریت یافت برای نجات تلاشهای سادات از شکست حلقه آن به نام قوا بکشد. کارنو به طور تصادفی شاه را برای این مهوریت انتخاب کرده بود. این مرحله نامدار از موزه امپریالیسم، در دو طرفی دینف سازه تفنونی کلام داشت. از یک سو کله های بی درخ و بلاخ و او به صیالکی اهی انوسادات و از طرفی دیگر نیاز حیاتی اسرائیل به نفت ایران به اولگان جولان در میدان خویشی و در آنکه با اجساد دهها هزار شهید عرب پیوسته بود و در دو طرف آن بگین و سادات به معامله کشی پرداخته بودند.

و سرانجام آخرین برده بازی خطرناک، شاه - واندلرم، بالا رفت.

نگرانی جهانی نوبت به اندام ریزهای همه، گوشت و کبک پیشتر از دسیسه شاه آشکار شد و صدای گام های ناشناخته او به سوی برنگه انحصاری به گوش جهان رسانید.

صعود الفصلی خوارجه مرستان سعودی پس از ملاقات شاه در صاحبی او که در جریان ایران انعکاس یافت، به طر گنگی به مسئله اقتصادی اشاره کرد. وادویی بی. بی. سی (لندن) همان شب در مصیبه، این ابهام و گنگی را از زبان براندست اعلام کرد که ایران و سعودی و خواستار حل فوری بحران در رفع افراطی شده اند. این دو کشور خود را در حال سوالی تمهید می دانند و از این نظر ایجابی تقاضای را در بحران شاخ افراطی پذیرفته اند و ظن و قرائن خاصی با رزم زیاد برده گشته اند.



واندلرم نظامی امپریالیسم

بهری شود.

خبرهای پشت پرده ای که از منابع چینی به طرسیده حاکم از آن است که شاه قسط اول تمهید خود را در برابر سوالی تمایز گر با پرداخت ۲۰۰ میلیون دلار، به منقله ی کشد. این باج سبیل سرام آرد که به شیوه حاکمیتش از جیب دیگران، به حسابات ایران و به ن کشتی آگاهی اولیام می شود، به صورت پول نقد، اسلحه، دارو و ابزار و وسایل مورد نیاز سوالی، در واقع به عنوان پاداش خیانت به حضرت زیاد برده می شود. ارسال اسلحه از طریق ایران به سوالی که از چند ماه پیش در بلونی های کویکی قمار شد، به شاه سرانجام به آن افرای کرد - از نده گشته است. امهات صطبی به خود کت و کشتی ها و هواپیماهای حمل و نقل نظامی ایران و حمل مایه محتاجی اسلحه سله و سنگین از سطل های ۳ - ۴ سانت اگیان (که مایه محتاجی از آن به سوالی فرستاده می شود) تا نانه میونه های نده و نانه و حقه هوایی را به طره سوالی قمار کردند. در همان حال گفته شد که ایران با تصادد جنگ سوالی طلیه اتیسی - که بسا گستر شد خاتم های مستقیم نظامی سووان و کشور سوالی مرتجع عرب در لرتیره ملازم است - کارشناسان نظامی و تبلیغاتی خویش شاخ افراطی، خواهد فرستاد. خبرهای که از درون ارتش رسیده، حکایت از نبردهای زینی و صهی دارد که از دره ریز پیشتر نبردهای مختلف سه گانه ارتش ایران شروع شده است. کوششی خود این فعل و انفعالات در زیر پوشش کاسل انجام گیرد. اما رابطه مستقیم این نبردهای نظامی با علاقه ناگهانی ایران به جنگ سوالی و اتیسی، با کلا قابل مبره است.

شاه - واندلرم کشور مرا به سوی آتش بازی به بیستن و اضطراب آمیزی کشاند. مردم ایران بی آن که کترین تبلیسی داشته باشند، به جنگ ناچار گشته و پیوسته که سوسوان و مرستان سعودی و صحر و آمریکا نظامی امپریالیست های جهانی و در دوست ارتجاع صیبه در آفران پروازنی ریزند تا در رود این نفرت و خشم چنین آرزو، حلقی را که به خود اجازه داده طلیه سلطه و جهالی امپریالیستی سرمایه فایده رسا آید، انقلاب خود خلق های مجاور را به بی درستی و حشامی و حرکت بخواند پیوسته کند. اما حلقی که با طه داس و کواکوزن به خشک چرخ های گرانگه ها و بکر گاهای خود را به حرکت در می آورد، بدست دیگر تنگ برداشته تا از صحن و آزادی خود دفاع کند.

با دسیسه واندلرم ها و نوجه ها حلقه به گویان هاره به نخبی صفر مبر و صیونستی می شود. شاخ افراطی، ظفر نیست. شاه این بار خود را با شاخ خطرناکی به جنگ انداخته است. او در میزبان را که در جنگ برادر کس می سرای کرد خویش جولان ماز خلق ریزنده ظفار را در بهایان های آن سوی خلیج به خشک ریخت و از نینه استعجال، چنین که مصلحت برای او تدارک دیده می رود و در آتش بازی خطرناک اتیسی شرکت می کشد. فردا بی تصدیق ماجراجویی امیزتر رویم تر خواهد بود. به چنین رژیم فاسدی، خود فروخته و خطر آفرین که مردم صحن خاربه بر طه بیخلاق تازه ای می کشاند، نینه بیشتر از این امکان ادامه حیات دارد. اما مال و تصور در اندام این تکیه صیونی و ایجابی، خطرسز را که با خویش از نبردهای تم ایجاب شده، تادری سرخ و بهایان های اولگان انداخته خواهد شد.

روابط بین الطلی میلس نمایندگان آمریکا در ۱۹۷۰ در ماه و تهران به طره نامید کرد. نماینده آمریکایی با بی پروایی حقی انگیزی صحتی شد: گویست ها در شاخ افراطی ایران را تمهید می کشد. "ولفرزید: سومود دولت دستچی در شاخ افراطی" دراز بدت تمهیدی واقعی برای امنیت خلیج فارس است." نماینده ای که به دست کارگردانان پشاکن نوشته شده، صحنه به صحنه در ایران به اجرا در می آید تا انگار صهی مرحله به مرحله برای بله طر سیاسی - نظامی جدید، به ماجراجویی دلبره آرد. در حدی که هزاران کیلومتر از زمین مطلقه دارد، آینه شده. خطرات واقعی و مضحکی که از جانب اتیسی انقلابی صیویه ایران است، به نامش و بزرگ فراوان رنگ و لمعا پ در صحن و بزرگ و بزرگ جلوه دارد، می شود تا خیانت تازه "شاه - واندلرم" از پیری مشتاقانه از سیاست امپریالیسم جهانی برده

~~~~~

# دست ها از اتیوی کوتاه!

در فاصله چند روز باز باره رژیم صهیونیستی و سوالی و کارنو صی جمهوری آمریکا به تهران آمدند و به سلسله مذاکرات سری پشت درهای بسته انجام شد. طر ایران از کمترین اجزاء آن بی اطلاع نگه داشته شد. در دنبال این مذاکرات، شاه به نده صهیون انگیز کرد:

"تمایز اتیوی رای سوالی تحمل نخواهم کرد. این انگلیزی صی صیور برده از توطئه ای برداشت که مرده افرا لرباب کاخ سفید و واشنگتن با واندلرم او در خلیج فارس طرح ریزی شده بود. شاه مدعی شده بود که نمی تواند تمایز نظامی به سوالی را که در آن سوی آفریقا و هزاران کیلومتر از میزهای مایه است تحمل کند، اما تمایز بی پروا و وضع اسرائیل رایه همسایگان عرب زیر سوالی، در ی که وقتی در خط خود صیون بیار حرکت می نمود، ما شین جنگی اسرائیل مهاجم را با بنشین ایران به راه می اندازد." چگونه است که در برابر تمایز صیونیه پانکی هابه مردم صلح دوست ویتنام شاه خود در لرد می تمایز است، چگونه است که در ظفر شاه نقش صرب خلق ظفار را با نهایت افتخاری پذیرد، در جریان بحران مناطق کردنشین عراق، به تمایز طلیه حکومت لانتین و روسی این کشور دست می زند، اما تمایز سوالی رایه عزیمت یافته شده اتیوی و از نینه حلقه بی رده و آنگد تسلح می ریزد، تسلح و شانه می کشد و خلق اتیوی رایه خاطر دفاع قهرمانی از صیون سر میزند، در برابر گرگهای جهانی و لاشخوهرای خنقه، تمهیدی می کشد. شاید اگر کار از نده تمهید فراموشی رفت، جلی برای

دانشجوی توسط مأموران کلانتری نزدیک دستگیر گردیده است. این دو خودروها چند دقیقه بعد از آنجا رها شده اند و رفتند.

در خرداد ماهی بازگشتی روز شنبه ۲۴ دی ماه تظاهرات مردمی در پیوندگاران کرد به آن روزگرد. سرگروه مأموران تظاهرات کننده گان به نام زنی شدن تعداد زیادی از دانشجویان به این مأموران به نامستان آسیا که در نزدیکی خرمسره است منتقل شده است.

دانشگاه تبریز در جریان تظاهراتی که از تظاهرات مردمی در قم سرچشمه گرفته بود، تظاهرات به حال تعطیل در آمد. مأموران گارد برای کنترل اوضاع در دانشگاه حاضر از ورود تظاهرات دانشجویان به استقامت و دانشجویان دانشگاه های پزشکی، دندانپزشکی و داروسازی که سرگرم اطمینان بودند، جلوگیری کردند. حتی ازنده ای از دانشجویان حاضر در خارج از محیط دانشگاه تبریز اطمینان کردند. با وجود این تظاهرات دانشجویی توسط مأموران حاضر در دانشگاه نیز گرفته و دانشگاه پزشکی عرصه نمایشی مأموران جوانان به بنام آن در قم تظاهراتی شد.

دانشگاهها با بسته شدن عمارت دانشگاههای عمومی جوانان دانشگاه

# امواج خشم

## شهرهای ایران را در نوردید

بند اخته - بسیاری از کارگران به تظاهرات کنندگان پیوسته و فریاد مرگ هیولای مردم ساکنان خانه های اطراف را به برون کشیدند. تظاهرات کنندگان پس از مدتی تظاهراتی شد و مردم از آن که گراشهای راه سر برنده هتلی شدند. اعتراضات مردمی آن در جنبه های مختلف و در گردهم آید و تظاهراتی شد.

کشتار و شکنجه مردمی که توسط مأموران گارد شهری و خشم و نفرت طغیان آمیز توده های وسیع مردم آزاد بنواها را به طغیان و مخالفتان شد و دانشجویان را در سراسر کشور برانگیختند. آتش جنبشیه هوشانی که به تازمه نوری اعلام جنگ طاقی مردم - خراسان - ساوه که به خلق های ایران بود، در جریان جوی از حیرت و اعتراض نسبت به سرکشی مأموران و حضور و با مردم شاه زد و کوبیدن تاپد در ایران برانگیخت و بازتاب گسترده آن مردم را پیش از این نشان داده بود.



مکرم الاصفهانی از کشتار مردم روسیه در برابر کاخ نزار را در روز یکشنبه خونین - در آستانه انقلاب ۱۹۰۵ - نشان می دهد

کل عام زنان کودکان مردان بی سلاح قهبران طور کوسه فیل العاده شوره ۱۰ نهد تاید کرد، به یک بار دیگر نشان داد که بین مردم و خلق های ایران در میان از خون فاش شده است. هیچ راهی جز سوزن زدن در دست و پیکانی که به شک آسا به مأموران مامانده، بر تنها بعد از این طغیان و گول و شکنجه گاوین در این توجیه و ظلم و دین و تظاهر و فریب و شایسته است، و بیست و نه تدریس، قتل عام وضع می این واقعه در سینه را با طغیان خشمی کننده در برابر مأموران و خلق های بیگناه و کتله های اجساد و همسنگی مردم که جنبه واحد و گسترده در پیکانی و شکنجه گریه خراسانی که از شهرهای مختلف کشور به فارس رسیده حالی از آن است که مأموران حشمانگین تظاهراتی مردم امواج اعتراضی طغیانی برانگیخت که طی سال های اخیر بی سابقه بوده است. نهد گزاشی مشخصی از جنبش دانشجویی در این طغیان برای اعتراض کنندگان خود تهیه کرده است:

### دانشگاهیان و نجف آباد

باز دانشگاهیان به ملامت مأموران برای سید ای تم به خندان اعتراض به حامی خشی که در میان شاه به راه انداخته، تعطیل شد. روز ۲۴ دی ماه فقط چند هزاره سر سراسر بازاری - سوز و گداز دانشگاهیان بان بود. بسیاری از شاهزاده های طرح بازاری به دانشگاهیان پیوسته بودند. در این روز روزهای بعد تظاهراتی در گردهم آید و برپا شد. دانشجویان دانشگاه اصفهان با حمله به دفتر ریسا و مسئولان دانشگاه تعطیل کلاسهای درس خشم و نفرت خود را آشکار کردند. در شهر نجف آباد (روزه باکی اصفهان) نیز تظاهراتی شاهزاده ها برپا شد و شهر حالست فیل العاده ای به خود گرفت.

### دو تیرسوز

تیرسوز خشم و نفرت خود را با تظاهرات گسترده ای که در دانشگاه تا بازار شهر انداخته داشت و نشان داد. دانشجویان صفایی انجمن دانشمندی که برای نوبتشان در حریق طغیانی کردند و دانشگاهیان با تظاهراتی که به دانشگاه آمده بود، حمله بردند و آن را تیرسوز کردند.

در حالی که گزاشی از دانشجویان تظاهرات خود را به خیابان ها کشانده بودند، بازار تیرسوز از ساعت ۳ بعد از ظهر ۲۴ دی ماه به میان تظاهرات شدیدی تعطیل شد. بازاربانان و روحانیان و دانشجویان و طبقات گوناگون مردم در برابر صحنه جای به ناپایداری تظاهراتی برپا شد تا تظاهراتی سوزان در وقت نفرت خود را از یاد ستاره آتش که در صحنه با ما فرستاده قدرت نموده است، نشان دادند.

در جریان تظاهرات مردمی که در گزاشی تیرسوز شده بود، از مردم و دانشجویان و روحانیان و گزاشی بیشتر دستگیر شدند.

روز پنجشنبه ۲۴ دی ماه نیز بازار تیرسوز خشمی شد و به حال نهد تعطیل در آمد. در تازمه به هفته مردمی تیرسوز فرمان بخشی شدیدی که با خشم و گزاشی بود، دستگیر کرد.

### دو آبدان

روز ۲۳ دی ماه آبدان با تظاهراتی شد و مردم به دستگیر های تازمه و دستگیر شدند. گزاشی مردم پس از خروج از حسینیه آبدان، در خیابانهای تظاهراتی گسترده ای به راه

### دو شیراز

روز ۲۱ دی ماه تظاهراتی مردمی در خیابان های فرعی خیابان زنده و هفتاد شصت شروع شد. تظاهر کنندگان به نفع آیت الله خشی مأموران در راه های فرعی جاده ننگ بار - و مأموران را به نفع خود دگر نسبت به کشتار مردم تم و در دستش روز شاه - ساوه ایران تیرسوز کردند. تظاهر کنندگان با توده مأموران از آیت الله خشی حبل می کردند که دور آبدان تظاهراتی های گزاشی کردند. گیلران لیسانس تصور بر مأموران تظاهرات کنندگان، در من کسی به طالب مومن و وفاداری می بود که به اشرفی ساوه مأموران های محکم الحال طبع بیخوابی جلاز میمانان سرچ شده بود.

### دو تهران

طغیان گزاشی که در قم مردم راه خانه مین گزاشی تهران راه ونده و همچنان آتش افروخته اوضاع بنای مکرر حاصل های اعتراضی و صحنه آبدان سبب شد. بازار تهران پس از سال ها سر پنجشنبه ۲۴ آبان ماه با تظاهرات گسترده ای که بین از تیزی از بازاربانان موان شرکت کردند، به تیرسوز مردم تم و مأموران انتقامی ایران و ترکمان به نام و طغیان مأموران لیسانس گزاشی تیرسوز کردند. به استقامت چند صحنه های آبدان تظاهراتی بیست و هفتاد مأموران آبدان تظاهراتی بیست و هفتاد تظاهرات گسترده ای سبب شد که در بسیاری موارد به مردم و مأموران های نهد و مأموران با تیرسوز کردند و دانشگاه انتقامی تیرسوز خود را از ضایبان شاه آبدان کردند. در دانشگاه صفایی جا روزی دانشگاهیان و نمایندگان همچنان انگز تیرسوز آبدان چنان بالا گرفت که روز دوم دوره لیسانس دانشگاه را که سه هزار دانشجویی وارد می گردید تعطیل کرد و گزاشی از مأموران خشمگین آبدان تیرسوز نمود. با وجود تعطیل دانشگاه و جلوگیری از ورود دانشجویان به صحن دانشگاه مردم و مأموران های بنای با گزاشی ها و ناپایداری خیابان چند روزی ادامه داشت.

در دانشگاه علم و صنعت و دانشگاههای اطراف آن مردمی آن چنان شدیدی بود که تعداد زیادی از مأموران بان نیز گزاشی ها سرچ شدند. تظاهرات دانشجویی ۲۴ دی ماه ۲۵۰

### دو مشهد

بازگشتی تیرسوز مردمی در مشهد، در سبب مأموران و تیرسوزی برانگیخته خیابانی - که تیرسوز خاطر در روزهای تیرسوز - چند شد. صبر روزی ۲۴ دی ماه در چند خیابان حد ما طبع گزاشی بلافاصله گزاشی مردم و کسبه و دانشجویان به آن پیوستند، با تظاهراتی که از صحنه آبدان تیرسوز مردمی تیرسوز و کاشی در دست مردمی کرد به تظاهراتی در داشت. لیسانس رود شاه انسانی هنگامی که به خیابان نامری مشهد رسید، به مردمی از روح بدل شده بود. در این تظاهراتی گزاشی شاه به تظاهرات کنندگان حمله بردند و با تیرسوز تیرسوزی آن مأموران کردند. با تظاهرات مردمی به انگلی تقریباً مشابه مردمی و کزاشی مردمی

### دو قم

مردم - قم به سخن کشیده و صحنه - مردمی ۲۱ و ۲۲ دی ماه راه و راه و آبدان کاشی مأموران دستگیر کاشی پسرو اعتراضی - حکایت نظامی در حالی سخن گزاشی شده، مردمی صورتی به سخن افشاشده در مأموران بود. بازار ضایع ها بسته بودند، شهر ظاهر و در لیس مأموران تعطیل شدند. تیرسوز های لیسانس های همچنان وارد شهر می شد و تا سرانجام صفایی در لیس مأموران شد که اثر مأموران مأموران ۱ صبح روزی در صحنه ۱

# اعلامیه‌های اعتراضی شخصیتهای مذهبی وسازمان‌های ملی

## اطلاعیه ۱۲۲ تن از روحانیون معروف

## اطلاعیه نیروهای جبهه ملی ایران

۱۲۲ تن از روحانیون معروف طی اطلاعیه ای ضمن ابراز استیصال از مطالب نوحین آنتیپوز نامه اطلاعات از این کسه مطالب مشغول به حای اهدام جدی برای تهیه نوحین کسه گان جسورانه به روی مرد سلیمان بن پناهی که برای اهدای طبیعتی و وجدانی خود در قم اهدام کرده اند آتش گشود برمی می گناه را خلیل و مجرب کرده اند و مطالب برابر امر جرایم تعریف و چه کینه دیگری را تشویق کرده اند ابراز تاسف ننوده و "لین اتصال و محبتی نه و عهد انسانی را محکوم کردند ."

در اطلاعیه اتحاد نیروهای جبهه ملی ایران آمده است: "به دنبال کفر حزب فرانسوی! و مرده جویی های شنی خود فروخته و دستگاه استبداد در شرایطی که تبلیغات وسیعی در باره احترام به حقوق بفرمانده راه انداخته در آستانه سفر دبیر کل سازمان ملل متحد به ایران توطئه جدیدی را آغاز کرد که بی آنکه آن قربانی ندن گروه گسری از مردم جبهه ملی در اطلاعیه سبب ترحم هجوم خنثیت آمیز گزافهای رده به تظاهرات اعتراضی مردم قم آمده بود در پایان نوشته شده: "روزنامه های اجبر شده" دستگاه استبداد اطمینان می گویند تظاهراتی این چهار روزه مردم برای سلب روزه های ۱۷ و ۱۹ دی ماه ارتباط در حقیقت و واقعیت هدفهای "جامعه روحانیت" را که با انتشار کاظمیه آزادی و استقلال ایران مشروطه بیگانه با ایران ملی بود است از گونه جلوه دهند بی خبر از آن که مردم ایران با این توطئه های پلسی استیصال مبرین دارند و حرکت روحانیون ترقی خواه را در میان خود باطل تنها نخواهند گذاشت."

فاجعه تنها تخطی از ختم روی نه انداختن . ضلالت خوبی که شاه راه انداخت ضلالتی ایران را باند و نازگشت و خشم اندوه هم آخست و تبدیل به نیرو شد . این نیرو در اعلامیه ها اعتراضات مردم شکست همه صورتها تفرقه طبعی که طبیعت واقعی و ماهیت مدخلی روم خنثیگر را نشان می دهد به جبهه ملی . اطلاعیه های که با رکنستهای ایرانی در رابطه با قل عام تم خنثی کردند . با نشریات افشایی که گروهها مذمه و شخصیت های ملی و آزادیخواه ترویج نمودند به خطوط اصلی بیشتر داشت . صدای اعتراض و خشمی که از گسری مجرب ایران خارج شد . وطنی بگنای داشت و به همین دلیل نیرو و توان فزونی نیز گرفت . بخی از این اطلاعیه ها که اوکسار حاصل گهرها و طبقات مختلف اجتماع در برابر خود سری در راه بنده ان و مرزب های آریامهری شکایت می کنند . در زیر می خوانید :

## مصاحبه آیت الله شریعتمداری با خبرنگاران خارجی

آیت الله شریعتمداری ، از رهبران طراز اول مذهبی و خواستار اجرای قانون اساسی و احترام به حقوق آزادی های فردی در ایران شد . رهبر برجسته مذهبی در اولین مصاحبه سراسر غیر خوستریا خبرنگاران خارجی که هفتگانه در قم انجامید روز سه شنبه را به جزر قل عام مردم و گناه در گریه و خیابان ها مسود اعتراض شد به قرار اموار به سلب مخالفان روم دیکتاتوری بیوست و در کنار نیروهای مدح محکومت حقه و استبدادی قرار گرفت . اندر جملی خبرنگار و بی . سی . از جوهران صاحبه شخصیت برجسته مذهبی در نمای تمشیح گزارش تهیه کرد که روم و اندون هم آن را در کتل روز ۲۰ دی ماه نقل کرد . در این مصاحبه تاکید شده است: "حکومت مطلقا مرتجع می خواند . اگر تقاضای بازگشت به قانون اساسی و احیای اصول مشروطیت را خوانده می شد . در این صورت با نهایت خوشنودی و ملاحظه هم مرتجع باقیم ."

آیت الله شریعتمداری گفت : تظاهرات مخالفان دولت در قم آرام بود و جنبه تحریک آمیزه داشت . این یک نوع محض است که در دولت عمی شده مردم در برای مخالفت با اصلا حاکماتری و آزادی زنان تظاهر می کردند ."

آیت الله شریعتمداری در مورد اصلاحات لفظی ترویج کرد که اصلاحات لفظی یک اهدام اسلامی است و هیچ سلطان یا چنین اصلاحاتی مخالفت ندارند . اما حکومت با این تغییرات بی اساسی خواهد حالتی خواست های مخالفان را بیوشاند ."

رومی بی . سی . در پایان این مصاحبه از خبرنگاران خود نقل کرده است:

## نامه کشته ایرانی دفاع از آزادی و حقوق بشر

کمیته ایرانی دفاع از آزادی و حقوق بشر در تظاهرات به نسبت فزونی حکومتی حرات تم رفشار و جنبشهای فعال رزم را با مردم تشریح کرده و حیرانه خواستار شده است:

۱- "تصمیمه اطلاع سرایا که ب با هایت نسبت به یکی از ابرام عظم تقاضای شناسایی و به کت ایران معرفی به نام حفظ حرمت اسلام برای تحقیق از نظر نظر نگار کتاب به ابرام قضای معرفی کرد ."

۲- "تصمیمه و ناشر خبر مجمل و نگار به صدر در روزنامه ها که بی آن بخشنا میوزر امانتد ماستده ای مردم بر علیه آزادی نسوان آشوب به راه افشده به کلاترین حلقه بوده اند تعقیب شدند ."

۳- "عالم کشتار ضعیف تم برای اطلاع ملت ایران معرفی و به منظور تعقیب و مجازات در اختیار مراجع قضای قرار گرفته . به هر حال رسیدگی به علل وقوع حادثه ترمیم و تعقیب حال آن در طریق صیانت امنیت و حقوق افراد برآمده شناسات و چنانچه باین تکلیف عمل نفرماید به متوان رئیس دولت شخصا سقیل تلقی خواهد شد ."

## اطلاعیه آیت الله خنی و آیت الله خنسی

بازتاب حادثه قم در نمای تمشیح و در اطلاعیه ای که از طرف آیت الله خنی و آیت الله خنی نشر یافت نشان داده شده است . در این اطلاعیه آمده است که هر دو مرجع عالیله در نمای تمشیح در جبهه فاجعه خوسن قم را به حادثه عدی و بی انسانی تلقی می کنند . در این اطلاعیه ضمن اعتراض به هجوم گاندوهای شاه و طبقات به اصطلاح استی و کشتار مردم بر گریه و خیابان و مباحصر منازل مردم و دستگیری طلاب و مدرسین حیزه های علمیه تاکید شده است ."

۲۹۸ در همین حیزه علمیه نجیب و همچنین نیاز جهت راهپیمایی تاتر و همدردی تم تحمیل اعلام کرده اند ."

## اطلاعیه جامعه بازرگانان پیشه وران تهران

بازاریان و پیشه وران تهران در اطلاعیه خود ضمن محکوم کردن کشتار بی شرمانه مردم قم و اعلام اعتراض:

"روز پنجشنبه بیست و نهم دی ماه برابر با نهم ماه صفر راکه آخرین روز هفته مزاد آری و اعتراض جامعه روحانیت و روزی روزی مجالس یاد بود شهیدان به غین خفته قم خواهد بود به نشان تفرقه عسقی از کشتار و شکنجه نامردی بی دفاع و صیانت از روحانیون ترقی خواه تمسکیل موسی اعلام و از همه بازاریان شرافتمند دعوت می نمایم که در امروز این بزرگن حمره ها و بخازه ها خود آری و کنند ."

## اطلاعیه آیت الله شریعتمداری

در اطلاعیه آیت الله شریعتمداری ناگشت بازگردد های حلقه شاه به اجتماع مردم این طومر مبرودت با است: "ماوروس در مقابل افراد بی دفاع بی نهایت به هم اندازی کشودند و چون بنفرای ناخوشی نگاه گشته و ده گشود و راضی نبودند که ما با آنها با معلوم بیست و حتی نمایندگان طراکه برای رسیدگی به مظلومین و سرکشان را به بهارستان مراجعه کرده بودند راه ندارند . . . ما چنین اعمال مخالف شرع و مخالف انسانیت راه شدت سکرم می کنیم . . ."

## در شهرهای دیگر

رزم ورشکته آریامهر بود . این اوج عظیم خلق نشان درامه رزم شاه تاجه در میان مردم بی پایگاه و مورد بخشودگی است . فاجعه تم و بهاد های آن تا کدی بر این واقعیت درسیه اماکنه نشندی بود که تمامی شهرها و طبقات و سازمانها از اجزاب و گروههای اجتماعی در حال حاضر زیر ضربات و در معرض تهاجم رهم خونخوار و خد یلدی بود . در کراته شاه - سلاطین هستند و تنها سنگ سلطن برای همه در شرایط ترواقتی است . این اتحاد و همبستگی نمای نیروهای ضد استبداد است . این اتحاد سکن ترین حصار این ماست ."

## اوج خشم شهرهای . . .

پنجشنبه ۲۴ دی ماه باز گشته ، پروانه کب آنها لم خواهد شد . در بعضی موارد این اظهار رنگ و ستمزای فاشیستی بیستوسه داشت . صحبت از این بود که جلوی مناره های که بهت بهانده با آگور تیغه کشیده خواهد شد ."

مردم از خانه ها خارج نمی شدند ، اما از پارک ملی آریامهر تم نیروهای اهدادی به سوی شهر سرازیر بودند . با این حال تظاهرات پرانگه خیابانی در چند نقطه شهر به طور ناگهانی زود گذر به وقوع پیوست . اغلب پیشروان مذمه نیاز صفت و دروس مذمه ای را برای مدتی به علالت اعتراض تمسکیل کردند ."

# اعتصاب پر شور کارگران شرکت فلور

روز سه شنبه ۱۳ دی ماه هزاران کارگر ساختمانی شرکت فلور در اصفهان دست به اعتصاب یکپارچه و شور انگیز زدند. وحلی رزم توده ای های کور کارفرمایان و مسئولان آمریکایی شرکت به اخراج کارگران و در محاصره نیروهای پلیس روانه ارم بمحلیه حق طلبانه و شعله خود ادامه دادند.

روز دوم اعتصاب هیک مانین چیب واد لمری به محوطه شرکت آمد و استواری همراه با چند سرباز آژان پیاده شدند. استوار زنیور از کارگران خواست چند نمانند ما بین خود بماند تا آنکه انتصاب کنند اما کارگران یک صدا فریاد زدند ما نماندیم انتصاب نمی کنیم زیرا ما دانیم که فرد ایجابی ایدرگوتنه زندان خواهد بود و یوقی استوار مذکور لیاج زنده اوا هیکرودند و هنگامی که از سر تپیده بر آمد گفت "در این جا مسرد نمی بینم که بخواد شور فیه به کند!" کارگران به اوسطه کردند و محاصره را تک دست نگذاشته و شیشه های جیبی واد لمری را زنده به عنوان اعتراض شکستند. پس از آن یک سله سرگرد باد و مانین سرباز وارد محوطه شد. اما این پلر جناب سرگرد در برابر عزم یکپارچه کارگران دیگر جرات نداشت و تپیده به ندانست و از سر سازش برآمد به کارگران طلب داد که به خواست های آن هارسدگی شود و از کارگران خواست که به سرکارگران بازگردند. کارگران صورت خواست های خود را کبیا در اختیار سرگرد مذکور گذاشتند. خواستهای کارگران اضافه حقوق و حق ایاب و تهاب به میزان ۳۰ درصد بود. کارگران می گفتند شرکت حق ندارد کارگران ایرانی را اخراج کند به جای آن ها کارگر چینی استخدام کند.

اعتصاب پر عزم و شور انگیز کارگران شرکت فلور در اصفهان با زنیاب گذرد. ای یافت به طوریکه در تمام مراکز کارگری و کارخانه ها در بره این اعتصاب تنگویی شد و از روز آهنگین و صوب یکپارچه کارگران ساختمانی احمسن و ستایش سخن هفتاد و بر لزوم ایجاد سازمان های صنفی و سیاسی که باید کارگران را برای مبارزه گسترده تر و صحتی تر تشکل کنند ناگه می شد. دانشجو یان دانش آموزان نیز سخن پروری اعتصاب کنندگان را با نشانی و ولعاس عمل همدرسی استقبال کردند.

شرکت فلور یک شرکت بزرگ ساختمانی آمریکایی است که در ساختمان بالا جنگلهای تاسیسات پتروشیمی و نطفه آن سر کشورها مختلف از جمله آمریکا، چین، ایران، هند، پاکستان، یونان و ایران نطقه می ای داشته است. این شرکت در تهمصر بالا پیشگاه آبادان، ساختمان باز پیشگاه دوم تهران و تهمصرت محمدان نیز در شهرهای اصفهان، مشهد، تبریز و احمسرا بندر عباس با دریافت حق الصل های کلان مشغول فعالیت بود. و هست. در سال ۱۳۴۸ که احواح فعالیتها کارگری در اصفهان، جنص علیه اشتراک و جنبانه کارگران سباهیست بالا گرفت شرکت فلور تعداد زیادی از کارکنان هم از موشکار، بوق کار، لوله کشی آرماتور بندی و... در تهران با حقیق و مزایای بیشتر استفاده ام کرد و پلافلانها با هوایا به آتمیهای جنص فرستاد تاجبا ی کارگران اصفهان را برکنند و کارگران اصفهان را اخراج کرد. در تهران مسئولان آمریکایی شرکت دست به تبلیغات وسیعی زدند برای اخراج کارگران کارگران بازار سیاه جنص ایجاد کردند و از کارگران داوطلب استفاده به طور متوسط ۷ هزار تومان طلبه کردند. البته دستمزدهای کارگران ایرانی از دستمزدهای بسیار ناچیز کارگروان سباهیست آمریکا جنص بیشتر بود اما پس از چند ماکنگروان ایرانی راه یونان فرستادند که در آن جا سطح دستمزدها بالاتر بود و یوقی کار کارگران ایرانی برای شرکت با نسیبه بسیار زیادتر بود.

تمام مسئولان و کارمندان بالای شرکت فلور آمریکایی هستند. رفتار آنها با کارگران بسیار خشن و تحقیر آمیز است. آنها سله سستی کار خشن و با بهره گیری شده را افعال می کنند. به کارگران حتی فرصت استفاده از توالت داده نمی شود. اگر کارگری آهسته حرکت کند یا در سه دقیقه زودتر لباس کارش را بپوشد کند اخراج می شود. دستمزدهای کارگران بر اساس محاسبات کار برداخت می شود و دستمزدهای طلب برای تمدن اهل سراسر محیط زندگی محبونه تا ۱۲-۱۳ ساعت در روز کار کنند. البته در اغلب موارد اضافه کار امیبری است. از ناهامل خوری، نواالت کافی، اتاق کله های اولیه درمانی، وسایل ایمنی ضروری و صوص رفت و آمد شهری نیست. هیچ یکه از کارگران بیه نیستند. پادامی

و عهدی آفرسال هم به کسی داده نمی شود. کارگران برای صرفی تبار تنها نیم ساعت وقت دارند که پاسو تا به آن ها اطلاع داده می شود. اما صد تیرین شیوه ضد کارگری شرکت اخراج دستسو جنص کارگران پس از چند ماه استفاده کارگران جدید به دستمزدهای کمتر است. همه کارگران از این امر باخبرند. حتی موزترین و بهترین کارگران نیز از ۸-۹ ماه اخراج می شوند. اخراج کارگران به بهانه اتمام یک مرحله کار صورت می گیرد. اخراج کارگران به این پرداخت هیچ گونه پاداشی صورت نمی گیرد.

رساله های اخیر به موازات رشد کمی و کیفی طبقه کارگر و انقلاب جنبش طلبانه ای و فتنه کارگران در ترکیب و میزان تنگ تنگ صور کارگران ساختمانی نیز تغییرات شدیدی صورت گرفته و همراه با تکرار کارهای ساختمانی در کارگاهها و پیماندهای بزرگ که گاه در آن ها تا بیست هزار کارگر گزینی می کنند. قدر کارگران فنی ساختمانی که بسا ابزارهای پیچیده تر و صماسرینگر دارند به پد آمده است. این قدر در چند سال اخیر نتوانسته است در این جنبش طلبانه ای کارگران ساختمانی فرار گرفته. آن راهبردی می کند. در سال ۱۳۴۲ به دنبال هک رشته اعتصابات کوچک و محدود در قسمت های مختلف واحد بالا پیشگاه تهران شرکت فلور، سرانجام کار به اعتصاب بزرگ و همگانی کشید که در آن هشتاد هزار کارگر ساره و فنی به حاضر گری دستمزدهای و شرایط و نوار کار و نداشتن سرص رفت و آمد شرکت کردند. این اعتصاب بزرگ پس از سه روز به سه روز ساهله سه وسیله نیروهای واد لمری و کاله پلیس شپس برای سرکوب شد. رژیم با سرکوب خشن خود را به تاراجگران آمریکایی نشان داد.

در واحد اصفهان این شرکت نیز کارگران فنی و ریحانه و استشار و مهندسی ای واصل می کنند. کارگاه ۱۰۰ کلهیوی ۲۰۰ جاده اصفهان - تهران قرار دارد و آن به طور متوسط ۲۰۰۰ کارگر مشغول کار هستند. کارگران در برابر فشارهای طاقت فرسای هلرتیکون آمریکایی بیشتر به اعتصاب پنهانی بکم کسلی دست می زنند و سرپرستان آمریکایی هر قدر بیشتر بتوانند کارگران را به کار بیشتر و شدید وادار کنند حقوق بیشتری در یافت می دارند. ماه گذشته قراردادی از سر پرستان سباهیست آمریکایی را که رفتار پلا می تری داشت نسخ کردند. چند ویش روسای شرکت اعلام کردند هر کارگری که اول از همه دست از کسلی بکشد اخراج می شود. این دستور خشم کارگران را باخبر کرد. کارگران تپیده به اعتصاب کردند و خود را برای اتمام گرفتن از کار فرمایان آمریکایی آماده کردند. در چنین شرایطی دستور لنوی گردید. در طول تابستان شرکت حده ای از محصلین را به دستمزدهای بسیار ناچیز استفاده کرد. محصلین تازه وارد در ارتقاء سطح آگاهی کارگران تقویت شدند. انتشار از شرایط ناخوب و خیر انسانی محیط کار هر دو به فزونی می گذاشت. اما در پائین همه محصلین و کارکنان فنی را که برای کارفرمایان خطری به حساب می آمدند اخراج کردند و به جای آن ها کارگران کره ای را با مزایای استثنایی استخدام کردند.

در اصفهان یک شرکت آمریکایی دیگر به نام پلی اقمیسن وجود دارد که در آن شیوه بهره گیری مشابهی افعال می نمود در آغاز سال گذشته اعتصاب وسیع و همگانی برای دریافت حده و حق ایاب و تهاب به مدت دو روز کارگاه راه حال تعطیل شد در آورد. قریب ۶۰۰۰ کارگر دست از کار کشیدند و هنگامی که یکی از روسای شرکت به یکی از کارگران اصفهان ریخا فر کرد و کارکنان با جواب سلفه به ساختمان مرکزی کارگاه حمله کردند و در نتیجه آن راه نشانه اعتراض خود را کردند. در حالی که کارگران در محاصره ماوران واد لمری و سواک قرار داشتند، کارفرمایان آمریکایی از ترس پست میز یکسده مخفی شده بودند. سرانجام هم اعتصاب در نتیجه پایداری و تنگ کارگران با برتری پایان یافت.

عده زیادی از کارگران سابق پلی اقمیسن همین در شرکت فلور اصفهان کاری می کنند. تلاش آنان و دیگر کارگران آگاه پسوان گرفتن حق ایاب و تهاب، مریض سالیانه، تبلیغات و تعطیل های محطیل روسی که از چندین پیش ادامه داشت سرانجام به شورشید. اعتصاب گسترده و یکپارچه روز سه شنبه ۱۳ دی ماه که در آن تمامی کارگران شرکت داشتند، نتیجه این تلاشها بود.

## جنبش ها و مسائل کارگری

### اعتصاب وزد و خورد در نیروگاه برق اتمی بوشهر

کارگران نیروگاه برق اتمی بوشهر (اختصاصی) در نیمه اول دی ماه به عنوان اعتراض به شرایط زندگی دشوار و کمی دستمزدها و نیز رفتار غیر انسانی در حق آنها محص می شود دست از کار کشیدند. اعتصاب کارگران با هجوم ماوران کار محافظ نیروگاه ریور شد و کارگران محترمی را برای این پوروش جانانه به طلبانه پرداخته در جریان زد و خورد ها می که در گرفتند اما از جنبه های ساختمانی نیروگاه شکسته نشد. نیروگاه برق اتمی بوشهر در حدود ۶ هزار کارگر ایرانی دارد که اکثر شان از کشاورزان آواره و روستاهای اطراف هستند که برای تأمین خرج زن و فرزند خود در دشتول ترین شرایط کار می کنند. هنوز اطلاع از ترقی از تمدن دستگیر شدن این اعتصاب ریخاشتمو پانه فرسیده است. کارگران به سینه آمده و مبارزه در امر خواستهای حقه خویش به تمهید امر انسانی و بی رصه ای که بین آنها و کارگران خارجی قائل می شوند، اعتراض می دارند و خواهان تشکیل سندهای جنص هستند تا از این طریق حقوق صنفی خویش را تأمین کنند.

گزارشگر تپیده و نیمه در بوشهر چند شرکت بزرگ و واحد کار وجود دارد که هر کدام بیش از هزار کارگر دارند. در وسط سال چندین اعتصاب در این شرکت ها روی داده که انگیزه تمام آنها اعتراض می کنند. دستمزدها، نداشتن مسکن و شرایط بد خیر انسانی کار است. در این واحد های کارگری بوشهر نیروگاه اتمی قرار دارد.

### اعتصاب کارگران کشت و صنعت کارون

اکنک و صنعت کربن خبری در سده کارگران این واحد صنعتی طلب در حال اعتراض و اعتصاب به سر می برند. اعتصاب کارگران بیشتر در زمانی شروع می شود که فصل آبیاری است و اشتراکات شده با یوقی کارکنان نیاز دارند. کارگران به پارچه اندوختن در چندین اعتصاب جنص شده اند و خواست های خود را به کارفرما بچولانند. ۸۰۰۰ درصد از کارکنان کشت و صنعت کارون که تمامی آنها کارگران تشکیل شده اند، ریزه زر توپان در راه حقوق می گردند و آن در شرایطی است که در حده کارکنان بالای ده هزار تومان حقوق دریافت می دارند. البته بسیاری از این ها توجیها ما هستند که بسا اعتراضات کارگری طلبه می کنند. به حکم امیبر زندگی و استفسار شده به نیروی کار در برابر ناچیز ترین دستمزدها و نداشتن اکثر کارکنان کشت و صنعت کارون در کار آنها جاد و امد های دیگر کار می کنند. به این امر کارکنان افسان خانوادگی های کارگران جنص زندگی آنها لنگ می اند و حتی تا این ابتدای ترقی نیازهای حیاتی و روزمره صلی نیست.



# حوادثی

## که رژیم از انتشار آنها وحشت دارد

### کلاهبرداری جدید رژیم

روزهای بهیول و بهیولتی طی یک بخشنامه از شعبه های قضایی اجتنامی که وظیفه بیه کردن مردم را به عهده دارند، به اطلاع رسیده است. دفتر چه بیه شدنگان روش مستقیم را به روش غیر مستقیم بدل نکنند. در روش مستقیم بیه شده فقط می توانستند به پزشکگهای شخصی که آدرس آنها را اختیار بیه شده گسان گفته شده مراجعه کنند. در این صورت به شیوه در مانگاها ملک معاینه سر پاس و قلب بدین معاینه نشده داده می شود. در روشی که غیر مستقیم نامیده می شود، بیه شدگان می توانستند به پزشکان مراجعه کنند و بعد از معاینه نسخه بگیرند. تا اواخر بهمن ماه که بخشنامه یاد شده صادر شد، شیوه کار به این ترتیب بود که ابتدا بیه شدگان، بیه مستقیم می شدند و بعد از مدتی دفتر چه آنها به غیر مستقیم تبدیل می شد. البته رژیم، مانند همه کارهایش، اول کسی را به رولگان بیه نمی کرد و از کارگر و کارگر ۲۷ درصد حق بیه دریافت می شد (۷ درصد از کارگر و کارگر ۲۰ درصد از کارفرما) و تخفیف به طاعت می لایقی وفادار و رشوه خواری رایج رژیم وضع چندان بدو وحشت همی که نه بیزنگه، نه در پوشانه در لونه کارگر و کارگرند از وضع راهی نبود.

حالا رژیم با تصمیم تازه خود که در قالب بخشنامه ابلاغ شد است در نظر دارد این کورسورا هم به روی ضلعین ها کارگر و کارگرند بپوشد.

به دنبال بخشنامه بالا در حالی که همان ۷ درصد حقیقه از کارگر و کارگرند دریافت می شود، به هیچکس دفتر چه بیه غیر مستقیم نداده اند و گفته می شود که دفتر چه های غیر مستقیم هم به مستقیم تبدیل خواهد شد.

حالی که گروهی از کارگران که از سر ناچاری با دفتر چه بیه مستقیم به درمانگاهها مراجعه کرده اند، با دیده حالیسی رهبر شده اند: ستولان در مانگاها به آنها نسخه های از پیش نوشته شده داده اند، می آن که بیزنگه کارگران به چه نوع بیماری مبتلا هستند!

گیا بزادی به دروازه های تمدن بزرگ شاهانه نزدیکه شده! بانم!

### هجوم جدید مالیات چی های رژیم

نظام آریامیری هر روز برای جبايل طبقات مختلف مردم روش تازه ای ابداع می کند. در حالی که ضلعین ها دلار نرآمدن های حتی صرف خرید اسلحه های مافوق مدین و روختن با ش های بی حساب خانواده پهلوی و ساواک نوظه چین و سوزل و بخشش رژیم های فاسد و ضد خلقی نظیر صادرات بنام بلژیک و بلک حسین و کون کارگران پاکستانی می شود، برضی نیست که مالیات تازه ای به زبان مردم بیوزعتشان وضع نکنند.

دریافت مالیات های مستقیم به بهانه های گوناگون که آن چنان شکن است که حتی تجار فروش از برداشتن این طبعیته چند روز پیش روزنامه های ساواک زده اعلام کردند که بیه زدی و ضلعین های ریال مالیات از اصناف دریافت می شود و چند روز بعد نمایندگان رژیم به سراج اصناف تهران رفتند و برگ های مالیات را تسلیم آنها کردند.

با بدین برگیهای مالیات آد از آنها که دست از... چوخلر صلحستف تهران که از سال ۱۰۱ به بعد دریافت مالیات از آن ها به عهده تمیق افتاده بود برآمد. مالیات بی هاهفتم به جای این که ضلعین ضلعین، مالیات هر سال و ابراسس جزان فروری شامی هزینه های زندگی در آن سال تعیین گشته و مالیات سالگشته را ابراسس ضلعین اسام تعیین کرده اند. به این ترتیب مالیاتی که ماموران ضلعین می کردند، که ۱۰ برابر بیشتر از سال های گذشته بود.

### حداقل مالیات دریافتی ۱۲۰ هزار تومن تعیین شده است

به دنبال این وضع تصویب برای جبايل درازگانیهای تهران که مرکز عده فریبی بسیاری از تجار فروش است، تا بلورهای پست هزاره خود آهنگند که روی آن نوشته شده بود: "این هزاره به طعصم قدرت برداشت مالیات تعیین شده به فروش می رسد". به بهای مالیات آن چنان زیاد است که تجار تصمیم گرفته اند و در حالی که مالیات های ضد ملی دولت تجار فریبا تا آستانه خطر ط کابل کشانده و در همان حال از جبايل مالیات های کلان طلب می کنند، هزاره های خود را برای معینه تعطیل کنند.

### تان هم بی سرو صدگران شد

خلی بی سرصدگان و بی آن که روزنامه های فریبی حتی سطر دران باره بنویسند، وقتان بین ۴/۵ تا ۸/۵ ریال در تهران گران شد. در حال حاضر نان تلفیق که تالیق هفتصدی ۱۶/۵ ریال قیمت داشت، یکلی ۲۸ ریال و نان لواش که هر یکلیش ۱۷ ریال بود، یکلی ۲۵ ریال و نان سنگک که یکلیش ۱۵/۵ ریال بود، هر یکلی ۲۱ ریال زبان برمی که یکلی ۱۲/۵ ریال عرضه می شد. یکلی ۲۰ ریال فروخته می شود.

در حالی که گروهی از مردم مستحق بی بیکه بیول ایران و بیوزنگه به نان و پنیر بیزنگه رژیم که در بلندگوهای خود فریاد می زند، در حال ملین همایان غارت می دهند تا قیسه کالا های اساسی را نجات نگیرد. به اعتماد به نخرایان اجازه افزایش قیمت نان را داده است. اعتماد به هم به طور نظامی به ۳۱۱۷ نانولی تهران گشته است که می توانست قیمت نان را گران کند. این دستور آن چنان ضعیفانه صادر شده که در چند روز گذشته با زمین آسانی اصناف که نفس اصلی و امر شمعدهای حکومتی از گرانفروشی به عهده دارند، چند نانولی را به جرم گرانفروشی افسار گرفته اند، اما همین آن ها را به حال خود رها کرده اند.

نانولیان تهران که خود به طعصم کرد، افزایش هر دوک مالیات ها و بیزنگه های جوار جو رژیم به بهانه های گوناگون از چند روز پیش چنان به تنگنا که اندک چاره کار را برها کردن کار دیده اند و به همین خاطر هم در یک سال گذشته ۱۲۰ نانولی تعطیل شده است.

### زبان جوادیه به مأموران ساواک پاسخ دندان شکن دادند

روز چهارشنبه ۱۱ دی در جللی شهر لری ناحیه جوادیه ما حرای حالی رخ داد. حدود ۵۰۰ زن ستاجر برادر داشت بیل حبست اسم جسی برای خانه های امرا با که فرار است از لری همسر لری در اختیار ستاجران قرار گردیدند. به بودن به نصبت برای برداشت بیل و فرار ساختن شهر لری می شدند که در این موقع استوار کلا تفری (شهبانی) به دلیل از صمام پیش از حد جمعیت و فشار و اشتراک آن ها جنی بر کد کار و پاسزا شروع به فحاشی به زبان می کرد؛ ناگفته نماند که اکثریت این زنان، همسران کارگران زحمتگهی هستند که روز سرکار هستند که تا چنان مورد حمله زبان قرار گرفته و کتک ضلعی نوش جان می کنند که تقریباً از حال رفتن و بی هویت می شود. این حرکت زنان از طرف مردم جوادیه (که اکثریت آنان کارگر هستند) صورت می گشت و بختیانی فرار گرفته است و عده مردم به خصوص کارگران با شادی از این ماجرا مستن می گویند.

### از گوشه و کنار کشور

### گزارش تکانهنده دانشجویان از وضع زلزله زدگان

چند هفته پیش زلزله زدن کرمان را از زلزله و مال صیغه صد ساله غمت ونگی و دهان شکنگین خطه را بر سرشان خراب کرد. گروه بسیاری جان باختند و بازمانده گان هم وسایل ناچیزی را که از بضای آریامیر لری ازبهر سر اسان نگه داشته بودند، در این طغرا از دست دادند. مانند صیغه روزنامه های لری به جای بخش ضلعین زلزله، غفلان گرفتند و بلندگوهای باه کوی رژیم در ستایش کتک های دولت به زلزله زدگان و مردم غلبت شاهانه و های و صیغه کر گشته ای به راه انداختند و آنگاه یکباره همه چیز را کتک لغتی غفلان و سانسور ازبهر رفت. به بهای رژیم زلزله زدگان آرزو زدن را ازبهر برد، اما طب های شاری به بار این خلق های آریامیر زده می زد. طب فرزندان خلق به بیه خلق مثل صیغه کر و بر شو می زد. بی گرویی از دانشجویان دانشگاه صنعتی با حب آری شاری بیل بخدا و برنگه دولت روان ضلعین زلزله زده شدند. دانشجویان حتی به وصل رسیدند، تازه در ماندند که جبار دستیارشان عالی است. تمام کتک های صیغه انگیز رژیم که بلندگوها با آب تاب شرح گتیا را داده بودند، در بلندگوها مستعمل برای هر خاندانه و صیغه پتوی ضرر برای هر زنگه خلاص می شد. خیل زلزله زدگان بی غذا و بی در لری نیکه گشته در به ترین شرایط نیست به اماندها رها شده بودند. دانشمجان آنچه را که داشته بین زلزله زدگان تقسیم کردند، اما همین کارشان تمام نشده بود که گرانهای رژیم در لباس زدن لرم با تنگ و سوزنگه بیه ایشان شد و با بخشش دانشمجان خواستند محل را ترک کنند. دانشجویان بر چشمان گریان زنان و دستان طعصم زدن و پاره شده کودکان بیچاره به ناچار محل را ترک کردند و جرجا رسیدند که گشته که بعضی از جبايل زلزله زدگان هم امانه لوف.

### اعلامیه دانشجویان درباره شهادت یک دانشجو

دانشمجان دانشگاه صنعتی هفته گذشته طی اعلامیه ای غیر شبیه شد یکی از دانشمجان این دانشگاه را در شکمبگه شاه - کتک فاش کرده اند.

دانشجویان دانشگاه صنعتی در این اعلامیه نوشته اند: فردای شکی که جلسه سخنرانی یکی از اصناف کابین هستندگان ایران به مصاب نشستی حاضر شد، نظاره رانی در دانشگاه صنعتی روی در اوصال ساواک در جبر این تظاهرات حسن نصور زاده دانشجو همال چهارم ضلعین را دستگیر کردند و دیگر از او خبری نشد. حالا خبرهای رسیده از زندان حاکسی است کابین دانشجو در زیر شکنجه گشته شده است.

### استقبال از اعلامیه های حزب ما

در دانشگاه تهران اعلامیه های صمده دست نویس بسیاری شده است که در آنها از عده دانشجویان - با ابرامه های بلندگو گوناگون - خواسته شده است اعلامیه های حزب توده ایران را بخوانند. در این دست نویس ها تألیق شده است که محلا به حزب توده ایران با عنوان اتحاد - جباریه - بیوفته - و پیام لشکر کتک مرکزی حزب فروری است که به طور وسیع تکثیر و بخشش می شود. برخی از این دست نویس ها تألیق شده است که ما با بعضی از سیاست های حزب پهلوی نیستیم. نظر علمای اکثر حزب پهلوی بر تشکیل جبهه واحد شد و بختیانی تألیق می گیم و از ایشا گری های "نید" استقبال می نمانیم.





# نویسد

(وابسته به حزب توده - ایران) شماره ۱۷ - شنبه ۲۲ بهمن ۱۳۵۶



رهبر شهید زحمتکشان ایران دکتر تقی ارانی  
مروج بزرگ مار کیمیم - لنینیم

## بن بست مبارزات صنفی دانشجویان را چگونه باید شکست؟

دانشگاهها سال‌هاست در نبرد تیره کسب ورود روی دانشجویان با رژیم خودکام استبدادی است. در حالی که به کار برداشته دانشجویان کارکنان صنعت و تداوم واقع گریه در طول تاریخ دانشگاههای ما سابقه نداشته و اجماع سیاسی گسترده ای یافته است و مسائل صنفی خاصی کمتر سرشکست چنین جنبشی است. به صورت کلی به هم پیچیده ای در آمده و بحث داغ و اساسی تاجی دانشجویان دانشگاه ها و مدارس عالی را ایجاد شده است. نیم سال اول تحصیلی به پایان رسیده و دانشجویان پس از مبارزه ای که صدها صبر و صدها بازداشتی و صدها محروم از تحصیل و به افتاد از دست رفتن بسیاری از کلاسها و واحدهای درسی، مشخص ترین شکوه آن است و ظاهراً خود را در همان نقطه ای می بینند که سال تحصیلی را آن آغاز کرده بودند.

در آستانه آغاز سال تحصیلی مسئولان دانشگاهها به دستور ساواک خود سرانه کتابخانه ها و کتابفروشی های دانشجویی را تعطیل کردند. فعالیت انجمن های دانشجویی و انجمن های علمی را ممنوع اعلام و جلسات سخنرانی و انجمن های هنری و ادبی را ممنوع اعلام کردند.

این توطئه طبعی به بهی ترین و شناخته ترین حلقه صنفی دانشجویان که در موارد دیده با توهم و تحقیر مبارزه طلبی فرور آید و تحریک کننده ای همراه بود. هسته های مبارزه ای را ایجاد کرده که به تمهید از حال رهوی می ریزد ایران به سرعت رنگ سیاسی به خود گرفت و از این دانشگاه به آن دانشگاه یافت. اما ساواک خیال تن دادن به خواست های حلقه دانشجویان را نداشت. این هیولایی که تنها از سخن و سرگند زده می کشد به خلق های ما از چشم فاطمی به منظره گرگی به طمع و جلای بی به حکم می نگرند و بی خواست و بی توانمندی گزشتن های شیطانی در برابر خلق دانشجویان داشته باشد. در ذهن بهار آرزو و خوشنودت و هوید و چه زنجیر کشیدن و شکن ریختن و از هم دریدن و شکسته دادن و تیرباران کردن و تنهاسی گدیده همه عمل است. حکم المصل این خلقت صبور و بیخودا بیشتر و لیاقتی و خود سری کردگان و بی افتخاری به اعتراضات دانشجویان و تاخت و تاز به ناراضیان و مسترشان نبود. و چه است که این بساط طراده دارد...

و اینکه سوالی در فضای همه دانشگاهها و مراکز مختلف دانشجویی حج می زند:

چه باید کرد؟ آیا پس از این همه مبارزه باید سلاح ها را به زمین انداخت و تسلیم شد و به کلاسها بازگشت و با سپاس ادا داد؟ در این صورت وقتی که همیشه نشان داده ساختن زندان را بر دانشگاه ترجیح می دهد و از به حد رفتن سر ما به طعم مادی و مینوی طلک به خاطر بیست مائیدن دانشگاهها، حتی گزشتن می کرد و کلاسها را برای نیم سال درم تعطیل می نمود؟

از این گذشته، بیست بدون کلاسها و صوت و کور و مائیدن دانشگاهها و این امکان را که دانشجویان گرد هم آیند و در

تبع و تکرار خود نمویی بیشتری برای مبارزه بسج کند. از آنجا نمی کرد؟

اداره مبارزه به شیوه گزشتن ها نتیجه به درونای آن مشروران به صلاح است؟ و اگر هست تا چه وقت و چگونه این مبارزه باید تداوم یابد؟ و اگر استمرار گزشتن عملی نیست، چه راه دیگری وجود دارد؟

بازگشت به کلاسها، با رومیه شعل، همان تن دادن به شرایط یکجانبه و دست انداز ستوان ساواکی دانشگاههاست. این به معنی پذیرش تیری مبارزه بر کار کردن صدها دانشجویی زندانی و صدها هکلاسی و همدرسی مطلق در جنگل ساواک و تشویقی ساواک به هجوم های تازه و پامسال کردن بی پروا و تحقیر اساسی دانشجویان است.

از طرف دیگر ادا بلا تکیلی به امر دولتی و سرگشتگی به تروجه سرخوردگی جاسوسان و دانشجویان می شود. به بهی ترین حاصل مغرب چنین رومیه ای از به سو تفسیر و تهاوه در صحنه؟

### به مناسبت ۱۲ بهمن، روز شهیدان حزب و نهضت

## آوازه های رزم و خاطره های گلگون...

در این پیشرو و خردگوب دهان، سر جوانه های بی شهها و گدیم زارها و منتشر شد. ارانی تنه لفت و مایمین ها بازگشت. حای پای خون آلودی که از لاری تا امروز اتمه در دارد و از میدان بزرگرس حساسه های خلق ماو گورستان هزاران شهیدان گنام می گذرد. این جای پای رزم و نبوت و شجاعت از هوشناک ترسین شنبه گاهها، جنبشی ترم زندان ها و آستانه ایروانی صدها سحرگاه تیرباران میوز کرده و با انگر صدها هزار طب بر کوسه آینده بوسه زده است.

گزشتن گدیده... گزشتن گدیده... هنوز صدای خنجر آسای و ارخان از دیوار شکسته گاه می گذرد:

"من و مردم، اما با زنی گرم..."

هنوز "سایه" در برابر جوشه اتمه لبند تر راه پیشباز آینده می فرستد:

"آنها که از می ما می آیند، بر هم طراد میله به دوش می کشند."

۱۱ بهمن روز خاطره های گلگون روز شهیدان حزب و نهضت و روز انبساط آبه های رسولی که از خاکش حقیقت و فتنه برخواست و با دهان "ارانی" آرزو های سرخ رنگش خواند و روز درگسی که به تنای از این جهان ترمه اند بریز پیوند عاشقانه و وفاداری و مرگ بر بیست و شش سال آن تن مجروح و تباری که به حجم گسور همه شهیدای ماست، سال در شرایطی برگزار می شود که بخشی بیشتری از خانه چین به گورستان شهیدان پیوسته است.

۲۸ سال پیش در چنین روزی استبداد شور و رفاه شامسی و زندگی پر خنای بر می و از طریق گرفت که داغ او همیشه بر دل جنبش نبوده ای و کونیستی ایران تازه است. اگر حادثه مرگ "ما رگس" به نتایج کوتاه شدن بله سر و گردن از فضاقت بشریت تعبیر شده، مرگ زودرس ارانی به معنی کویله شدن به کار خلق ما... در دست به انداز بزرگترین سری که داشت... بود.

"آواز خوان گشتن بلی ترمه انچه دامنه کرمه های وطن ما که کرد" ارانی در حزب توده ای ما شکست و در کوه و خنیا بان جلی می شد. در خانه ها با یکدیگر خانه ها، در آهمن و گروه و پتک و در بازی و رنج و نیرو و نبوت و رومیه. در ویستا و در





# بوی آزادی زندانیان سیاسی ما زنده است

بی نظاری شاه هاشمان را بالا انداختند. زندانیان ما از چشم و بدبختی به خود بی پیچیدند. سرانجام برای زهر چشم گرفتن از مبارزان سرسخت و متنی چند از آنان راست چین کردند و به "زهر هشت" پرورند. صدای رفیق خاوری این بار هم رنگ طغیان داشت. در زمین در وجود او کانون مخالفت و شور و شورا کشف کرده بود. به او حمله کردند و سبلی محکمی به صورتش زدند. صدای این سبلی و گویی زندان را بر کرد و بدل هارا بر کرد و چشم هارا از نفرت بر کرد. رفیق خاوری مثل جسمه ایستاده بود. در جبهه او جز بزمی نبود. با سگ نترس زندانیان را تحقیر می کرد. همه زندانیان حتی آن ها که مخالف بوده ای ها بودند تاجند روز سنگینی بخشی را که از کتک زدن رفیق خاوری به میان زندان افتاده بود. در گویی خود احساس می کردند. رفیق و ما این سوشی ها زندان را تسخیر کرده بود.

زندانی ها تحریف می کنند:  
رفیق خاوری در اصفهان مدت های مدید در زندان انفرادی بود. زندانیان از حضور او در میان جمع دل خوشی نداشتند. بی دانستی از وجود او نیرویی می تراود که در جمع می شکوفد و هملر و الهام می بخشد. بی دانستی این عضو کمیته مرکزی حزب توده ایران حتی در زندان لحظه ای رسالت نده. ای و انقلابی خود را از یاد نمی برد. او خنجر ناک بود.

در همین زندان اصفهان بود که بان رفیق دختر تریه ملاقاتش آمد. سالها بود که دخترش را ندیده بود. همچنان دیدار در نگاهش حسوس می زد. اما چه برادرش بود غرق در ریاضی اندوهناک. به زندانیان گفت:

- تنها در یک صورت با دخترم ملاقات خواهم کرد.
- گفتند:
- به چه شرطی؟
- گفت:
- نباید او مرا پشت صلبه ها ببیند. ملاقات ما باید حضوری باشد.
- زندانیان گفت:
- این غیر ممکن است. بخلاف مقررات است.
- رفیق خاوری گفت:
- جز این هیچ خلافی مقررات انسانی است.
- زندانیان زیر بلر ترفت. او نیز شوقی و حسرت دیداری را که سالها در دلش انباشته شده بود، نگه داشت. در برابر نگاه حسرت زده و ناباور زندانیان از ملاقات چشم پوشید. چه آرم و نظار ناپذیرش. توان شوق و عاطفه درویشش را بی پرستاند. کسی چه می داند. رفیق حتی در زندان فلسط آن طور زندگی می کند که خود شی خواهد.



و اینکه جان این قهرمان غرور خند. این سیاوش صرافک. در خطر است. برای آزادی این فرزند سلجوق خلی با همه توان خود مبارزه کنم. وجود خاوری در زندان شاه، باطنی که شرایط ناهنجار و غیر انسانی رخه های آزار آمیزی، بهیاری های سخت در آن ریخته است. سندن زنده رسوایی و محکومیت رژیم بیدارگری است که مقابل هارا در غمی می کشد تا چند هاو خفاش ها آزاد و راحت باشند. . . برای بنای هستی بیوج و کبدیده خود ظل می سازد. زنجیری می سازد. ابزار شکنجه می سازد. زندان می سازد و زندان در زندان. . .



## اخراج کارگران مبارز . . .

شده اند. اکثر این عده از کارگران قدیمی هستند و تعدادی از آنها سندن بکای چاپخانه ۴ شیرپوریا اداره می کرده اند. ساواک به تمام چاپخانه های تهران دستور داده است آن ها را استیفاء نکنند.



خانواده های کارگران اخراجی کارخانه ها و واحد های صنعتی ایران را سنگینی و فقر تهدید می کند. تشکیل دسته رفیق بنگلوی در واحد های کارگری و تاسین زندگی کارگران اهراجسی پیشی است که بکای چاپخانه بر دهان کشاند تمیز به گردان های رژیم شاه - ساواک که سعی دارند با اخراج کارگران اختتامی جنبش کلگری ایران را خفه کنند.

# علی خاوری

## صدای حقانیت حزب ما



جان یکی از گزای ترین فرزندان خلق ما در زندان شاه در خطر است. رفیق علی خاوری که از چهارده سال پیش در بختوله ها و قضای تنگ و طافات فرسای رژیم وزیر فشار و جبهه او است. بر اثر ناراحتی چشم، مغز غلی و بیماری آسم، بوقصمت ناهنملر و نگران کننده ای یافته است. ستولان زندان به عصب از یاد او این قهرمان توده ای شاکه خالی می کنند. به این امید که این بکر خاوری رژیم و انتشار که رخه ها و شکنجه کاهها را فتح کرده و مغلوب بهیاری و برگ شود. در زمین می خواهد چشمه و شاهد آب شد و نظره قطره فرور بختن این شمع خلقی باشد. چرا که در وجود تکیده رفیق خاوری، سیاه تنگت ناپذیری باطنی است که زمین کهن زیر گامهای او بی لرزه و شکاف بی بی دارد و خورشید های بی تردید فرا از این شکاف طلوع می کنند.

رفیق خاوری تنها یک زندانی نیست. او یکی از سرمایه های معنوی پروتزاریای رزنده است. رفیق هوشنگ تیرایی - قهرمان شهید توده ای - در خاطرات زندان خود او را این کلمات تصویر می کند:

"من در وجود او مارکسیسم واقعی را شناختم. او بی توانست توده ای بود و با به گزای ترین ماده جهان بدل کند. او امانت گرانتهایی است. مگر به باغ چند شاه میوه می دهد؟ ایگی از شاه میوه های باغ سردم است. حتی در زندان آزاد است. هیچ دروازه ای نمی تواند او را از مردم که آن همه دوستشان دارد، جدا کند. چه عشق جنین آبیژی!

او در وجود همه توده ای ها، همه رزندگان خلقی و همه شاگردان و یارهای راهبرانی، همه کارگران و زنجیران وطنش آزاد است. . ."

رفیق کبانوری درباره او می گوید: "یک انسان والا و بوقی از این رفیق سالیانی رژیم و عادت سخن می گوید. در امانی نگاهش لالی و در دست پانزیری شیرینی می آید. رفیق کبانوری با همی کلام مختصر و انسان خطلی را ترجمه می کند که تاریخ همین ما مدتهاست برای او نای نصرت افتخالی شده است."

زندانیهای قزل قلعه (که اینک بیروانه مشترک شده) خبر. . . او. . . زندان اصفهان و هر سلول بندی که در رفیق خاوری را در خود دیده از مناظره های حایید ان کونیستی او سوزانند. سال گذشته محوطه بند زندان ضر شاهد آفرینش یکس از مناظره های فراوشنندنی رفیق خاوری بود. حیاطه بند ۱ و زندان ضر بیکی است و گاه زندانیان بند ۴ راهم به این محوطه می آوند. آن روز همه زندانیان این سه بند راهم کرده بودند کسی نمی دانست از میانبران چه بناه ای تدارک دید مانند. روز ۱۱ آذر بود. سرهنگ محرومی رئیس زندان ضر کابلهسی رئیس پست این بنایان شده و شروع به سخنرانی کرد. باجه و طعنیسی! بیچاره گمانت. . .

مرفغب در باره تداوت زندانی هاگت. روزه کشید که: "سرتان به ستک. نوردید. بی دامن. خنیه شده اید. شاهنشاه ما آنقدر رتوب و بیزار کردید که می توانست حتی دشمنان خود را فرخ در لطف و عنایت کند. کول آتش بکران را تسخیرید. به شاهنشاه خود رو بیاورید. . ."

صدای بلند. . . صدای نه و غرشی که غشم در آن زمانه می کشید و تلفظ جناب سرهنگ را کور کرد. همه جرها به طسوی صدا برکشت. رفیق خاوری بود. باطقی به بلندی فریاد. با نگاهی بیرواز انگر:

- اجازه نمی دهم به ما توهم کشید. ما پشیمان نیستیم. سر فرازم. از عقیده خود سرفرازم. . . جناب سرهنگ، من زندانی سیاسی ام. اختصار می کنم که تودهایم. به خاطر با مردم بودن زندانی شما هستم و به خاطر با مردم بودن توده ای خواهم بود. لطفا به ما تبعیت نوزید.

در صدای رفیق خاوری، یک حزب کبیر که سرهای تاریخش بر از شهید و رنج و پیگار است و انگلس یافته بود. زندانیان خفتان گرفت. . . و اختراع آن ریزه به هجور بود. . .

ویاز مناظره ای دیگر:

روز ۱۰ بهمن سال گذشته بار دیگر زندانیان را به محوطه حیاطه خواندند. این بار دست آبهان پیش رو بچه با باز بود. فقط تعداد انگشت شماری به حیاطه رفتند. بساطت زندانیان سوت و کوروی و رفیق ماند. بهیامی رئیس زندان سیاسی ضر قرار بجهما برسد:

- چرا بی حیاطتی روید؟

صدای اعتراض آن روز رفیق خاوری در پاسخ همه جبهه ها شنیده شد:

- به ما توهم می کشید. ما به تصالح شما احتیاج نداریم. اصرار کردند. فایده نداشت. تهدید کردند. جبهه ها با

### اعتصاب

## نامه رسان ها و کارکنان پست

از ریزدوشنبه ۱۰ بهمن بهشراز ۴۰۰ نامه رسان زحمتکش تهران دست به اعتصاب زدند. آن ها به عنوان اعتراض کار را رها کردند و در مرکز و مناطق مختلف پست جمع شدند. نامه رسان ها درخواست عهده داشتند و درها خواست دیگر. خواست های عده آن ها افزایش دستزد هم و روشن شدن وضع آن دسته از نامه رسان های است که بعد از سال ها کار شای ناز به استخدام رسمی شده اند و اساساً آن ها هم حساب نیامورده اند.

نامه رسان ها در میان زحمتکاران ایران که هیچی خین عرق نمی کشند و بیم جبار آریا همی و سفره های رنگین برای بیگانگان بهم گند بر علیه خلق های دیگر جهان فکرت بکنند و وضع بسیار دشواری دارند. طبق آلمی که درم خشتور کرده و پست ایران در مجموع ۵۰۰ کارکن را در خدمت دارد. این رقم شامل همه کارکنان پست از نامه رسان تا وزیر است. از این رقم نزدیک به ۳ هزار تن نامه رسان های هستند که از پام تا شام در همه روزها و از صبح تا شام ترسی غیر از جمعه ها محلی در لقمه محفل سال به من دریافت حق اضافه کاری می کنند. فعالیت کنند و نامه میلیون ها ایرانی را به آنها برسانند. وسیله حمل و نقل نامه رسان ها در تابستان و زمستان هر کشور سبک است. دستور آنان حتی اگر با افزایش سرسام آورده شده هام مطبوع نشود، بازهم بسیار ناچیز است. برای مثال نامه رسان با ۳ سال سابقه کار و داشتن دیلم ۹۱۰ تومان حفری می خورد. راین در حالی است که درم طلازه بر در آمد سرشار نفت و صحر او انوم و نغال سنگ و هر روز عولرض تانویا وضع رو کد و از راه های گوناگون درم را غارت می کند. روز بهمت و پنجم فروردین ماه سال جاری وزارت پست و تلگراف و پست تصور را افزایش داد. قیمت نامه های شهری از به به ماه ۳ ریال در داخل کشور از ۲ به ۳ ریال و نامه های خارج از ۱۰ به ۱۵ ریال رسیده. علاوه بر این نرخ حمل انواع بسته های پستی تا کلیه ۱۰۰ ریال افزایش یافت. اما مثل همیشه از این افزایش قیمت دهنری نصیب نامه رسان های زحمتکش نمی شد. سرانجام آنها تنها راه چاره را در آن دیدند که برای گرفتن حق خود به طور جمعی اقدام کنند. اعتصاب که زنده آن از هفته ها پیش تشیده می شد صبح ریزدوشنبه ۱۰ بهمن ماه واقعیت پذیرفت.

خواست های نامه رسان ها از این فروردین:

افزایش حقوق و دستمزد و اجتناب ۶ سال سابقه ۱۵۰۰ نامه رسانی که از سال ۴۹ استخدام شده اند و اساساً به استخدام رسیده اند آن که سابقه ۶ ساله آنها به حساب آید و افزایش خرج بایجیز بنزین و تنکده آری و موتور سبک ها که حسی یک خدمت مبلغ مورد نیاز هم نیست و پرداخت کامل حق بها که در سال پرداخت شد و فراموش اسال درم آن را بالا بکشد. از نظیر چهارشنبه ۱۴ بهمن کارکنان اداری پست هم به اعتصاب بنده پیوستند. آنها هم خواستار افزایش حقوق و دستمزد خود متناسب با افزایش سرع قیمت ها بودند. سرانجام بیکاریگی و همیشگی کارکنان نامه بر و کارکنان اداری پست مسئولان پست کشور را وادار به عقب نشینی سریع و پذیرش باره ای از خواست های زحمتکاران پست کرد و وزیر پست و تلگراف و پست نامه رسان اعلام داشتند که حقوق کارکنان پست زیاده می شود. و عده در "اتکات ناوهای بی نظیر" و ابا اعتباری که در نظر گرفته شده است از لحاظ حقوقی و مزایا و فواید استعدادی و سایر برتانه های رفاهی در اعتبار آن های بکند آری. (کپهان ۱۳ بهمن ماه)

ایامی و عده های موازی که وزیر پست و تلگراف و تلفن و اولیای وزارت خانه در مورد پذیرش خواستهای اعتصاب کنندگان به آنها دادند و کارکنان و کارکنان منترض حاضر نشدند کار خود را از سر بگیرند. آنان با شناخت ناهت عده های سرنررسی مسئولان و همراهان اجرای نقاشی های حق خود را می خواهند. تا آخرین ساعاتی که نوبت به زیر جاپی رفت و این اعتصاب گسترده که باعث وقف در کارهای پستی و تلگرافی شده بود، ادامه داشت.

## تعمیر اضافه کاری در کارخانه جنرال استیل

صد هافتر از کارکنان کارخانه جنرال استیل درواخرسا گفته دست به یک نیمه اعتصاب زدند و اضافه کاری محفل کارخانه را تحریم کردند. علت این اعتصاب علاوه بر دلایل مختلفی که به شرح خواهد آمد و سطح دستمزد هم مربوط بود. یک انگیزه فلسفی و معنوی داشت و آن این که حق ایاب و نهاب کارکنان به طور یک جانبه و خود سرانه از طرف کارفرما قطع شده بود.

حق ایاب و نهاب کارکنان جنرال استیل در گذشته بارها موجب برخورد و تنهن و اعتصاب شده بود. کمی بیش از یک سال پیش کار سرورس سطح و نقل کارکنان به طور ناگهانی قطع شد. کارکنان منترض به مسئولان کارخانه گفتند که اگر به کار اضافی ما نیاز هست و اگر با ما به پس از ساعت کار شای روزانه و چشمه سلسلی هم برای کارخانه اضافه کار کنیم و در این صورت رفت و آمد ما به کارخانه در ساعات ناشامرف با انگالای و برسر خواهد شد و هزینه زیادی از این بابت به درخوا خواهد افتاد. مسئولان کارخانه تقبل کردند که بر ازای "مهرم شدن کارکنان از سرورس ایاب و نهاب روزانه" و تیان به آن ها از این بابت بهر ایزند. اما در عمل به جای "تویان فقط و تویان" به کارکنان دادند. این خلف وعده و احمقانه آشکار با اعتراضات کارکنان روبرو شد و اما کارفرما به آن وضعی ننهاده. سرانجام کار به تحریم اضافه کاری در کارخانه کشید. اما این تحریم نیز به طعم شکست کارکنان و پائین بودن سطح آگاهی سیاسی و اجتماعی و بلز تر از این به به علت فقر شدید و نیاز حیاتی کارکنان به مزد اضافه کار روزانه ای که قطع یک ریز آن نیز برای خانواده های تبه دست زحمتکاران جبران ناپذیر بود. به شکست انجامید. کارفرمای خین آشام که از نقطه ضعف اساسی کارکنان آگاه بود با انگه "به این تجربه و این خلف وعده" در وقت پیش دیگر بر آن دو تویان باقی ماند. هزینه ایاب و نهاب کارکنان را نیز قطع کرد. کارکنان خنکین و منترض به هر دری زدند و نتیجه ای نگرفتند. گوش های سرمایه داران در این گونه مولد گراست. برای کارکنان زحمتکش که در زیر سلطه و روم خد کارگری شاه و بهره کشی و مشایه و لجام کسبیت سرمایه داران یعنی از تیان حد اقل نیازهای حیاتی روزانه خود و خانواده شان عاجزند بره ای جز اعتصاب و تحریم دوباره اضافه کاری باقی نماند.

اما این تحریم نیز با وجود آن که چند روزی ادامه یافت و بسا همان سایل و جوار غیر روبرو شد که تحریم و مقاومت سال گذشته رو به رفته بود. عدم تنگد و رفاه آن همیشگی وسیع بین قشرها و گروه های کارگری که با نیکه بر آن تویان نیازهای فوری زندگی را تأمین می فرغ کنند و در زمانه فقر و محرومیت بهر اندک عده و تعدادی از کارکنان را از برای در آورد. نخست یک عده و سپس عده دیگری از سر ناچاری اضافه کاری را از سر گرفتند. اما این شکست موقتی چهره درخشان کارفرما و سرشتنار تکو زورگو را او را با برهانی هرچه نامنظر به کارکنان نشان داد. کارکنان به زبان دیدند و دریافتند که مسئولان آنها حتی از در این اندک ای ترس حفرق مسلم و انگار ناپذیر آنها طفره می روند و بسا بهره گیری از شرایط اختلافی و تورو درو دستن آریا بهر وجه است. همه خانه ریزم از آنها از رسیدن مدای حق خواه کارکنان به گوش مردم خلوقی می نیایند و وجود هنرمون مرجع لغوی - نسه نشریاتی و بی مستوی که کارکنان بتوانند برای رفع اجهالتات به آن مراجعه کنند نفی می نمایند. کارکنان در نهایت خشم و نفرت باهمال شدن طبیعی ترین خواست و حق خود را بهر مشروبه دیدند و بر علیه این اجهالت و تحمیل شرم آور را با شرایط ناهنجار سیاسی و اوضاع و احوال استبدادی در می یافتند و پیش از این بهر ضرورت داشتن سنگینا و سازمان منلی و اوضاع خود واقع شدند. این بهر قضی و تحریم که بهمی نبود. ما در شماره های آینده نوبه به بررسی همه جانبه سایل و جنبش های کارگری در شرایط کمونی ایران خواهیم پرداخت.

کارخانه جنرال استیل در جاده هم کرج واقع است. این واحد بزرگ تولیدی در بدو وقت شامزین شکل شده و بهر قست به تولید سایل آلومینیومی و بختن دیگر به تولید پمپهای و سایل های از این گونه اشتغال دارد. اعتصاب در بخش تولید پمپهای کارخانه جنرال استیل صورت گرفت.

## جنبش ها و مسائل کارگری

### اخراج کارگران مبارز به اشاره ساواک

تعدادی از کارکنان کارخانه گلرین سازی ایران به امین دلیل که در اعتصاب و اعتراض اخیر این کارخانه نقش فعالی داشته اند اخراج شده اند. این تصمیم از طرف کارفرما با اشاره ساواک صورت گرفت. هر یک از کارکنان اخراج شده بین ۱۰ تا ۲۰ سال سابقه کار دارند و سن برخی از آنها بین ۶۰ تا ۶۵ سال است. کارکنان این کارخانه در جاده هم کرج واقع است حتی قبل نسبت به فروش سهام کارخانه به کسانی که کوچکترین نقشی در تولید کارخانه ندارند اعتراض کردند و از کارفرما خواستند تا حق قانونی آنها را در اختیار بگیرد. نقد کرد. لیکن کارفرما به کارکنان منترض چینه و دندان نشان داد و جمعی از آنها را که سابقه کار مست و مولاتی داشته و به سائل کارگری از جمله قانون کار و حقوق بنده تسلط داشته و از کار اخراج کرد. او اجناس دیگر کارکنان اخراجی به وزارت کار و دیگر مراجع دولتی تا کهن نتیجه بخش نبوده است و طبق آخرین گزارش های رسیده، کارفرما تعدادی دیگر جوان را به جای کارکنان اخراجی استفاده کرده است. کارکنان اخراجی با آن که ۱۰ تا ۲۰ سال حق بهر داده اند بهر نیمه به اشاره ساواک اعلام دادند که نمی توانند حقوق آن ها را بپذیرند.

\*\*\*

گزارش های رسیده از وضع کارکنان اخراجی بنز خاور نمیز حالی است که وزارت کار می شریانه طرفداری خود را از کارفرمای این کارخانه اعلام داشته است. مسئولان این وزارتخانه ساواک زده بهر از راه امداد که کارکنان اخراجی برای روشن شدن تکلیفات به آنها صرفا گفته اند هم گفته حقی در کارخانه ندارند و مسئله باز نبرد خدمت آنها هم مطرح نیست. بهریناز ۵۰۰ کارگر این کارخانه مدتی قبل برای اعتراض به کمی دستمزد و شرایط و توار کار دست به اعتصاب بکار. ای ریزدوشنبه کارفرما به مطالبه با آنها برخاست و در کارخانه راه روی کارکنان اعتصابی بست و آنها را به داخل سوله راه نداد. کارکنان به اعتصاب خود در پشت درهای بسته کارخانه ادامه دادند اما این بار مدتها و اندامی صلح به تفکک و جوبه جانی درست در روزهای که روزنامه ها می ساواک زده اعلام داشتند کارکنان به اصلاح صحن بیست اجتماع ضد صحنی عدای را در کاروانسراستکی در هم کوبیدند به جان کارکنان اعتصابی افتادند و عده زیادی از آن ها را به حلقه منترض مجروح کردند. اعتصاب به خین تشیده شد تا دو هفته به طور پراکنده ادامه داشت تا آن که کارکنان تصمیم گرفتند به سر کار بازگردند اما کارفرما هیچ زیادی از کارکنان را اخراج نکرد و اعلام داشت که باید به وزارت کار مراجعه کنند. این جمع اخراج شده اکنون هفته هاست بین وزارت کار و کارخانه رفت و آمد می کنند اما هنوز نتوانستند با همسی منطقی به توافق برسند.

\*\*\*

از پایانه ۲۵ شهریور نیز گزارش می رسد که هنوز ۳۰ کارگر اخراجی این جایخانه نتوانستند حفرق قانونی خود را از چنگ دولت و کارفرما در آورند. این کارکنان به دنبال جنبه روز اعتصاب کارکنان جایخته بزرگ ۲۵ شهریور از کارخانه اخراج شده اند و در صفحه ۵



# حوادثی

## که رژیم از انتشار آنها وحشت دارد

### از گوشه و کنار کشور

### اعتصاب و اعتراض دیوان قصر شیرین

چندی پیش یکی از امیران انتظامی شهرهای خرمین به این بهانه که پسرش را در دور سرکلا سربسته کرده است به مراجع دین مذکور می رود پس از توهین و فحاشی بمجلسه زرور به دست های او دستبند می زند و او را به کلاسی می برد. سایر دیوان آرزنگاه که از حرمیان باغی می شوند باغش و هنجارلر ماحرا را با دیگر حکمران خود در شهر خرمین در میان می گذارند و روز بعد اکبریت دیوان شهر به عنوان اعتراض به این اقدام خود سرانه و ناشیستی یکی از اولاد روم خود شاه از رفتن به سرکلا ها خود را می کشد. دیوان خرمین در این اقدام فلام کرده اند که تارسیدگی به این حادثه به اعتصاب اعتراض خود ادامه خواهند داد.

### پایداری مردم

### در برابر تهدیدهای رژیم

شهر قم هنوز از عزای شهید آری راه آزادی این شهر بیخبر نبوده است و هر روز بهانه های مختلف مردم کینه خود را از رژیم درنده و خون آشام شاه - ساواک نشان می دهند. خبرنگار توده از قم گزارش می دهد که در روز ششم بهمن که شاه ناشی با استفاده از تهدید کارمندان به راه انداختن مردم در نمازخانه داران علوم فقهی که از طرف ساواک به آنها وارد شده و حزب فاشیستی و ستاخیست از قبل پیشنهاد کرده بود، حاضر نشدند. مردم شاهنشاهی را بر سر در نمازخانه های خود آویزان کردند. در تمام طول این روزها مردم با پرچم سبزه بر سر در نمازخانه های قم افزاینده شده بودند. در بعضی از محلات منسوجا حلائی که شهیدای قم در آنها زندگی می کرده اند مردم بر سر در خانه های خود پرچم سبزه می آویزان کردند. مجلسی از نمازخانه های شهر نیز که پامبروای یائین کشیدن پرچم سبزه از سر در آنها محوم بوده بود، یکی بعد از دیگری به عنوان اعتراض بسته شد. این مقاومت در برابر رژیم کجی ساواک در نیروهای صحت گرفت که شهرداری قم به دستور ساواک طی اطلاعیه ای به بازاربان و سایر کسبه شهر اطلاع کرد ماست در صورت باز نشدن نمازخانه ها پرچم سبزه کسب آنها برای همیشه باطل می شود و حلقی نمازخانه ها دیوار کشیده می شود.

از رتخان نیز خبر می رسد که در روز ششم بهمن کسبه بازاربان این شهر به عنوان اعتراض به کشتار قم و انقلاب شاهنشاهی طی رستم فشار حزب ستاخیست و ساواک به جای پرچم شاهنشاهی پرچم سبزه بر سر در نمازخانه های خود آویزان کردند. در شهر ساوری نیز وضع در روز ششم بهمن مشابه قم و زنجان بود. است. غضا به دنبال حوادث خونین قم روحانیون این شهر نیز خطبات سخنرانی در تکایا و منازل را در ایام محرم تحریم کردند. طلا این شهر به همراه روحانیان به عنوان اعتراض به حوزة درس و مساجد ترنند. روحانیان ملای در هر کجا کسبه امکان داشته اقدام چاپخانه رژیم را در سرکوب خونین مردم قم محکوم کرده اند.

### مردم چگونه عمل رژیم را رسوا میکنند

در جریان تظاهرات قم اکثر مختلف مردم به بهانه طلبه های جوان که ماموریت رژیم را به خوبی شناخته اند دست به ابتکارات جالبی برای رسوا کردن رژیم و مبارزه بر ضد عوامل و مزدوران رژیم زدند. مثلا در یکی از مساجد بزرگ شهر سبزه لضم ( یکی از روحانیان بر شهرت و در شرایطی که پلیس نام حرم و مسجد را در محاصره داشت. به انشای سیاست های رژیم برای صدها ساله جوان بیدار لغت. این روحانی در میان صحبت های خود ناگهان از طلبه ها خواست که همگی ماموریت خود را از سر بردارند و جلوسان باز کنند. حاضران به سرعت این کار را انجام دادند. در این موقع روحانی مذکور خواست که به سرعت ماموریت خود را بپذیرند و بر سر برگارند. طلبه ها که همگی در این کار تبحر دارند و در نمازخانه ها سرپرست بیدار سرگشته بودند. در این میان هفت، هشت نفر از حاضران در میان تجمع دیگران همچنان با عصبانیت از شاهنشاهی می رفتند و در حالی که سرسرا گرفته بودند با ناله های بلند و انگشت نشانی می کردند. در این موقع روحانی مذکور اشاره ای به آنها کرد و خطاب به بقیه حاضران گفت: به سروروی آنها نگاه کنید، به گله سبزه زور تراشیده شان زگردن های تکیو و همگی طبعی و حیاتی شان که همین خوی در سر نگارنده را می مانند. بگیر به سبزه زور این ها همان ساواکی های مزدورند که برای غیر چینی جان مارشند کرده اند! اینجا بود که دست ساواکی ها رو به روی مردم آمد. بعد درها طلبه جوان و خوشگلمن آنچنان دملری از پرچم سبزه ساواکی ها را گردی می رسوا که ضد فرار داشته بر آوردند که تا مدت ها نقل محافل ساواکی خواهد بود.

### مردم چگونه انتقام میگیرند

یکی دیگر از ابتکارات مردم قم که در جریان تظاهرات پر شوروی ماه گذشته درها کشته زخمی شدند و در این تظاهرات با پلیس و رژیم مردم در دفاع از خود و این بود که در یک روز صد هانفر نان ثابت و سبزه زور را در میان ترنند و در حوالی حرم به راه انداختند. این جمعیت که از اقتدار مختلف مردم و فن و ورد طلبه و... تشکیل شده بود در حرم نشین چنانچه به کمانکارهای پلیس (آورد ایضی از مرکز) نزدیک شدند. درست در مقابل کمانخانه جمعیت با سو... درایه زسی گزاشت و تاگمان از داخل نایب و از ایلی و جهااد چادرها درها و بوجسافی بودند آمد. مردم گدال پر خونی از دست حاضران رژیم آریا سوری و دلی بزرگ از خلد درها فرزند. دلاور خود به دل داشتند. به جان گاردی ها انداختند چه جنگ تن به تنس برداشتن. ناقای امدادی سر بوسه مردم انتقام خود را از آن ها گرفته و برآکنده شده بودند!

### آتش کینه مردم

در اصفهان هنگامی که چند کشتی برانسته های یکی از رتخانه های بزرگ در یک کارا پارکوی شده بود، امی از مردم پنهانی به کشتی ها هجوم بردند و تمامی آن مزارع آتش کشیدند. وقس مسئولان کارا حریق را خاموش کردند. معلوم شد که تمام کشتی ها پر از تظاهر های مخصوص روزی نامه کجیان بودند که نامشبت سفر " جوته شاه زورق " به خارج چاپ شده بود!

### اوج بییمیت!

گزارش تکان دهنده ای که روزیوس آید از زبان فردی است که از نزد طلبه اقوام یکی از شهید ای حادثه شهادت اشتها چرا را نقل میکند: صبح آنروز ۹ (۱۰) صبح سرجوشان از خانه خارج میبود. قبل از رفتن مادر رتزار او میخواهد گفتار خود را در گوشه های پلیس میگوید که با خلعونی ها کاری ندارد و همه در محاصره میباشند من شود ولی پسر به خانه برمی گرد و هر چه منتظرش میشوند نمی آید... پس از اطلاع از ماجرا همه کشتار مردم نگران میشوند که مبارک است از زخمی با کشته شدن باشد. مدتی به جستجو میگردانند و بالاخره در سبزه ام آشنائی کما قاسمی در ارد می شوند و از او و کلمنی خدا هند... پس از مدتی جستجو می کنند همان آشت ابه محلی که جاساد کشته شدگان در آنجا بود راه می یابند و عوارسی جاساد میگردانند. آنقدر رجسد زیاد بوده که جاساد بر سر حوان از... بد ن آنها از حال می رود... سرانجام جسد سرجو را براد رسوا ن جاساد می یابند و می خواهند کاترا تحویل گرفت و سپرد ولی ما امورا نیز به آنها میگویند که کشتار ۳ گلوله خورید موجای گولها را بپذیرید و رتزاران مدد دهند و بعد هم می گویند اگر می خواهید جسد را بپذیرید باید با بستر گلوله هزار تومان بپردازید. بد و روماد را ردید که مدد حتی ۳ هزار تومان برای پرداختن به ما امورا نیز بپردازید جسد فرزند شان برانند اشتند باز هید سبزه ام همان آشنائی می شوند و با کمانها و بالاخره ما امورا قبول میکنند که برای هر گلوله ۳۰۰ تومان یعنی جمعا ۹۰۰ تومان بپردازند و جسد را تحویل دهند اما به شرط اینکه جسد را نشویند و بد و سرورومد از فن کنند و روی قبر هم علامتی حتی سنگ قبر معمولی هم نگذارند و قبرها خانه هم سبزه ام و زرا - دارای سبزه ام و جسد می بود... نیز نگویند. حتی جلوی منزل - اقوامشان در رتزاران هم میورفیدند از کسب از آری نگیند. یکی از اقوامشان میگفت: ما حتی حق نداریم که از اینها بپنداریم که ما جاساد کشته اند که بیگم. صد ای که همان نیا بد از توی اتاق بیرون بروند و بیگمائی هم گزخمی شد ما ندیدیم بهر تراز این نیست. در حصر داد ما ندیدیم گزخمی ها را در رتزاران سبزه ام قبول نگیند و کتیرا هم حق نداریم از بد و امال جزمی ما به خانه نماندیم. سبزه ام و ما ندیدیم حتی نمی گاد. از بد گزخمی ها را به تراز میورند. دستور او ما ندیدیم که حتی بیغذاه چون به گزخمی هائی گمشدگان است در آن ترنند خون نماند. بیغذاه! چنین است سبزه ام که رژیم و سبزه ام و توی سبزه ام شاه. متحد شویم و سبزه ام و سبزه ام!

### تظاهرات

### مقابله اران در دزفول

دزفول در عصر روز شنبه دوم بهمن ماه شاهد تظاهرات وسیع و پررسانه ای بود. صدها نفر در حالی که چهره داشتند در خیابان پهلوی حنیص با تظاهرهای ضد رژیم و اعتراضی - شرایط تروریستی دولتی - شهر را به لرزه در آوردند. تظاهر کنندگان نماینده لکه چهره خود را از بیم شناخته شدن توسط عوامل جنایتکار ساواک پوخته شده بودند. خواستار آزادی زندانیان سیاسی و بازگشت حکومت قانون به ایران بودند. با هجوم پلیس تظاهر کنندگان شطرنی شدند. این صحنه تظاهرات صحنی به شدت باعث هیجان مردم دزفول صحت های داغ محافظ و مجالس شد.





# نویسد

(فوق العاده)

(وابسته به حزب توده ایران)

شماره ۱۸، یکشنبه ۲۰ بهمن ماه ۱۳۵۶

## قتل عام ده ها آزادیخواه در تبریز

نظارت مستقیم نظامی دهها هزار دستار و کارشناس پانکی به ستوه آمده اند، در هر فرصت و به هر بهانه، ناراضی و خشم و اعتراض خود را بروز می دهند و این روند ارتجاعی و ضد مردمی ضد دموکراتیک را محکوم می کنند. مراسم عزای چهارمین روز شهادت مبارزان آزادی قم، همدان، ضامنی، بودتا، باروت، ایمن، احساسات، انباشته شده در دلها، منفجر شود - و چنین شد. جمعی از شخصیت های آزادیخواه و علمای مذهبی تبریز از چند روز قبل طی اعلامیه های، روز شنبه ۲۹ بهمن ماه را روز عزای عمومی اعلام کرده بودند. این پاسخ خاموش و گویای خلق به جلا بود، چراکه نظیر چنین اعلامیه های در اکثر شهرهای ایران پخش شده و از صبح دیروز تظاهرات اعتراضی و نمایشات محکوم کننده توده ها بایسته شدن بازارها و دکانها در بسیاری از شهرها و به راه افتادن سیلی از ضمت های گره کرده و جیره های برافروخته و رزمجو در بر تو شعله های هیجان انگیز شمارهای آزادی، خیابانها را فراگرفت.

تبریز با طلوع آفتاب، به پیشواز طلوع قیام رفت. زن و مرد، پسر و جوان و حتی کودکان، در خیابانها سرازیر شدند. صبح هابه هم پیوسته و سیلاب ها به رودهای خروشان ریختند که معاشرت را در می نوردید و در رگهای شهر با سیلان و تلاطم پیشتر می رفت.

خبر نگاران "نوبت" که در میان این سهل به هیجان در آمده عزاداران و عاصیان استبداد بودند، گزارش داده اند: نخست هزاران نفر بودند، ساعت ۹ صبح به دهها هزار تن سر زدند، و ساعتی بعد این جنگ روینده انسانی به تمام شهر سایه انداخت، شکوه قیام و نبرد...

خبرنگاران "نوبت" که دوش به دوش مردم در جهاد خونین و دشتنک آنان طی بیش از ۱۰ ساعت ستیز جانانه با تفنگ ها و سپس تانکها و مسلسل ها شرکت داشتند، لحظات حماسه وار این روز تاریخی را که سرانجام به مرثیه ای قهرمانی بدل شد، ثبت کرده اند. آنها می نویسند:

شمارها تند و آتشین بود و اکثر آنها بر دیکتاتور و دیکتاتوری می ناخت. مردم مجازات قاتلان شهدای قم را می خواستند، آزادی زندانیان سیاسی را آوازی دادند و بازگشت آیت الله خمینی را به شاه ستم مبارزه جوی مذهب ترقی با دار و دسته استبدادی می طلبیدند. پلیس به خاطر

دیروز رژیم شاه خون شهدای قم را با خون شهدای تبریز شست. دیروز یک بار دیگر دولت مدعی مشروطه، فرزندان ستارخان و باقر خان و علی سیوو و حیدر عمولقی را در قلوب سنگر مشروطیت ایران به خاک و خون کشاند. دیروز کوجه ها و خیابانها و میدانی شهر قهرمان تبریز، میدان جنگ تن به تن مردم بانانک ها و مسلسل ها بود و شمارهای آزادی چون دشتی از شقایق و گل سرخ، در توفان عزم و مصیبت مردم که شهر قهرمان را برانگیخته بود، شکفت و بر پر شد.

قتل عام بی شرمانه ده ها تن از مردم آزادیخواه تبریز، درست چهل روز پس از حمام خونی که در خیابان حکومتی در قم بر پا کردند، نشان داد که بین خلق های ما و رژیم از رگ و ریشه فاسدی که بختک وار به روی میهن ما افتاده، جز گور هزاران شهید و سلسله جیبالی از خشم و خصومت و ستیز، هیچ رشته و پیوندی وجود ندارد. چنین رژیمی که عروسک وار سرنخ های اراده اش به انگشت های امیر پالیمس جهانخواه بسته است، مدتهاست که مشروعیت خود را از دست داده و باخالی شدن از محتوای مشروطیت و ضدیت عریبان با موازین و اصول آن، قانونیت خویش را نیز حتی در محدوده تنگ طبقاتی خود از دست داده است.

قتل عام بی بند و بار و بی مسئولیت تبریز یک بار دیگر ابعاد وحشت انگیز خصلت ضد مردمی و درنده خویی بی حد و موزر رژیم شاه - ساواک را به روشنی بر ملا کرد و نشان داد که اگر نیاز های هستی گرم خورده دار و دسته دیکتاتور اقتضاکند، کشتارده ها آزادیخواه بی دفاع در تبریز می توانند تا کشتارده ها هزار و حتی فراتر از آن، تا ایجاد گورستانهای عمومی در پهنای سرزمین زیر میهمان ما افتد باید.

فاحمه به خون و حماسه آیین خود آمو زنده تبریز، از صبح دیروز با تظاهرات عمومی مردم در اماکن و مساجد و معابد عمومی آغاز شد. این تظاهرات آمیزه ای از سوگواری برای شهدای قم و اعتراضی به شرایط اختناق و استبدادی حاکم بر ایران بود. توده ها که از خود دسری های لگام آسپخته و فساد و گندیدگی درونی رژیم و وابستگی های روز افزون نظامی، اقتصادی و سیاسی آن به امپریالیسم جهانی و غارت بی رویه و حیث و میل فزاینده ثروت های ملی که از این رهگذر بر کشور ما تحصیل میشود و نیز به بر باد رفتن استقلال کشور در تهاجم سیاسی و امنیتی و

سلحانه کزیه های شاه مناسب کرده بودند، در میدان دانشسرای تبریز مجسمه ضحاک زمانه را سنگسار کردند و از آن پس تا پامی از شب گذشته، علی رغم حکومت نظامی، در کوچه ها و خیابانها به مقاومت و مبارزه ادامه دادند . . . . .

صد ها هزار قلب دیشب در تبریز اشک را در خشم و خشم را در عزم دلیر مبارزه بی شکلی که تازه آغاز شده، و در جستجوی شکل موثر و مطلوب خویش است، پیوسته می شناسند .

از عصر دیروز حکومت نظامی با قهر و خشم بی سابقه ای شهر را در بیگانه های خداین خود می نشاند. هر کس که در معاشره ظاهر می شد، توهین می کردید. بسیاری از محصلین هنوز در مدارس خود به صورت زندانی مانده می بودند. تبریز دیشب یک شهر اشغال شده بود. نهمین آمار و تلفات بسیار سنگین نبود دیروز هنوز در شواراست، اما تا صبح امروز مدتها از شخصیت ها و مبارزان تبریز بازداشت شدند. جنایتکاران دهنده تبریز ادامه طبیعی جنایت هولناک قم بود. این خمن های گرامی که بر سنگرش کوچه ها و اسفالت خیابانهای تبریز وقم ریختند، حقیقت زنده بودن و تسخیر ناپذیری خلق محنت کشیده و سلحشور ماست، خلقی که هر بار ضحاک می افتد، از میان خاکسترو

رنج و خون خود نیرومندتر و معتقدتر به پای می خیزد. اما این خون های عزیز، در خود بیاهمقسی را نهفته دارند که مارا به یگانگی می خوانند. فاجعه قم، سند رسوایی ابدی جلالت تاجدار است که می خواهد از سپهر ما کورستان و ایماں خلق ما حمام خون بر پاکد تابر سکوت و مرگ فرمانروایی بلاشارتی داشته باشد. اما این فاجعه در همین حال نقش حیاتی و اجتناب ناپذیر سازمانهای سیاسی و تشکل های صغری را در مقابل مبارزه جدی با ارکانهای انجم یافته دولتی آشکار می کند. بپراکندگی ما، پشتوانه و استمرار جهنم آریامهری است، اما تشکل و جوش خوردن مادر حز بها و گروهها و سازمانهای سیاسی، صنفی و طبقاتی خویش و آنگاه پیوند فلز آسای این ارکان

تخلیفات با اشتراك المنافع که در شرایط موجود آرمان واحد آن ها را به شمع می زند، تنها بشارت آزادی و ضمانت رستگاری ملی است. ما صرف نظر از آراء و عقاید و سلك های خود، خاکستری نشین يك دوزخیم، در يك شكبه گاه سلاخی می شویم، در يك زندان زیر فشار و بیورش و تحمیلیم، با يك تفنگ در كوچه ها و خیابان های صهن خود به خون می غلتیم. آیا این سر نوشت واحد، میم بودن و قاطعیت و تحکم یکی شدن های خلقی ما را توانا کردن این مشت شکست ناپذیر در این یگانگی، تا کید نمی کند؟ تا وقتی به این فریاد در دنیا کی که تمام ذرات جامعه ما آنرا آوازی دهد، پاسخی مطلوب ندیم، خون های پاکسی که در آستانه آزادی در قم و تبریز بزمه خاک ریخت، همچنان خاک صهن ما را با لاله های

دانشدار خواهد پیوستند . . . . .

انبوهی تظاهر کنندگان بی پروا در مقابل نخستین، حشرات هجوم به آنها رانداشت، اما پس از آن که کامیون های لیبریز از پلیس به اصطلاح ضد اغتشاش و گراهای تربیت شده اونیفورم پوش سر رسیدند، حمله به تظاهر کنندگان آغاز شد. صحنه که صدای گول هادر شهر طنین انداخت، هزاران تن از مردم با چوب و چماق و سنگ به حمله مقابل دست زدند. در خیابان کورش، چهار راه شهنواز، خیابان پهلوی، خیابان دانشسرا جمعیت با قزاقان مسلح شاه به هم گره خوردند، چوب در برابر گلوله، هشت در برابر مسلسل . . . و سرانجام پلیس رو به هزیمت گذاشت. تظاهر کنندگان خشمگین کامیون های پلیس را آتش زدند، مو توریست های پلیس را آتش زدند، فرارگاه های پلیس را هفتاب های آتش زدند، حزب و ستاخیز را، این لانه موشها را و خفاشها را آتش زدند، اماکن و ساختمانهای پلیس و تظاهر نظام آریامهری و ستم را در هم کوبیدند و شیشه های آنها را خورد کردند . . . و ناگهان شعله های سرکش دو دو آتش از همه جا زبانه کشید. این حریق خشم خلق بود، خشمی که وقتی لیبریز می شود، همه بسا به شورش بینجامد . . . . .

با فرار پلیس و کامیونها و تانکهای ارتش به شهر طغیان کرده حمله ور شدند. دانشجویان و بازاریان تبریز پیشاپیش صفوف مردم قرار گرفتند. خون خیابانها را فرش کرد، در اولین یورش کراز های حکومتی درها جسد روی زمین افتاد، اما در بسیاری از نقاط مردم از برابر جوخه های مسلح و تانک ها و مسلسل ها نگرین شدند، با چوب دستی و شمشیر به تانکها ناخند، نیروی شمشیر بودیا تانک و گوشت و استخوان با آهن و باروت، اما خون ها گل می کردند و گلها عطر دلبری می افشاندند و خلق غروشان با شمارهای آتشین بسه استقبال مرگ می رفت:

- آزادی یا مرگ . . . . .

این پاسخ به آریامهر بود، پاسخ توده ها به حزب سراسری آن چنانی بود، پاسخ حقیقت به نمایشات مهوع و صحنه سازبهای دلفک و اربوزینه های حکومتی بود .

در حیووه هجوم و مقاومت، هلی کوپترهای نظامی و هواپیما های شکاری و بسب افکن برای مرعوب کردن طغیان تبریز بر فراز شهر به حرکت در آمدند. پول نفت ملت بود که به مدد مدعیان باوه گوی حقوق بشر به صورت کابوس و مرگ، مردم بی دفاع را بسه ناپودی مطلق و یکبارچه تهدید می نمود:

جنگتن به تن مردم با ارتش مهاجم که گویی به تسخیر شهر دشمن آمده بود پیش از ده ساعت به صورت فشرده و پراکنده ادامه داشت. و از ساعت سه بعد از ظهر تانک ها و مسلسل های سنگین در مواضع حساس تبریز مستقر شدند. از عصر لشکر تبریز برای سرکوب طغیان مردم که از بعد از ظهر از حالت جمعی به صورت پراکنده و موضعی تغییر شکل داده بود، از پادانهای عجیب شیروموند یاری خواست. مردم که تا کنون مبارزه خود را با دخالت ارتش و هجوم

## در راه ایجاد جبهه ضد دیکتاتوری بکوشیم!

# نوید

۱ (وابسته به حزب توده ایران)

شماره ۹، شنبه ۶ اسفندماه ۱۳۵۶

سلسله مقالات «نوید» دربارهٔ ویژگیهای جنبش کارگری ایران  
ونقش روشنفکران انقلابی و مبارزان مارکسیست در قبال آن (۱)

## درباب طبقه کارگر اهمال کرده‌اید!

تیرباران با مردم سخن می‌گفت، نقش بر آب گنبد... می‌خواستند همه عبت برتنی گذارند و حاصلش خط پلکان بکشد و راضی‌نمای همه روی جازه بکشاید. و در این راه بی‌پایان صفت که بهتر از آغاز میرشدت خود را برایشانی داشت، پاهای از پرشورترین و موثرترین عناصر طبقه کارگر بود، می‌آوردند انقلابی را که باید کرده و سوسیالیسم را بر این گل‌های عطشناک طبقه بی‌فشانند، آرزوی بود و به شکلهای و اسارتگاهها کشاند به پشت طبقه کارگر را با این اسراف و سخاوت کوششانه خالی کردید. کوششایان را به روی این صدای زنده و پرطراوت لنینی بستید که:

جد کردن روشنفکر انقلابی و کارگاه از طبقه به شایسته آن است که برای گرم کردن و به حرکت درآوردن محیط کارگری، موجب هلی را که در ساختن آن به کار رفته بشکند و بسوزاند.

شما نه تنها صلی به دست برولتاریا ندادید، «فشارتسوی» انقلابی را در او ندیدید، «تاندیل» به نیروی اجتماعی خود بلکه روشنفکران مبارزی را نیز که زارخار «مسالت» بر آن جهان بینی کارگری و دانتز مارکسیستی را بدین طبقه داشتند، «مباراهنگشاندید» و فقه برولتاریا را که باید راهگشای رستگاری خلق شود، «سوسل» گذاشتند. در رفته این احوال رهنمودهای لنین - آوانده را که در برابر چشمهای جهان می‌درخشید، «ندیدید»:

«بدون طبقه ارگرتانم بسبب های دنیاهای در دسترس، حقیقا فاهد در دسترس»

و چون ندانستید که بی طبقه‌گر شما سردارانی روشنگرند، «توانستند در پیاید طبقه کارگر نیز روشنفکران انقلابی خشن ارتد خطیم می فرماندهی است که سر در لاک خود فروبی برد و فوضای جهان را به خود وا می‌گذارد»

«مرد آگاهی سوسیال دیکراتیک در کارگران، اصولا امکان ناپذیر است. این آگاهی با نقطه از خارج می‌توان به محیط کارگری برود»

تاریخ تمامی کشورها گواه بر آنست که طبقه کارگرتنها بسا نیروی خودی تواند آگاهی تریه بیومینستی (توانستنی - صفتی) در خود پیدا آورد، یعنی به ضرورت گرد آمدن در اتحادیه‌ها، مبارزه با کارفرمایان واداشتن دولتها به حد و این با آن قانون بود نماز کارگران و «خمس» معتقد کرد. ولی آن روز سوسیالیسم آفریده آن تقوی های فلسفی، تاریخی و اقتصادی است که نمایندگان تحصیل کرده طبقات توانگر، یعنی روشنفکران فراهم آورده اند.

(تجربهای ۱۹۲۰؟ - انتشارات حزب توده ایران - ص ۲) شما چنین خودی کارگری را در مصالحت اقلیاطبات اقتصادی رها کردید و غریب خود، «سورما تسم» انقلابی و پهرمان پرسوسی احساساتی، به خیال خود به صید سوسیالیسم رفتید، چرا که هم

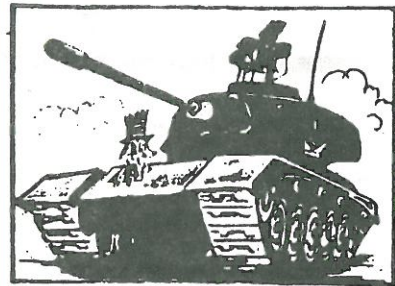
«هر کارخانه باید سنگر ما باشد... کارمایتن از همه و به طور عمده باید نمونه کارگران کارخانجات و سوسات، نمونه کارگران شهری شود... ایامادیک سازمان انقلابی حکم در میان کارگران صنعتی، «ارمن و هم ترین طبقه سوسال دموکراسی است. در لحظه کنین به حد اعلی غیر عظمی است و اگر ما نمونه خود را از این طبقه ضرورت سازیم...» «لنین»

شما اهمال کرده‌اید. شما وستان فدایی در برابر طبقه کارگر ایران واقعا اهمال کرده‌اید.

سالهای مختمن و سیاسی را که باید صرف تارک و تجهیزت صبورانه و سازماندهی انقلابی در طبقه برولتاریایی شد، به سائلترین بها از دست دادید. شما آزمایشهای مارکسیسم را در بازار خرید میروزی به حراج گذاشتید. به نام مارکسیسم «مهری» آن تیغ کشیدید، «زیر علم برولتاریا» آن را تاختناکه کردید... روی این سخن با همه آن روشنفکران مارکسیست و مبارزان خسته و پرتلاشی است که در جستجوی رستگاری خلق «از سنگلاخ سال های آتش و باروت و رخ و عین و اسارت و شکست گذشتند، اما هنوز خود را در آستانه نبرد و در قمار راه می‌پایند، آنهاست که به قول پیشوای خردمند «اکبر» «رسالت» کردن برولتاریا را از نظر سترگ تاریخی آن به عیب دارند.

شما سالیها در خود عیبه خودید، برولتاریا را به خود رها کردید.

بک چند تا پارهای از وجود غیر به سود اهای انقلابی در همان کم آگاه و بی انگیزه دل خود داشتید و از برای آبهای و سوسانگیز مائوسیم، به روستاها خود شدید تا ظلمه پرچم سرخ رهای را در میان شترزارها ببینید و سپاه در همان راکبه محاصره شهر و آرام کردن بر در آن شهری می‌آید. «استقال» کنید. و آنگاه از این محرمه ناسکن مایور شدید. عمل از خود میروزی روستا کنید. «تا آن رانده میم خرد میروزی» «پرخاشجویی» کنید. شما از یاد بردید که سنگر و نقطه جوش انقلابی در آنجاست که نفس تولید اجتماعی تند می‌شد. شما را روستا «خرد» میروزی با برولتاریا میا این نگزید، در حای صاحب خود قرار می‌گیرند. بدینسان شما چشم بستن از این حکم می‌روزی و روشنگر به ختم و هجوم در آید، «برولتاریا» این گزین و قاطع ترین طبقه انقلابی را می‌گردید و صحره جنگ تن به تن تهرمانان خرد و سیردهای پرواگنده بعد از توده و طبقه خود می‌خواستید بسا صدای خرویز باورت خلق را بیدار کنید، می‌خواستید به بد بازی توانای برولتاریا «تعب و سازش» را می‌آفکند، می‌خواستید در شطلمهای عین خود «استند» را بر سوزانید و افسانه شکست ناپذیری هیولایی را که بر پاهای جبین ارتجاع و اهیالیسم تکیه داشت و از شکستگاهها و زندانهای سبکین و سمرگاهان



## طغیان تبریز ووظایف ما

حوادث پودانه تبریز که درها هزار تن از اقلیت و طبقات گوناگون احتمالی را به نبرد خونین و در ریا محوری نظم پلیس و ارتش برانگیخت، هر نظر از جنبه‌های حماسه انگیز آن، نشانه بارز ناراضی و طمعان خشم هگانی از رژیم بود که به سوسه و سیلر شاه است. وقتی خلق با جوب دست و سنگه پاره آجورد گستره ای عظیم به جنگ تانک ها و مسلسل های روده وقتی شمارهای آزادی را با خون خود شعله می‌زند و برگه را برای شلای کردن آن زندگی کو سفیدی و تحقر آرزوی خواهدند به احتمال گند، می‌پایرد، بی نلک لحظه انفجاری نزدیک شده است که حکم شکنندگان با شیوه های کینه نتوانند ادا شده دهند و حکومت نشوندگان نخواهند با وضع سابق حکومت شوند. اما در چنین لحظه ای که حکایت از حیران صبق و همه جانبه و پوله شدن و فرسایش درونی حکومت از یک سو و تقوام باطن نهادها می‌اشنای و در شن آن اوج گیری روحیه طمعانی و انقلابی توده ها دارد، اگر سازمانهای سیاسی و طبقاتی مخالف، نتوانستند با بنده در موافق اساسی و نقاط حساس روی تیر جامعه مستقر شوند و ارتش نظام و رزید به خود را میهای کارکنند، چه بسا که این خروش و خیز انقلابی در حصر ای لم بزرگ شورشی بلوای کوب و ویرانگر سر بریزد و در یک خلا، اجتماعی که از پس این دوران فرا می‌رسد، فریض کند.

صیای پهلوانی تبریز به ما هشدار داد که شرایط ذهنی به واسطه زیادی از شرایط سنی انقلاب، عقب افتاده است. توده ها در خشن خود بود و گسترده خود، سازمانهای سیاسی را که باید نقش ستار و رهبری کنند، داشته باشند، به دنبال می‌کنند. انزوی رخیه شده انقلابی نه در روند هدایت شده تا کسب کی بل در طمعان انتقاد و پوششیدن، مهاجم توده های به مشوه آید. صرفی شود و به خاطر این نقیصه، به حای در هم شکستن و پسته به بنیاد های شانزده ای و تکیه کاهها و سوسنهای افسلس رژیم نرزان و ضد ملی و ضد دیکراتیک، به ظاهر آن می‌تازد و توانای های خود را می‌مبارد و امیراه خرج می‌کند. بسه و ن سازمان مستخدم سیاسی و انقلابی، حتی حرفی هم از نیک تحول حرف نمی‌تواند در میان باشد. مبارزه بی تاکتیک و همان بنیادست و تا کتیک تنها در حار حوسب سازمان های صفتی، سیاسی و طبقاتی می‌تواند معنی مشخص و اثر بخش خود را بنیاید. هر مبارزه ای، دهناد در صفحه ۴

فوق العاده نوید به مناسبت «قتل عام دهها آزادیخواه در تبریز» بلافاصله پس از تهاجم خونین و جنایت بار رژیم شاه به مردم قهرمان تبریز در شهرهای مختلف یخشی گردید









برای آگاهی هواداران حزب

با یکبار دیگر پیروزی هواداران حزب را در همه جا آگاه ستایم و بگنجد بر اساس رهنمودهای سازمانی که گرفته اند...

این گد نامحای خوشمرا خیرانه استکبار ایران را برمی خیزد ولی بهتر است که این گد نامحای در خارج ایران - بیخنده و از او بیخبر که آن به نفعی حزبنا به پست اید...

بروزی پیوند کامل سازمانی تنها از راه ارتباط مستقیم بود که همه در همه جود اطیمان بنا باشد با سازمان مرکزی حزب... برای گرفتن این ارتباط باید دستمورد...

برای آگاهی خیرها و ناهای خود به "نویسه" معنوی حزب توده ایران در داخل کشور و نیز تبلیغات نامحای و سبک خویشانه گنجد...

با ما هم پیوسته نگاه کنید

Sweden 10028 Stockholm 49 P.O.Box 49034

صاحب بافای ما

Sweden Stockholm Stockholms Sparbank W: 0 400 126 50 Dr. Felkman

نشریه خبری جبهه ملی ایران

تخمین شماره نشریه خبری اتحاد نیروهای جبهه ملی ایران بانام "جبهه" در چهار صفحه منتشر شد. این نشریه همان طور که انتظار می رود از سوی سازمان و در اول اگست...

رژیم در برابر عزم یکپارچه اعتصابیون پست نقشست

اعتصاب بر شور و یکپارچه ناه رسان ها و کارگران اداری پست تهران سرانجام پس از یک هفته باطله ای به پیروزی رسید...

کارگران پست تهران هم خود را به ادراه اعتصاب تا تحلی همه خواستنیان اعلام اند که اعتصاب را ادامه دهند...

پیروزی کارگران اعتصابی دخیات

اعتصاب و هزار کارگر دخیات تهران که از صبح دوشنبه ۱۷ آذر آغاز شده بود سرانجام پس از سه روز با وده و تمسبه کار فرما برای استعفاخواسته های آنها پایان یافت...

توفان خشم مردم تبریز هنوز فروکش نکرده است

نفان خشم مردم علم دیکتاتوری ناه و خوار هنوز در تبریز فروکش نکرده است. هنوز مردم خیابانهای شهر قهرمان دند...

چپ بود. اما در گنجان پی به این پرتش نی دند. آنها هرگز نه گفته و نه نوشته اند که مردم به ستوه آمده در شهر قهرمان تبریز آزادی را فریاد می کنند...



# نویسد

(فوق العاده)

(وابسته به حزب توده ایران)

شماره ۲۰ - سه شنبه ۹ اسفندماه ۱۳۵۶

## درود شور انگیز به مردم قهرمان تبریز!

(اظهاریه هیئت اجراییه کمیته مرکزی حزب توده ایران)

حزب توده ایران در برابر شهدای این فاجعه بزرگ سر تعظیم فرود میآورد و همه ی و همبستگی خود را با بازماندگان آنش ابراز میدارد. حوادث تبریز زلزله بزرگی است که در کاخ پلید استبداد معمر، بنا شاهی روی داده و زرگرین موج پیش مردم در سالهای اخیر است و تلفت میدهد که در «بزیزه ثبات» نمودن نشم همگنی می نورد این حوادث یکدیگر دیگر مثلث داد که سرب آشتین قادر نیست مردم از چنان گذشته ای با که برای نزل بنه نازل و مسکراسی بیلی خشمه اند و از رژیم استبدادی بجای بیزارند، بهراماند، مبارزه طبقات و قشر های متحد خلق علیه رژیم اعلیه داد و گسترش مییابد. حزب توده ایران با تمام نیروی خود پیشگیری و شریک این مبارزات است. حزب توده ایران از همه نیرو های مترقی و ضد رژیم دعوت میکند که با تمام قوا برای سوق بیشتر توده ها به مبارزه همه ساسی و ابتکارات خود را بکار برند و در این مبارزه سرخستی و پیگیری نقش دهند.

پیروز باد مبارزه قهرمانانه مردم ایران علیه استبداد فاشیستی محمد رضا شاه!  
متحد باد نیرو های مختلف رژیم در برابر علیه ارتجاع میاه!  
درود شور انگیز ما به مردم قهرمان تبریز!  
هیئت اجراییه کمیته مرکزی حزب توده ایران  
اول اسفند ۱۳۵۶

روز شنبه ۲۹ بهمن ماه در یکسلسله از شهر ها و از جمله تبریز، استهبان، شیراز، اهواز و غیره، قشرهای مختلف مردم برای نشان دادن خشم و اعتراض خویش نسبت به رژیم دست به تظاهرات زدند این تظاهرات مردم در شهر تبریز دامنه ای وسیع یافت. در این شهر نیرو های مسلح بدستور چهلرانه شاه و برای حفظ رژیم استبدادی و ضد ملی وی مردم بی سلاح را در صحن گلوله باران وحشیانه و حمله سبلمه تانکها و مسلسل ها تیربار کردند. عمده کثوری از مردم تبریز در اثر این ایملتر ددمشانه شهید و یا مجروح شدند. در جریان این حوادث رژیم بنا بشیوه همیشگی خود با دست زدن به یک سلسله خرابکاری بمقت چاقو کشی و اوباشی سواک، در قتلایست این بپریرت آفسکشته خود را توجیه کند و کسانی را که با استفاده از حقوق حقه قانونی خود در نهایت نظم دست به تظاهر زده بودند، مورد آزار و اهانت و تعقیب قرار دهد. سنگ و کوبش بیشتر رژیم در میانس و سنا و رساله های گروهی با بکار بردن بمبهای که برازنده خود آنها و ارباب تندیار آنهاست، در حق مردم شرافتند تبریز انتصایب زشت بکار میبرند.  
ما درود پیشرو خود را به مردم دلاور تبریز، این گهواره ارجمند آزادی و جنبش مترقی در مهن ما، ابراز میایم و به گلوله باران سبلمه مردم از طرف رژیم ضد ملی و استبدادی شاه با حدیثی هر چه تاملتر اعتراض میکنیم.

## حقایق تکان دهنده ای از قیام صد هزار نفری تبریز

خبرهای که از تبریز، شهر تمام و خون رزمی و سرمد مخالفین کسان شده هو لنانی را از قتل عام بی ثمرانه و خون آسبز ابلهس تا حد ادر مقاومت پهلوانی و محاسنه آسز خلق زنده سیده و به عتوه آمده آدر با بجان بر علا می کند. ده ریز پس از فاجعه تاریخی تبریز ضایع موق و شاهدان صحنه های این طغیان ن حالی که آثار محرومان به حدود هزار نفر سوری زنده، خیرنگار شده اند. تصریح می کنند که نزدیکه دو هزار نفر تا کنون دستگیر شده اند و جست و دعوی محلات و خانه های مردم و تفتیش بدنی و هتگردان ظلمین در محراب بار ستم و خشنو تبرمان و گستاخانه ادرامه دارد. شهر در زیر کابوس حکومت نظامی است، کوبسز ارتش فاشیسم آن را اشغال کرده است. خشم در گوی خلسی هزار آد پایخفرگه خورده، از حرمت عصبی که بر لب شهر قهرمان نشسته هنز خون بی حگد، اما سخن های پائی که در ریز های ۲۹ و ۳۰ بهمن ماه روی اسفالت نمایانها و سنگفرس که چه ها ریخت، گوی هنز زیانه می کند و برای هاربان سرود آزادی و بخواند فرود و شورج به تبریز کنترل می شود. انوسه های سافرویی و قطار زیر نگاههای پر از شک و بدگمانی سگیهای تازی رژیم است، خروج اهالی آذربایجان از مرز بانگان تقریبا قطع شده، رژیم که تاسا آرتیپاشیه خون هارزان و آزادخواهان گشته است، به شهر مشروطه، شهر آزادی، شهر ستارخان و سیدر میوا وطنی، چشم فری و رود جنگ و دندان نشان می دهد. او بر خواهد ترس و لرزه خود را در برده سیمیت حیوانی بهوشانید، بروی سرتیروز بود. باروت و سامه تانکها، شهری را که دشت شقایق های سوزان ایران است، به کوروی بی نفس و صامت بدل کند، اما در نگاه صد ها هزار تبریزی - چنان نگاه سیدوشنا خلق آذربایجان - فرشی خاموشی جو شد:

شهادی ما را به ما برگردانید. حالا که زندگی آنها را از ما برودید، جنازه های گزای آنها را پنهان کنید، لاله هاسی را که در بزرگدیده، به خلق سوگوار برگردانید... جلاله ها... دروغ با فان...  
و در شن این فرای هموی خلق آذربایجان است که رژیم غمسه شب بازی مجبوراً برای لو ت کردن خنایت فراوش نشدنی و تکان دهنده ای که در تبریز مرتکب شده، تقاضا کرده است. از یک سو به صد ارباب پنهاننام رسمی شده تا از طرف مملکت زحمتکش که خود تشری دیگر از قهرمانان رژیم استبدادی و ضد ملی اند، به درگاه شاه آری خوار سناشین نامه بفرستد و تقاضا سرسری زنده ای سنگر مشروطه ایران راهب اصطلاح محکوم کند، و از سوی سهان گشادان مجلسی و تارقاتک های سفروه تبلیغات سی روزنامه هسای ساواک زده روسی و قش و تخیفانه های پراز چرلو لجن خود را به روی سلطنتوران طغیان کرده کشور داند تا واقعیت خواست های ۱۰۰ هزار قیام کننده تبریزی و انگیزه های اساسی آن را از سر مردم بهوشانند و با لب حقایق و تحریف روده ادا، بهانگ شهادت و تبریز تبریز را که با شاعر آزادی ای اوج گرفته است، در روز هارگو شخراشو مرده های چندشور و خوشتر کند. در کنار این شمه به بازی رسوا و جلال بزرگ، شاه یوز بزرگ نوجوه امپریالیسم و فرمان صا در کرده که ما دوران خطا کار حوادث خونین تبریز تنه می شوند. در حالی که تناوی اخبار و اطلاعات دقیق و تأیید شده حالی آژان است که فرمان قتل عام بی رحمانه تبریز ستمخوا از طرف شاه صادر شده این نمایش میرند کن و متفدل، اهدای دو کانه خود را هاس می کند. شاه با این فرمان که می از یک طرف می خواهد دست خود را از خون صد ها آزادخواه تبریزی بشوید و سالو سانس در برابر انتظار مردم مسئولیت این خونی طغیها با کفر چنسه مبره ناچیز خود، به گردن دیگران بپندارد، و از طرف دیگر با

فرمان دو پهلوی خود آن دسته از نظامیان را که طی رض دستور صریح او از آتش کشیدن به روی خواهران و برادران خویش سها ز زنده و باها اعمال مدعی و سناح و ناخشنودی آشکار گولبه هاسها را به جای سینه های مردم به اعمال شلیک کردند و موجب بکند صبه ستوان ضرور در انجام وظیفه تحملی نظمت در برابر اراده خونین و اهرمینی فرمانده تا حد ادر، عقبت دهد. شکفا که راهبست پوششگری چه طول و مغرض هشتتگی دارد!  
فرمان معمولانه هبات نظامی به تبریز به سرورشی ارتشبه شفقت آجودان شاه) و با شرکت گاو های پنهانی سید دریا و نظیر سبجه هروزند، صهبه رسمی و سرلشکر بیتا ا لیبسی درست به خاطر همین تود و سبج در صوفی ارتشوشه شیبسی صورت گرفت. این هبات در واقع برای یافتن ریشه هاو دلایل طغیان صد هزار نفری تبریز به این شهر نرفت، چرا که شاه و کاسه لسان و دلگان و دوزخیان او، خود به درستی به انگیزه های قیام خویش و خشنان مردم واقف بودند. آنچه این هبات عالی رتبه نظامی را پشت زده به شهر طغنی گشاند، صحنه های فراوان سرکسی سربازان و افسران و درجه داران در هجوم به مرده ای سلاخی بزرگ تنها جرمشان آزاد خواهی است. باره ای از این ماوران که به مراحل در در دسترک خلق سبیم بودند، سه لیبسهای خود را به دور انکندند و صوفی آزادی و خلقی طمحق شدند.  
بخشنده های بیبای و سخرتانی های عصبی و بر آید و تانی گسه به دنبال قیام تبریز توسط فرماندهان واحد ها، و سبطلو کادرهای نظامی را خطاب قرار می دهد، وادعت ترسحق و برگیر رژیم را در بازتابصیان خود را تبریز مردم به وضوح نشان می دهد. یکی از این فرماندهان به افرام خود گفته است:



# نویسد

شماره ۲۱ - شماره ۲۰ اسفندماه ۱۳۵۶ (وابسته به حزب توده ایران)

سلسله مقالات (نویسد) دربارهٔ ویژگیهای جنبش کارگری ایران  
و نقش روشنفکران انقلابی و مبارزان مارکسیست در لابلان کن (۲)

## مبارزات صنفی طبقه کارگر

رادر بر می گزید ، موجب می شود که جنبش کارگری با مبارزه اصناف  
آغاز شود . لندن می گوید :  
" مبارزه صنفی یکی از بدیهه های دائم و ضروری در نظام  
سرمایه داری است و در تمام لحظات برای جنبش کارگری  
حتمی است . " ( مجموعه آثار - جلد ۲۷ صفحه ۸۹ )  
مبارزه صنفی و اقتصادی ، همان نبردی برای نبرد نهایی است .  
هر کارگری باید این ضررها را بگذراند . باید فنون جنگ های  
سیاسی آینده را که با سر نوشت او در آخته است ، در این مدرسه  
فراگرد ، باید در این دست و پنجه نرم کردن ها ، کشتن های  
حلالیاتی و انتساب ها ، نظریت و تئوری خود را کشف کند ، استعداد  
های خود را بیابد و برای هم که داشتن بصحنه های تاریخی آمده به  
شود .

مبارزه صنفی کسی است که رشد آگاهی طبقاتی را تسهیل می کند  
و روند آگاهی روح خود سرمایه داری را در کارگری می انگیزد . پیشرو  
خود شد اکثری می آموزد :

" سازمان های کارگران برای مبارزه اقتصادی باید سازمان  
های صنفی باشند . هر کارگر وسیله مبارک است  
( که نیستیم ) باید در حدود امکان خود به ایمن  
سازمانها باری رساند و معاهده در آنها فعالیت کند . . .  
بگذار هر کارگری که به ضرورت اتحاد برای مبارزه طبقه  
کارفرمایان و دولت می یابد ، در اتحادیه صنفی شرکت  
جوید . "

همین طبقاتی به اندازه ضیق کارگر استعدادهای تشکیلاتی دارد . اما  
این طبقه برای تشکیل گروه دولتی و بر شکلی را می پیوندد . طبقات  
استشکارگر در برابر تشکیلات کارگران جوان متعدد در پی می آورند .  
وضع فزاینده کارگری ، پیگرد رهبران کارگران ، پنهان کردن  
آزادی های صنفی ، سرکوب اتحادیه های واقعی و ایجاد  
اتحادیه های که توسط دست نشاندهگان پنهان کارفرما اداره  
می شود ، از جمله وسایلی است که برای تخریب صنفی کارگران ، پیشگویی  
انتشکال آنان به کار گرفته می شود . برانداختن مواضعی که طبقات  
استشکارگر و دولت آنها در برابر مبارزه یکپارچه و صنفی پیشگویی

شناخت ، حوادث و اشکال گونه گون مبارزه طبقاتی ، در نظریه  
اصلی ترین آموزش انضباطی مارکسیسم - لنینیسم است . این خطبه  
گاهی است ، در روز نبرد سیمگینی که گاه در پهنای تریونف های  
انتصاف و در روزهای صیقل دود و دود و جلوه های بی پایه  
گاه به صورت غوغا و برقی ، زمین لرزه ، صاعقه در می خورد . هم در  
آن حلقه کم روست و استتار شده و در هر آن حالت انفجاری و عریانی ،  
مبارزه طبقاتی کارگران یک دم در میان نمی شود . آنچه هست اشکالی  
از اس مبارزه عام خاکبازین اشکال ، دیگری می شود ، اشکالی عالی تر و از  
اشکال قبلی فرای رده ترند عناصر سیاسی ، تحریک طبقه محصور  
انتصاف و نقش تعیین کننده آید ، فریادی می دهد .  
سازره طبقاتی بر نبرد با سه عرصه اساسی دارد :

- ۱- عرصه اقتصادی
  - ۲- عرصه سیاسی
  - ۳- عرصه ادبی و فرهنگی
- مبارزه از این سه عرصه و ویژگی ها کیفیت متمایز دارد . موزهایی  
که این عرصه ها را از هم جدا می کند ، همان دیوار نامریی بلند است  
که باید به دست مارکسیست ها از جان برداشته شود . برای نفوذ  
در بخش اس دیوار که انقلاب ترین سپاه های بشر خلق در پشت  
آن محبوس است ، باید طبیعت و خصالت همه و در و تشویر هر یک از  
این عرصه ها را به درستی و در وقت باز شناخت . رابطه صنفی ایمن  
سه عرصه و تشکر عنصر آگاه در آفرینش و پیوند هر چه بیشتر و صفت  
آنها ، الفبای ، جبهان سنی مارکسیستی است .

### ۱- مبارزه اقتصادی کارگران

هدف و انگیزه مبارزات اقتصادی ( صنفی و صنفیگرایانه )  
تخریب نهایی ( بهبود شرایط کار زندگی کارگران است . مبارزه اقتصادی  
در واقع همان نبرد طبقاتی طبقه کارگر است که تا انتصاب فئودال  
می رود .

دفاع از شایع روزمره و اقتصادی برای تمامی کارگران - حتی  
بی تجربه ترین آنها - نه فقط قابل درک ، بلکه حائز اهمیت است .  
این جنبه به وسعت تصور مبارزه اقتصادی که آماد مزدوران سرمایه

## بگذار «او» عوغو کند...

شاه در روز نهم اسفندماه ، در کنگره آشنائی زنان به خصوص به  
ماهی که نور می افشانند و مردم را به سکی که عمو می کند تشبیه کرد .  
او در این سخنرانی عسی ، سرها به عقد و آمیخته به چین و تندیید و  
حشم و استعجال ، از حق که به گردن سپید دارد و او را به نعمت  
یو بد و راند از ای که به ملت به بندیده ، سخن گفت و سرانجام طست  
حق شناسی را که جواب این همه ضد کاری و زحمت و زنجیر است به نفع  
باشت های گره کرده و چون نین در خم و نیز و تظاهرات اوج گرفته  
در مراسم کنسور و سخنر و مخالفت خوانی آشکار و پنهان در محافل و  
مناخ و کوچ و پنجهای و مسجد می دهد ، سکی که عمو می کند و خط  
کرد !

از ده بیگانه اند : شنگ را که برداری ، سگ پارسی کند .  
شنگتاک در این غرب الظل های ، درسی ، چه تجربه و حقیقت  
زنده ای نیفته است . دست در بچوبه که کشش بر آبی  
نظایرات اعتراضی و بر خاستن امواج عظیم ناراضی و خشم نود می  
سگ های امپریالیسم ، عمو شاهانه و جنون آمیزی را بر سر او باست  
حق با ایست . بگذار تا پارس کند و نرسانه بکشد . این شروع تشنج  
مرک و لاعلاجی است . وقتی که پای دشنام به میان می آید ، نشانه  
آست که حتی تبلیغ و دروغ و شاورشی بازی و نمایش های لا بسی  
ناتین خود را به کسلی از دست داد و اند و تشکر بر آب ندهاند . از شاه  
در برابر عمو سر آرد و حلقه جز تشکر و تهنیت و نهدن آن گروه  
رفتن و پایه زدن گرفتن ، کاری ساخته نیست . او بی داند که حتی  
تو و توشی و نند که در واقعیت زندگی نقش بلبل و ضد ملی می لیاقتی  
و فساد و تبهکاری های افسانه ای و ابله و ابله و انحصار بر پایه نمره های  
گوشه خاکی در هر گوشه کنسور ، فاش کرده است . اوج پیله های  
خلق را که به صورت هزاران سوال بدون جواب در هر خانه ، هر  
اداره ، هر کارخانه ، هر دانشگاه و هر کارکن اجتماعی و صنفی  
می شنود . او بی داند که مردم می دانند به برکت از زبشک و خود  
عروفت و غارتگری امپریالیسم و در روزی بزرگترین گیمینه ها و نخایس  
طلای سیاه و اورانیوم و مس و سرب و زغال سنگ و نعمت و ثروت های  
طری می شمارد ، بلقی نرفه زده با اقیانوس از مشکلات و نارسایی  
ها و محرومیت های بی پایان و محنتی ، کنگار می رود . او بی داند که مردم  
می دانند ثروت های نفسی ماه حکم صانع و صالح امپریالیست های  
جبهانخور تبدیل به گوله و سلسل بنانک و بدین نبر زمین هراسنا  
دیده اند در صحنه ۲

به مناسبت هشتم مارس (۱۷ اسفند)، روز بین المللی زن

## «نیمی از بشریت» باید آزاد شود!

روند آزادی کامل بشریت امکان پذیر نخواهد بود . لندن کیس  
می گوید :  
• انقلاب سوسیالیستی نمی تواند عملی شود ، اگر قسمت  
بزرگی از زمینکشان زن در آن سهم قابل توجهی نداشته  
باشند .  
• مگر بشریت شرقی می تواند از بی وجود خود صوری نظر  
کند ، نه ای که بدین آن تحقق آرمانهای والای انسانی و اجتماعی  
فرسنگ است ؟

ما در دوران ایتلین زندگی و کسم که ضیق اساس آن گذار  
از سرمایه داری به سوسیالیسم است . بشریت زحمتکش در کارگی اشکند  
آن حنان جامعه نیستی است که تمام او دارد که شته تاریخ بشری را به ما  
قبل تاریخ می راند و همراه آن هرگز نه سخیلانی و ملی نژادی و  
جنسی و از هر صده اجتماع می زند . بیچم در این روند آزادی پیچد .  
پرویتاریای در انسانز و تئوری لائیزال آن ارزش عظیم و جلوه بی همه  
زحمتکشان و ستمدیده گان است . جنبش آزادی خواهانه زنان ، که  
نیمی از بشریت را تشکیل می دهند ، به چشم مهم و گذشت ناپذیری  
از این نیروی عظیم تشکیل می دهد . به طوری که بدین آن تعاضق



برای گمستن زنجیرها بیا خیزیم!













# نویسد

(وابسته به حزب توده ایران)

سال سوم، شماره ۲۲، شنبه ۲۲ فروردین ۱۳۵۷



با آرزوهای سوسیز و فناپذیر همه  
شهیدایمان،  
با عزم یورنج و نیش همه زندانیان  
سرافرازمان،  
با فرمزه پاک و توانای خلق  
که پلک های سحر را می کشاید،  
به پیشبان  
نوروز و بهار  
می رویم ...

## دیکتاتور آزاد میخواه شده!

شاه در روز ۲۷ اسفند گذشته در اجتماع آرگومان پالاینگاه آبادان، ضمن یکی از همان سخنهای مایخونای و آذنته همتیگس - انر مجده داد که "آزاد برای فردی را ریز به ریز بیشتر بسوزم - میدهم". او همان روز در بیت صاحبه مطبوعات که در فروردگاه آبادان برگزار شده با باره کردت در کیمه برتقوت خود بود صا نیافته حاتم مانی محاصر و شتی حرف و دیده و در یون کندیده بسته دامن مردم بست که: "ما آزاد بهار بهاره حد اکثر رسانده ایم و سا اینکه ده او راه افتاده اند که از آن سوا استفاده کنند. این سیاست حد اکثر آزادی را داده میدهم.

در این گشت شاه که مثل همه در فضائی های شاهانه سرشار از کیمه نفوت و در زمین حال خوف و خشم و جین است، حقیقتی نپخته که باید پوسته آنرا شکفت تا چرب و ترغین درونی آن بیرون ریخته شود و دند و غریز مرضی که سفاکترین دیکتاتور در زور و آزادی پیچیده است، بوضوح دیده شود. حرف در باره آزادی ماهی است که بصورت هذیان بر زبان دیکتاتور و امیان وانصار و حزب سازان و سیاست بازیان و جیبزبان و دافکهای دار و دسته استبداد می جا میزند. گویی صالنه هاپک تبه خواب نما شده اند و نوایده و غیوریت آزادی و وحی آسای بر آنها نازل شده است. حالا جناح دراز و دهان گشادان و در زخمیان و زیر علم و کسل آن آزادی که شاه هدی است حد اکثر بر مردم پخته شده، سینه میزند و وز می کند و در مرصه حرف با هم کوس و کوس میزنند. در حالیکه از تنها امید و حوش و قارتا زنا همیار لاک هائی که کند آزادی را راست آن میبوید، روی محنت آورده اند، پر شده هنوز کسی نمیداند آن آزادی که شاه آزادی گسرتن آزادی میگوید چه معنی میدهد؟ چه حد و در تقصیر دارد؟ چگونه آمده است؟ فرار است بیاید و توسط چه نیروئی حراست و تضمین میشود؟

اصلا آزادی بسنک آریسمی یعنی چه؟ شاه در نقطه و صاحبه اختیر سزای نام به این شلوات پاسخ داد و همین نکه است که مایه مویلهای بود و خور بر بر می کند. شاه گفت: "ما آزاد بهار بهاره حد اکثر رسانده ایم". در همین کلام مختصر خوبی که دیکتاتور آزادی را انتظار دارد تصویب میزند شده است. شاه با زبان بی زبانی میگوید آن - چه که همین حال حاضر را دید "حد اکثر آزادی است. تحصیل حزب واحد ساواکی حد اکثر آزادی است و جلوگیری از فعالیت املا و سازمانها و سندیکا ها و کانون و جمعیت های سیاسی و هنسی و فرهنگی و صغنی و حد اکثر آزادی است و سانسور افشار گسیخته روزنامه ها و مجله ها و کتاب و انتشارات و حد اکثر آزادی است و داشتن ده ها هزار زندانی سیاسی و ساختن جنون آمیز زندانها و شکنجه گاه ها و تاپ و بازگذاشتن دست یک منت کتا بود گویا ز وحشی ساواکی بر زمین مال و تاجوس آزادی مردم و حد اکثر آزادی است، گامتین کاره های انتظامی در دانشگاه ها و فوج و شتم و تعقیب و آزار مردم دانشمیان و استادان و محرم کورین با شتمند انین و مبین بدست نین فرزندان خلق از تصمیمات مانی و حد اکثر آزادی است. روزی ایشان چاق بدست و چاقو کتان مزیه ای و کاره های شمشیر بر لبها بر جدل به انتقامت سلامت آمیز مردم - نظیر کاروانسرا سگسکی و لاهجان و شاه پسند دانشگاه و صابو و غیره - حد اکثر آزادی است و کشتار بیرحمانه مردم بی سلاح در قم و تبریز و براه انداختن حمام خون آزاد پیروان، حد اکثر آزادی است و تمیید و تعقیب و محامین و شرف و منوحت و مط و سخنران آنان و حد اکثر آزادی است.

## اعتصاب غذا در زندان قصر و تظاهرات خانواده های زندانیان سیاسی

نتیجه ای نگرفتند تاگزیر اعتصاب ترکردند. در این روزها آنها تنها چای شربین میخورند و نباید برفتن فداء مانک پرکسا ترو اعتراض خود را صاحتا ترک کردند. زندانیان اعتصاب تبه بسته کردند که در صورت ادامه بی نتیجه نسبت به نیازها و خواستهای آنان و اعتصاب کنند. در حین لب بروی آب خواهند دست. روز پنجشنبه ۲۰ دیماه خانواده های که به ملاقات زندانیان سیاسی آمده بودند غیرنرم زوهای ملاقات قبلی که موفق بدیدار آنها نشده اند، با تندی چند از فرزندان خود ملاقات کردند. زندانیانی که ملاقات آمده بودند خانانده ها را از حیان اعتصاب غذای دین زندان آگاه ساختند اما خانواده های از آشپز و ملازم مشکوکی نظیرهای غیره و اثر کنگ در روی موت زندانیان بودند که در محاسن خود توجیح بنماید. زنان با بدین امین سخره و شهنید خرا اعتصاب بر سو سینه خود میکنند و نریاد خشم و در دانتها از هاش دم در زندان و میگرد و مدان سانسوی زندان قصر را تکرار می کنند. پیش از ۵۰ زن چاد ریشتر در حالی که توسط دهبانتان از دیگر اعضای خانواده های زندانیان سیاسی مشایعت میشوند، از خیابان پهلوی بسوی حیابان کورش بران افتادند آنها در راه بشوید هزاران بر سو سینه میکنند و بسا حدائی که هم تاله بوده هم توره بوده هم غصه و شکمه بوده قریاد میزند:

... ما خواران و مادران زندانیان سیاسی هستیم. مردم را حکم کرده های ما در زندان بر اثر اعتصاب و گرسنگی در حال مرگند ... کنگ کنگ ... مردم کنگ کنگ ... جان عزیزان ما در خطر است ... مردم گاری بگشید ... ناکی های استادند و اتوبوسهای استادند، گبه از نمازهای خود بیرون میآیند و طیاران انک هاشان را از چشم پات میکنند. زنان رهگذر زمین میکنند. مردان لب به دندان میکنند. این خیل مرداران و باین تظاهرات همچان انگیز تاخیان بهار میزند و سر برتبه بیج شقیق شدند.

بعد نوروز اسامی در شرا جان در همین مائعات تبه که زندانیان سیاسی زندان قصر چند روز به از آن دست به اعتصاب غذا زد بودند. البته ناچار در زخمیان او اسامی حتی شادی مید را که بهر حال در مدای گند آید، و تیره اختیای نینباند خالسروم کامل با بنده از غیورترین فرزندان خلقی ما در زندان و در ساعات و روزهای که زندانیان سیاسی نضر با طر اعتصاب غذا می طولانی در زمین مرگ و زندگی سر میبردند و خانواده های آنها در یک سلسله تظاهرات پر شور، افکارانه خیابانی و مردم را به هدردی و یاری سازان اعتصاب فراخوانند و شامت های گسرت کرده و گلوهایی بنفر گرفته و جشنهای شعله و راز آتش خشم و کین و در خیابانهای تهران شمار دادند، صدای اسپران و فریاد خود را بگون خلق رسانند و از خدایانی که در پشت است دیوارهای بلند میله های و قصبای آهنی زندانیان سیاسی بر همین پوست تهرین زبان و مژگان ایران میبوید پرده برداشتن. اعتصاب غذای زندانیان سیاسی بدتال بی توجیح حدی بسته خواستهای حق آنها از طرف مسئولان زندان قصر آغاز شد. زندانیان اشتباه اند که تنها خنایان شفق به توده ها و حقیقت و عدالت و آزادی است و میخواهند که از حداقل حقوق انسانی یک زندانی سیاسی بر خورند و باشند اما همین حداقل انتظار با طاقت و شمش خنایگانه رژیم پوست - مچنین خواستهای زندانیان عبارتست از: بهبود بسیار بد غذای زندان و آزادی - ملاقات با اقوام و آشنایان، کم کردن از تعداد غیرمادی زندانیان در هر بنده که در حال حاضر مشکلات زیادی را از جهت کمبودها موجود آورده و امکان استفاده از راه بود و سزایها و از همه بیشتر، تمید بد نظردی و در احکام ظالمانه بر اداه صفا ی نظمی. اما اولیای زندان با در واقع کانتان و میرغیب های ساواک و به بهانه های راهی از بیهوشی این تخافای مولسی سها زدند. زندانیان سیاسی برای بدست آوردن خواستهای خویش اعتراض خود را به اشکال مختلف ابراز دادند و نفعست چند هفته به ملاقات خانواده های خود نرفتند و چون بسا ز

کارگران ایران، در راه احیای سازمان های صغنی و سیاسی خود مبارزه کنید!





# حوادثی

## که رژیم از انتشار آنها وحشت دارد

### از گوشه و کنار کشور

#### اعتصاب پیروزمندانه

#### کارکنان صندوق تأمین اجتماعی

کارکنان صندوق تأمین اجتماعی (واقع در خیابان آیت‌مهر) روز چهارشنبه ۲۷ اسفند ماه گذشته دست باعتصاب یکپارچه و پرسر و صدای زدند. اعتصاب کنندگان که تعداد آنها از ۴۰۰ نفر بیشتر بوده، خواستار افزایش حقوق خرد خود از ۲۰ سال به ۳۰ سال بودند. با آنکه از طرف قانون‌ده نهایت بر اساس احتساب هر یک حدود یک میلیون ریال افزایش حقوق داده و در وزارتخانه‌ها و سازمانهای دولتی این افزایش حقوق از نزدیک به یکسال بیشتر پرداخت می‌شود، در صورتی که تأمین اجتماعی راسته بجهت وزارت بهداشت و رفاه اجتماعی بناظر خود رخصی مسئولان سازمان از جمله سپید سرنهایت به هر حال و با اشتناک نظام اوکار شدن از این حق نایب شده موضوع. وقتی اعتراضات کارکنان صندوق تأمین اجتماعی برای رفع این تبعیض آنگاه به دیگر امور بجا نرسید، راهی جز اعتصاب سوری آنان باز نماند. این اعتصاب یک روز بیشتر طول نینجامید و به هر حال مسئولان در برابر مضمض یکپارچه کارکنان ناگزیر به پذیرش تمام و کمال خواست آنها شدند. یکی از کارکنان در جریانیک از وسد تاشی از این پیوستیزی دستخواب را بیهم می‌نماید، در سالن سازمان که محل اجتماع اعتصاب کنندگان بود، خطاب به هنگامش گفت:

- بی‌شک که جقه و از اتحاد عمل و تصمیم یکپارچه ماسی تهنیتد؟ چرا باید از اسلحه‌ی به این موشی همیشه استفاده نکنیم ...

#### اعتصاب دردناکگاه زاهدان

دانشجویان دانشگاه زاهدان ستایشناختل مام و متشابهی می مردم قهرمان نینزیت کتفه اعلام اعتصاب نیده واز رفتن به کلاسها خود را برود کردند. همسنگی و اتحاد عمل دانشجویان در این اعتصاب بسیار درخشان بود. این همسنگی و اتحاد ششرو پیوستیزی اعتصاب آنان ماه گذشتهی آنان بود که با باید "کتفه فرسی سالیله دانشجویی که جهت تریخ استادان شرقی اسپن دانشگاه سپیده آمده است به کامی رساد. دانشجویان توانسته به تمام خواستهای معنی خود دست یابند.

#### اعتصاب در

#### دانشسرای تربیت معلم زاهدان

چندی پیش دانشجویان دانشسرای تربیت معلم زاهدان دست باعتصاب یکپارچه ای زدند. مسئولان دانشسرا تعطیل اعلام کرده و اقدام به ثبت نام مجدد نمودند. دراز دانشجویان ساکنین خوابگاه خوانستند که خوابگاه را تخلیه کند و هنگامیکه دانشجویان از پذیرفتن این تحمیلات و زیرکوشی های غیر تازینی - چهار زدنده پس خوابگاه را محاصره کرد و از ورود هرگونه مواد غذایی بحدت یک هفته به خوابگاه دانشجویان خودکشی نمود. دانشجویان سرانجام پس از یک هفته طاقت در برابر اذیتات چهارانه بند انسانی سازمان رژیم بهر از گفتگی با مقامات دانشسرا باعتصاب خود پایان دادند.

#### بزرگداشت خاطره شهدای تبریز

#### در همدان

روز ۲۹ اسفند ماه گذشته مردم همدان در مسجد بزرگ شهر (مسجد جامع) برای بزرگداشت خاطره شهدای تبریز اجتماع بزرگی برپا کردند که در آن هزاران نفر شرکت داشتند. این مراسم بدینال اعلامیه ای که ثبت قبل از آن از طرف روحانیون آزاد بخواند انتشار یافت صورت گرفت. در این مراسم چهار تن از روحانیون ششروان آزاد پرهواد همدان به پاسا شهدای حوادث خونین تبریز سفارشی کردند. این مراسم در مصاحبه کامل نبروهای کار تیهیاتی و پراوند و در شرایط تهیه سه سلسله هاد نهایت آزامتر بر گزار شده بزرگترین صیانه تهاجم به گوازهای شاه نهاد. مردم همدان و وسنناها اطراف آن با سپه گزاری بیخبرندانه این اعتصاب اعتراضی ملین تهنید های جهی حال رژیم و همسنگی خود را با ما میازات پیوستور مردم دیگر نقساط کشور بصدور مردم قهرمان تبریز تا کیه کردند.

#### در عرشنگده شاه...

روزانه آلمانی "برنیننرینگ" در شماره ۳۰ سپتامبر ۱۹۷۷ حقو خبریکی از معاملات جنسی شنیق شاه را ناظر کرد. شاه و همسین شخصیت و ستاره سکی آلمانی را که قیلا در مین سکی "فیسادر نیه شب" دیده بود از طریق یک آژانس فیلسرادی برای بیکل خونر گذ رانی چند ساعته بیکی از عرشنگده های خود دعوت کرد و در آرای آن به او ۷۰ هزار تویان پرداخت. ستاره سکی آلمانی گفته است که "شاه بن من شافرش کرد در این باره بکسی چیزی نگویم." کابین شوپرت جزایت شرم آور راجله جنسی خود را شاه در مدت اقامت در کاخ او برای خبرنگار روزانه آلمانی تشنیع کرده و گفته است که شاه هنگام بازگشت به او پند کرده تشنیع گوا تهمبارک از ۳۰ نوع از جوهرات سلطنتی نیز عده به داده است.

#### بیان نامه اعتراضی روزنامه نویسان

۹ تن از نویسندگان، خبرنگاران، گزارشگران و سردمیان مطبوعات ایران در تاریخ سبت و هفتم اسفند ماه گذشته طیسی نامه ای خطاب به آوزنگاره نخست وزیر رژیم ضمن اعتراض شدید به معطل اختتاقی و سانسور تحمیل شده از طرف رژیم بر مطبوعات کشور و خواستهای قانونی خود را در جهت بر داشتن سدهای اختتاقی مورد تا کیه قرار دادند.

روزنامه نوسان در بیان نامه خود به های تو خالی دولت آوزنگار را در مورد آزادی بیان و علم یاد آورنده و می نویسد:

"بیکان صورت تصویر شمار ساسی ایران و جهان شمار بر آن داشته که در سبست "رئیس الزیاری" به صورتی اوج نوسان بر حرمت و اعتبار اندیشه و علم و مطبوعات و اشرافیت داشته باشند. امامت است که هرگاه این سخنان در مطبع حد اقصی نداشتند باشد، بصورت مطنی را که به هوشیاری شهره است خوبه حقایق خواهد کرد، بلی و در غرب مطبوعات ایران و از روزی که کاپینه شهادت را در دست گرفته است نه تنها آزادی بسی روزنامه ها "برقرار نشده، بلکه "حزبی" ایجاد میسختی نیز یافته است. دولت ضامن اعمال شده بدین نوع میسختور مطبوعات که مطابق اصل بیستم قانون اساسی ایران موضوع است و از طریق محبور کردن مطبوعات و مخصوصاً روزنامه های کثیرالانتشار به اخبار جعلی و تحولات بدون اعطای دولتی که در بسیاری از موارد شامل حقوقی دور از واقعیت هستند به شیوه ای پی برده متراکم جعل اخبار شده است و میسختور و این خود متخلف قانون است."

نویسندگان و خبرنگاران مطبوعات در بیان نامه خود خواستهای قانونی خویش را بشیخ زیر مورد تا کیه قرار داده اند:

- ۱- رعایت کامل مواد قانونی اساسی و ضمن آن در باب مطبوعات و تهنیتسنگان جرایم.
- ۲- لغو کامل وقور و سانسور چنانکه در قانون اساسی تعین نه است و آزادی کتبه نویسندگان مطبوعات کشور را انتشار حقایق و انشای طاعنه و تارسیهایاد در چهار چوب قانون و جلوگیری از اعمال نفوذ مقامات دولتی و عاملین آنها در جاسه مطبوعات.
- ۳- تکف بودن کلیه مقامات دولتی در تهران و شهرستانها به وایت حقوقی حقه نویسندگان و خبرنگاران و مگامان مطبوعات.
- ۴- جلوگیری از انتشار اخبار جعلی و خلاف طاعت و تشمیهای شیفا اختتاقی وطن که در حال حاضر مطبوعات تحمیل میسختور.
- ۵- آزادی کتب اشعار برای انتشار روزنامه و مبله مطبوسی موازن قانونی.

#### اعتصاب کلرکنان سازمان آب تهران

کارکنان سازمان آب تهران از روز شنبه ۲۰ اسفند ماه برای افزایش حقوق خود دست از کار کشیدند. اصنامین خواستهای خود را بصورت اعلامیه در مطبوعات محل کار خود پیش کردند ...

#### دانشجویان برای احیای

#### کتابخانه های دانشجویی میکوشند

بدینال تهاجم گوازهای رژیم و تعطیل کتابخانه های دانشجویی در آستانه سال تحمیلی جاییه و دانشجویان بهر از پذیرفتن ساریات انترامی و اعتراضی و تا اجرات پرنده رژیم سازمان در اوایل اسفند ماه تصمیم گرفتند رأسا کتابخانه های خود را زینو بهیا دانند بدین منظور بعضی سابق کتابخانه ها که برای حصارف دیگر اختصاص یافته بود رفته و بهر از تخلیه آنها کتابخانه ها را احیا کردند. در دانشگاه پی علوم اجتماعی مسئولان غده رفش در دانشگاه حتی بعضی کتابخانه راه ننوات تهنید پذیر کرده بودند و دانشجویان به ناچار ر محل دیگری برای کتابخانه در نظر گرفتند. در دانشگاه های علوم مسئولان در ورودی محل کتابخانه را که در زیر زمین ساختمان واقع بوده تهنید کرده بودند و هنگامیکه دانشجویان کوشیدند تهنید راحزاب کنند رژیم دانشگاه با نا سازگرتی که نشیانا بیستن او را میا - بانشر توتاز کرد جلوه و دانشجویان را بگردد چون با مقاومت بسی اعنائی دانشجویان جایز بوسه شد با نشانیاز اچاد هزار به اسپن بهانه واهی که گویا در زیر زمین دانشگاه و دانشجویان مشغول بسب گذاری هستند نظرم دانشگاه را بیهم بیست و کار راد مین به تهاجم کرد. کار یادیهاد دانشجویان برنده راحسوب کردند و دن از آنان را باز ایست نمودند. اغان در دیگر دانشگاه ها که دانشجویان کتابخا - نه راهیا کرده اند، هنوز گوازهای رژیم حرزات تهاجم نیافته اند.

با به ترمزیر کاتبه کتبه

Sweden  
10028 Stockholm 49  
P.O.Box 49034

مساب بانکی ماه

Sweden  
Stockholm  
Stockholms Sparbank  
☎ 0 400 126 50  
Dr. Takman

# متحد شویم و رژیم ضد ملی و استبدادی شاه را سرنگون کنیم!

# نویسد

(فوق العاده)

(وابسته به حزب نوده ایران)

سال سوم، شماره ۲۳، دوشنبه ۲۲ فروردین ۱۳۵۷

## تظاهرات صدها هزار نفر در سراسر کشور

### علیه رژیم استبدادی شاه

در وسیع ترین تظاهرات مردم در بیش از ۳۰ شهر مختلف دهها نفر کشته و زخمی شدند

مقتان و شلاق و درفش و کوره‌های الکتریکی شگجه‌گاه نمیتواند با خلق سخن بگوید. چنین است که عید مردم را به عزای بدن کرده، صدها زندانی سیاسی را که از ۲۴ روز پیش در اسارتگاهها و بینه‌های او، خاطر برخورداری از حداقل حقوق انسانی - دست به اعتصاب غذا زد ماند، تا یک قدمی حرکت پیش رانده صدها مادر و خواهر و هسر زندانیان سیاسی را در خیابانهای تهران به قندان تفنگ و ضربات باطوم و چاقا سپرده، هزاران کزک و کشاورز و دانشجو و استاد و معلم و محصل و کاسب و پیشمور و روشنفکر و هنرمند را به جرم میهن پرستی و آزادخواهی به زندانها انداخته و صدها دانشجو را که خواستشان برجیدن کابوس سرنیزه و گارد و تفنگ و باطوم از کلاسهای درس است، به محاکمه کشانده، نهضت حق خواهانه دهها هزار کارگر را تلی یکی دو ماه گذشته بمخاک و خون کشیده، با یابا یورش گرازهای وحشی و تحمیل گرسنگی و بی کاری و مشقت و بیگاری پاسخ داده، مسند یکاها و اتحادیه ها و - کانونها و جمعیتها و احزاب را از فعالیتها و حقوق صنفی و

سیاسی محروم کرده، بختک نکستی حزب واحد ساواکی را بر روی میهن انداخته و هر حرکت شرقی، هر خواست اصولی، هر صدای معترض، هر اندیشه روشنگر، هر هنریت و هدف خلقی و میهن پرستانه را با سرکوب و یورش و بیعتان و تفاوت درهم شکسته یا میخواهد درهم بشکند.

تظاهرات در ایوار روزها در اخیر ثابت کرد که این شیوه‌های آمریتی دیگر کاری نیست. جنبش عموس خلق علیه رژیم توطئه های زنگارنگ - ساواکی و هجوم و خشونت گرازهای شاه و وسعت گرفتن روزافزون کورستان شهدای آزادی و در حال خیز و تلاطم و بهشت رفت است.

خبرنگاران نوید در گزارشهای خود شدت و نیروی انفجاری تظاهرات روزهای گذشته را بی سابقه، باشکوه و مقاومت ناپذیر توصیف کرده اند آنها تصریح کرد فاند که این سیل و خروش مردمی اینبار فانی تر از همیشه دربار و شاه را در شمارهای پر شور و آتشین در نوردید و با مشت های گره کرده تهدید کرد.

در اصفهان تظاهرات خیابانی چند روز پیاپی ادامه یافت. در روز ۹ فروردین - اهر رژیم صفور، نظیر شهرهای ۳۳ و اتومبیل های پامیس مورد حمله قرار گرفت. تظاهرات روز ۱۲ فروردین اصفهان بیشتر سیاسی کارگری داشت.

امواج خروشان تظاهرات خلقی و توفانهای اعتراضی سراسر کشور را فرا گرفته است. در کاخ استبداد زلزله افتاده. صدها هزار نفر طی چند ریز گذشته در بیش از ۳۰ شهر کوچک و بزرگ به حرکت درآمدند تا از ورای فاصله ها، فریاد ای رسواکننده خود را بهم بیاورند و انگشتان انبوه خویش را در هم گره بزنند و بر رژیم غارتگر و از رت و ریشه فاسدی که سد هر تحول و پیشرفت و راهزن آزادی است، بتازند. در این جنبش وسیع اعتراضی، بنابه اعتراف خود رژیم تاکنون دهها نفر کشته و مجروح و صدها نفر دستگیر شده اند. اگر سبب خصوصت رژیم شاه - ساواک را با حقیقت و راستی و انس و الفت دیرینه آن را با دروغ و تبلیغ و ربا در نظر بگیریم بی شک ابعاد فاجعه و آمار تلفات و صدمات، از این حد بسیار فراتر می رود. اما حتی همین ارقام گدبا میزند دامنه فزاینده و اوج و عظمت طغیان مردم و نفرت عمیق و ریشخالی آنها را از دارودسته میزخوب ها، زندانبانان و تاجدار عقرب - صفتی که به زندانداری و نوچگی امپریالیسم مباحات میکند، نشان میدهد.

چهل روز پس از کشتار دهها آزادخواه در قم، رژیم داغ لعنت خیزد شاه صدها زن و مرد کودک و پیر و جوان را در شهر قهرمان تبریز به خاک و خون کشاند و چهل روز پس از قتل عام بی شرمانه تبریز، با گلوله و سرنیزه و گاز اشک آور به ندای آزادخواهانه مردم به ستوه آمده سی شهر پاسخ گفت. با این چابکی و وقاحت در خنجر بزی، تعداد قربانیان و ابعاد فاجعه استبداد فردا چقدر خواهد بود؟

دیکتاتور اصالی با گلوله و مرک و خون به خلقهای ما عیدی ناهان داد. او یکبار دیگر به روشنی نشان داد که بین او و خلقهای ما دریائی از خون فاصله است که هر روز ژرف تر و پهن تر میشود. کشتی بادبان شکسته این فرزند زنی امپریالیسم و ارجاع اینک، برای دریای گلگون که چشمه ها و نهرهای خون آزاد، و میهن در آن میریزد، مسرگردان است و ضحاک عقل باخته دوران، در توفان پر موج و نیروی خشم و قیام خلق که هر دم توانا تر و سرکش تر میشود، با بربریت پر حقارت و توس و بزدلی متفاوت - آمیزی نخواهد راه بگشاید. اما او جز با جویبه های اعدام و

از سازمان های سیاسی و نیروهای مخالف رژیم در موقعیت کنونی به تنهایی قادر نیست این گرگ ها را تیر خورده را از پا در آورد . در حالیکه مبارز توده ای هرزنده چریک مآزاد بخواه ملی و مجاهد ملی همه زیر یک یک ضربه میگردند و در یک شکست گاه سلاخی میشوند در یک بیداد گاه عقوبت میگردند و در یک زندان می پوسند و از یک سیاست و آئین آسیب می بینند و از یک سر نیزه زخم بر میدارند ، از یک سر نوشت رنج می برند و در شرایط استبداد فاشیستی موجود - هائیب و آلام همانند می دارند و هر نیرویی که از یگانگی سربتابد به هرز میرود و در نهایت آب به آسیاب دشمنان خلق میریزد .

فقدان یا کم توانی و محدودیت سازمانهای صنفی و سیاسی را تنها با اتحاد عمل و احتراز از زهرپاشی تفرقه اندازان در رهبریات و سلك و عقیده و پایگاه اجتماعی میتوان پوشاند . امروز کلام - جدایی از هر دهنی که بیرون آید ، تخیلی است که برتن خلق می نشیند . دستهای که دانسته یا ندانسته چنین تخیلی را برداشته از دامن جنبش توده ها و عرصه مبارزاتی که به آغاز آن پیش از پایان آن نزدیکیم ، باید دور کنیم . جنبش اوج گیر خلق نباید مارا آشفته و مسحور کند و نظریان را از خطر عظیمی که در وجود رژیم درنده و سرد و گرم چشیده ، شام ساواک در کین است ، منحرف سازد . با ایمان قاطع به توانائی و حقانیت پرورنده خلق های این خطر را در هر لحظه و هر حرکت باید در مد نظر داشته باشیم و برای مهار کردن آن در پیوندی هر چه فشرده تر ، از به راه رفتن ها ، از شتاب زدگی ها و غرشدن به خویش و چپ روی های بیروانگرویی دورنا خرابکاری و ماجراجویی هایی که انرژی انقلابی توده ها را در مجرم های عیب و بیفایده به هدف های فرعی تر پهنر میدهد ، از آماج قراردادان مظاهر کم رنگ و اهداف پراکنده و ناشخص به جای بنیاد های اساسی رژیم و مظاهر واقعی آن ، پرهیز کنیم . بهم خوردن موازنه قوا در جامعه ما به نفع نیروهای دموکراتیک ملی و به زیان رژیم دیکتاتوری ، مناسب ترین شرایط عینی را

برای واداشتن دارو دسته دیکتاتوری به عقب نشینی های روز افزون می وقت تا مرحله سرنگونی کامل آن فراهم آورده است . هوشتاری و وحدت عمل همه نیروهای ضد دیکتاتوری و خواهان استقلال و آزادی مصرف نظر از عقیده و مرام و خواستگاه آنها در بهرگیری از این شرایط مساعد نقش قاطعی دارد .

حزب توده ایران که همواره و بدون تزلزل لزوم اتحاد همه نیروهای آزادیخواه و میهن پرست و ضد استبداد را برای برانداختن استبداد فاشیستی ، محمد رضا شاه مورد تأکید قرار داده است از همه نیروهای مترقی و ضد رژیم دعوت میکند که با تمام قوا برای سق بیشتر توده ها به مبارزه و فائق آمدن بر مسائل درون جبهه ضد دیکتاتوری ، همه سلسله و ابتکارات خود را بکار برند و در این بکار سرسختی و پیگیری نشان دهند .

در آبادان مردم لوحه یا بود رضاشاه قدر را که هنوز پرده برداری نشده بود ، مورد حمله قرار دادند و پرده های پیرامین آن را سوزاندند در بابل صدها نقابدار شهروا با غرور "مرگ بر شاه" به لرزه در آوردند و یک طاق نصرت دولتی ولانه حزب شمش فرموده رستاخیز را در هم کوبیدند . در زنجان تمامی کسبه و مغازه دارها به عنوان اعتراض تعطیل کردند . در مشهد نمایشات اعتراضی مردم که وسعت و انبوهی تهدید کننده ای داشت بارها با پرورش گرازهای شاه و پرتاب گاز اشک آور متفرق و دوباره تشکیل شد . در روز چهارم شهیدای تبریز در مشهد مغازه ها تعطیل بودند .

در تهران علاوه بر نمایشات اعتراضی خیابانی ، بیش از چهل هزار نفر در مراسم عزاداری بازار که در محاصره کامل افواج نظامی و سرنیزه داران و سلسله بدست ها برگزار شد گرد آمدند . مسجد آذربایجانی ها قلب پر تپش این اجتماع اعتراضی آمیز بود و سخنرانان خواستهای - مردم را کما خروش تأیید آمیز آنها همراه بود ، بهای شرح خواندند : - بازگشت قانون اساسی ، آزادی زندانیان سیاسی ، بازگشت -

تحمید شدگان آزادی بیان و علم و اجتماعات ... در کاشان هزاران کارگر کارخانه های ریسمندگی و بافندگی و مخمل و ابریشم کاشان کارخانه ها را تعطیل کردند و به صفوف عظیم تظاهر کنندگان و اجتماعات معترضین پیوستند . حضور کارگران در حجم عظیم آن به خروش کاشان رنگ تند و حرکت پرشوری بخشید . تظاهر - کنندگان که با شعار "ما شاه نمی خواهیم" در خیابانها حرکت میکردند مورد هجوم گزواهای مسلح قرار گرفتند .

در قم با گاز اشک آور و چوب به اجتماع مردم تاختند ، اما هر بار که جمعیت از هم می گسست در نقطه دیگری بهم جوش میخورد . در یزد تظاهر کنندگان با شمار مرگ بر شاه ، تابلوهای روزنامه های ساواک زده اطلاعات و کیهان و رستاخیز را خرد کردند . صبح روز دوم فروردین یزد کاملاً تعطیل بود . تظاهرات دیگر شهرها حرکت و رنگی نظیر این داشت . همه این نمایشات و اجتماعات سیاسی مضمون یگانگی داشت که در گلهای سرخ شمارهای ضد دیکتاتوری می شکفت و عطر افشانی میکرد .

بلند گویای روسی وار و روزنامه های کوشند ی رژیم با عجز و بلاهت کوشیدند تا با تحریف واقعیات و سانسور پرده پوشی ، عظمت این جنبش اعتراضی را انکار کنند و از نیروی توانای افشاگر آن که زنده ترین سند حکومت این رژیم ضد خلقی و ضد دموکراتیک و ایران بر باد ده است ، بپا کنند . اما توفان بزور گراز آن است که در درویشهای کثیف آنها حبس شود .

تظاهرات گسترده روزهای اخیر بانک رسائی بود که نیروی - لایزال توده ها را در اتحاد و پیوند آنها به ظهور رساند . در شرایطی که رژیم عرورف فزونی تر و پوک تر میشود و آخرین قطره های قوه حیاتی خود را از دست میدهد ، تنها مدد و ضامن ما برای به زانو در آوردن آن همبستگی و اتحاد عمل ماست . هیچ یک

پیروزی مبارزه قهرمانه مردم ایران علیه استبداد فاشیستی محمد رضاشاه

# نویسد

سال سوم، شماره ۲۲، پنجشنبه ۱۷ فروردین ۱۳۵۷

(وابسته به حزب توده ایران)

(فوق العاده)

زندانیان سیاسی بر اثر اعتصاب غذای ۱۶ روزه در مرز مرگ و زندگی بسر می برند

## به یاری زندانیان اعتصابی بشتابیم

— آنها حداقل حقوق يك زندانی سیاسی را می خواهند، حداقل خواستها و توقعات يك انسان را انتظار دارند، اما همین حداقل انتظار با مقاومت و تحاشی جنایتکارانه رژیم روبروست. . . .  
زندانیان سیاسی می خواهند کیفیت بسیار نامطبوع و بی خاصیت غذای زندان بهبود یابد، اجازه ملاقات به اقوام و خواهران و برادران آنها داده شود، برادری و روزنامه عادی سانسور نشده در اختیارشان قرار گیرد و تعداد زندانیان در هر بند و هر اتاق که به طرز وحشتناکی پر تراکم است، کاهش یابد. زندانیان سیاسی تقاضا کرده اند که احکام نظامی محکومیت آنها توسط بدهندگان گاههای فرمایشی نظامی، در محاکم دادگستری مورد تجدید نظر قرار گیرد. آیا پاسخ این خواستها حقه و طبیعی که مضمین ابتدای ترین شرایط زبستی در بیغوله های شاه است، شکنجه و کتک و مرگ است؟  
خانواده های زندانیان سیاسی تاکید می کنند که اعتصاب کنندگان توسط مرغضب های رژیم مورد شکنجه و ضرب و شتم قرار گرفته اند. آنها می گویند:

— زندانیان سیاسی از اواخر بهمن ماه نخست اعتصاب ملاقات کردند و چون به این اعتراض جمعی توجهی نشد، ناگزیر به آخرین مرحله خود یعنی اعتصاب غذا متوسل گردیدند. برای آنها در شرایط روزی زندانیان آریا مهری و با تاراج تمامی امکانات زیستی و تحصیل انواع فشارهای روحی و جسمی فرساینده، چاره ای جز نبرد اعتصابی باقی نمانده بود. اعتصاب غذا در بند های سیاسی زندان قصر از روز ۲۰ اسفند ماه آغاز شد.

روز ۲۵ اسفند ماه تنی چند از زندانیان که بر خلاف روزهای ملاقات قبلی حاضر شده بودند به دیدار خانواده های خود در بویاند، آنها را در جریان اعتصاب غذای خود گذاشتند. آنها فاش کردند که در مخیمه اعتصاب کنندگان را مورد هجوم قرار داده اند و به سختی ضرب و کوب کرده اند. آثار ضرب و جرح بر چهره و دست و پای زندانیان طلاقات کننده، به مثابه داغ ننگی و رژیم غدار و ضد مردمی را رسوا می کرد، اما امیران باهزم و هم خلق قصد خود را به ادامه نبرد اعتصابی تا مرگ یا پیروزی نهایی تاکید کردند.

سال نود و شواهدی آغاز شد که همین پرستورترین فرزندان مردم با شکنجه و گرسنگی و محفل شکنی از اعتصاب، تحلیل می رفتند. این عیدی شاهانه به ملت بود.

صد ها نفر از زندانیان سیاسی ایران از ۲۲ روز پیش در اعتصاب غذا به سر می برند. در حالی که این گرامی ترین فرزندان مبارز خلق تا مرگ يك قدم بیشتر فاصله ندارند، رژیم تبهکار در برابر این تظاهر بزرگ سیاسی و اعتراضی کف در تاریخ مهین ما کم سابقه است، خفقان سکوت گرفته و از انتشار این حادثه تکان دهند. حماسی و در عین حال افشاگر، به شدت جلوگیری می کند. خانواده های زندانیان سیاسی که شاهد زوال تدریجی عزیزان در بند خود و خونسردی شوربانه زندانیان و مرغضب های شاه در برابر این نبرد قهرمانی مرگ و زندگی هستند، هر روز خواستهای حقه اعتصاب کنندگان را در خیابانها و در جلوی دادگستری، دادرسی ارتش زندان قصر، مجلسین شورا و سنا، کاخ نخست وزیری و دیگر نهادها و مظهر رژیم شاه — ساواک، فریاد کرده اند و به جای پاسخ، با مشت و لگد و باتوم و دشنام های کربک و یازدشت و هجوم روبرو شده اند. آنها با چشم های اشکبار و قلب های آتش گرفته و گلوها گرفته از خشم در معابر و خیابانها، جنایت هولناکی را که در دو هفته دیکتاتوری صحنه گردان آنست فاش می کنند، در زیر ضربات درخشانه و در معرض تاخت و تاز مد اوم گراهای حکومتی با مردم سخن می گویند و آنها را به بارگسیران سرفراز خود و خلق می خوانند و صد دردناک خود را که محکومیت ابدی رژیم دژخیمان و شورورترین غارتگر در آن موج می زند، به تاریخ می سپارند:

— مردم! گلهای سرسید خلق با توطئه آدمکشان رژیم در حال پر بردن اند. کک کنید! . . . به باری فرزندان و قهرمانان خود بشتابید! آنها به لبه گور خود رسیده اند. کاری بکنید. . . کاری بکنید. . .

و مردم با بغض خاموش و مشت های گره کرده به این صحنه ها نگاه می کنند. آتشی در دلها شعله می کشد و خشم به صورت جرقه و کله و شعار از دهانها بیرون می ریزد. پیروزنها نفرین می کنند، پیرومردها با تأثر سر تکان می دهند، جوان ها زیر لب می فریاد می کنند و در این اندوه و همدردی مشترک جانها به هم گره می خورد، و خلق در کینه و عشق خود یگانگی می شود و عطر انتقام سینه هارا می سوزاند. رهگذران با ناراحتی می پرسند:

— زندانیان سیاسی چرا اعتصاب غذا کرده اند؟

و مادران و خواهران پریشان زندانیان سیاسی جواب می دهند:

از نخستین روزهای سال جدید زندانیان او این تمیزه اختصاص  
 کنندگان زندانیان قهر پیوستند و لب از خوردن فرو بستند. در  
 تمام این روزها همسران و مادران و خواهران و پدران زندانیان  
 سیاسی در یک سلسله تظاهرات پر شور و افشاگرانه خیابانهای  
 صدای سپهر و دلپندان خود را به گوش توده ها رساندند و از جنایاتی  
 که در پشت دیوارهای بلند و صله ها و قفس های آهنی زندان های  
 سیاسی می گذرد، پرده برداشتند. آنها به طور دستجمعی در روز  
 ۲۸ اسفند ماه در برابر دادرسی ارتش (خیابان گورخر) تظاهرات  
 کردند. روز چهارشنبه دوم فروردین در برابر زندان قصر جمع  
 شدند و خروش خود را با فریاد و اشک آهختند و صدای عدالت خواه  
 فرزندان خویش را از گلوهای دردناکشان آزاد کردند. تظاهرات  
 تهیه کننده خانواده های زندانیان سیاسی که شکل هیتینگ سیاسی  
 داشت، در روزهای سوم و چهارم فروردین در خیابانها ادامه  
 یافت. خانواده ها روز و شب هفت فروردین ماه در برابر کاخ دادگستری  
 و در روزهای بعد در برابر دیگر نهاد های رسوای رژیم آریامهری  
 خواستهای زندانیان اختصاصی را بانام و با فریاد به گوش های  
 کر کارگزاران و کماشنگان می آردم حکومتی رساندند، اما در اکثر این  
 اجتماعات با موهن ترین وضع مورد بیوش و ضرب و جرح و تحقیر و دشنام  
 های که تنها زیننده ضحاک شوم دوران استروریو شدند و هر بار  
 عده ای از آنها توسط گارد های مسلح بازداشت گردیدند. تظاهرات  
 ناگزیر و ولوله آفرین مادران و همسران زندانیان سیاسی در روز  
 چهارشنبه ۱۶ فروردین ماه در برابر دانشگاه تهران و کاخ نخست  
 وزیری امواج وسیعی از همدردی و پشتیبانی ملی برانگیخت. اتوبوس  
 ها در مسیر این شیرزنان رزنده و وسط خیابان توقف می شدند،  
 رهگذران می ایستادند، کسبه از مفاز های خود بیرون می آمدند،  
 تاصدای مبارزه، صدای فتح عشق و عدالت، صدای اختصاصی از احمق  
 زندانیان و وطنشان، در طنین گرم و شورانگیز و خستگی ناپذیر می شنوند.  
 اما گارد های شهرستانی مجال نمی دادند، حمله می کردند، تظاهر  
 کنندگان را زیر سمهای خود می گرفتند، آنها را کشتن در اتوبوس  
 های خود سوار می کردند و به کلانتری های می بردند.  
 خبرنگاران نوید که در تمامی این صحنه ها تظاهر و میتینگ  
 افشاگری حضور داشته اند، از ماحصل گفت و گو با بسیاری از خانواد  
 های زندانیان سیاسی، گزارش زیر را تهیه کرده اند:

شامبه ای که هر روز بیشتر قوت می گیرد و ظهار و آغوش می دهد  
 حکایت از آن دارد که چند تن از اختصاص کنندگان زندانیان قصر بر  
 اثر طول مدت اختصاص و بد رفتاری بی شرمانه زندانیان، شهید  
 گردیده اند. پدر یکی از زندانیان که چند روز پیش موفق به ملاقات  
 فرزند خود شده بود گفته است که در اولین دیدار او را که بدل به  
 سلکتی متحرک شده نشناخته است. سایه ای در حال فرو ریختن  
 چهره ای سفید با شپاره های تیره، نظیر مردگان، اما با چشم های  
 پر فروغ و تندر. پدر ملاقات کننده با بغض و خشم گفته است:  
 "کاش او را ندیده بودم. او به مرده ها بیشتر از زنده ها شبیه بود.  
 فکر نمی کنم بیشتر از یک روز دیگر بتواند تاب بیاورد." و اشک  
 پنهانی صورت پر چین و چروک بر او برگردانده بود.

۲۶ روز پس از اختصاص غذای فرزندان بیکار جوی خلق که رژیم  
 بی آبرو و دروغ پرور از وفادار شاه - ساواک کوشیده آن را از مردم و  
 افکار عمومی پنهان نگاه دارد، سؤالی که برابر همه وجدانهای آگاه  
 و مبارزان و آزادخواهان، خود نمای می کند این است که سرانجام  
 این نبرد مرگ و زندگی که اینک به مرگ بیشتر از زندگی نزدیک است  
 چه خواهد شد؟ مردی که خاطره نزدیک کشتار شقاوت آمیز زندانی  
 سیاسی (گروه جزئی - ظریفی) را در زندان به یاد دارد، آنها را  
 که ماجرای شکنجه و قتل قهرمان توده ای پرویز حکمت جورا پس از  
 ده سال زندان فراموش نکرده اند، همه آنها را که ماجرای هولناک  
 بسیاری از شکنجه ها، مجسمی و امحای جسمی مبارزان را در زندان های  
 شاه شنیده اند، حق دارند نسبت به زندگی گلهای سر سبز باغ بهمن  
 در زیر چنگال های خون آلود ساواک نگران باشند. کنگ زدن و  
 شکنجه اختصاص کنندگان به وسیله گزبه ها و گرازهای بی روح و قلب و  
 روسی صفت شاه، در شرایطی که محبت آنها از بی رمقی و کرسنگی و  
 ضعف فرط رکننده، به شدت در معرض تهدید است، نشان میدهد  
 که جلاد، از هیچ جنایت و تنگی روی گویان نیست. او سوا ترو رو  
 سیاه تر از آنست که هیچ حریفی را ننگدارد. مشهور حقوق بشرد  
 اصولی که حتی در مورد اسیران جنگی رعایت می شود، برای این  
 هیولای آدمخوار، جز بازی نیست. او علی رغم ادعاهای بی شرمانه  
 اش که چون تاج و تختش آلوده و مورد بدگمانی ابدی و سوزن ظن همیشگی  
 است، هنوز در دشمنانه شکنجه می دهد، زندانی از حال و هویش رفته  
 اختصاصی را زیر چکمه و باتوم و چماق می کوبد و آنگاه با تمام دهان متعفنش  
 در انظار جهانیان پاره می بافتد که شکنجه در ایران موقوف شده  
 است. آیا او را می چید بیدی رساتر از و قاحت می شوی در حق چنین  
 عفریت هزار چهره و پلیدی نباید خلق کرد؟

مردم ایران، آزادخواهان، همپن پرستان، مبارزان!  
 در دقایق و سلمات اضطراب آمیزی که زندگی صد ها صدمه مانن از  
 فرزندان و حقیقت خواهان شریف مادر زندانیان بی تأمین شاه به سوی  
 بسته و هر لحظه امکان پاره شدن این رشته نازک تصور است، و ظریفه  
 طمی و وجدانی و مبارزاتی ماست که به یاری این رزمندگان حماسه آفرین  
 سنگر خلق بشتابیم. با تمامی وسایل و امکانات خود، حقایق جنایت  
 فجیحی را که در زندانیان می گذرد، در برابر توده های وسیع مردم  
 و جهانیان افشا کنیم. در کارخانه ها، از سر صابر، در تکلیف  
 ساجد، در کوچه ها و خیابانها، در ادارات و محافل و مجالس،  
 بانگ اعتراض خود را علیه زندانیان همه حمایت از زندانیان سیاسی  
 رسا تر کنیم. با شبنام، با توضیح و سخنرانی، حتی در ناه های  
 دستی و تابلو شده با هر وسیله ابتکاری دیگر، خواستها و موقعیت  
 خطرناک اختصاص کنندگان را در طنین نیرومند آواز دهم و از این  
 نیروی عظیم افشاگری همه جانبه، تخمینی برای سلامت و زندگی  
 ارزنده فرزندان در بند خود تأمین نمائیم. تنها نیروی اعتراض دسته  
 جمعی و یکپارچه ماست که می تواند مرغضب ها و آذکنشان را به عقب  
 نشینی وادارد. این مبارزه ای است مهمی که هر دست و هر صدایی  
 در آن می تواند نقشی به سزا و شرف بخش داشته باشد. شتاب کنید!  
 جان همزبیرترین دلبران و کوشندگان راه خلق در خطر است...

## برای آزادی زندانیان سیاسی مبارزه خود را تشدید کنیم!



# نویسد

(وابسته به حزب توده ایران)

سال سوم، شماره ۲۵، شنبه ۲۶ فروردین ۱۳۳۷

سلسله مقالات «نویسد» دربارهٔ ویژگیهای جنبش کارگری ایران  
وقتش روشننگران انقلابی و مبارزان مارکسیست در قبال آن (۳)

## مبارزه صنفی چگونه سیاسی میشود

این که صانع همه کارگران به کشور یکسان است و سرانجام دور این شعرت و فریاد که کارگران برای رسیدن به هدفی ها و آرمان های خویش ناگزیر به فعالیت سیاسی اند به طور خود به خود در کارگران ایجاد نمی شود. تاثیر نامدکننده ایدئولوژی طبقات اشتراکسوی انواع و اقسام مختلف صنفی های آن ها مانع از آن است که کارگران به تعلق طبقاتی خود واقف شوند.

رشد آگاهی طبقاتی پروتولاریا و رشد فزاینده است و در کلاس های مختلف به همسرت همفکرت انجام می پذیرد. رسالت حزب ب طبقه کارگر در این عرصه باشد تا لزوم حیاتی خود نمای ی کند. این حزب برای انقلابی آگاهی طبقه کارگر که به مبارزه ایدئولوژیک نی برود از جنبش کارگری که به طور خود به خود با حرکت های صنفی و اقتصادی آغاز می شود، در مبارزات سیاسی رشد کبلی می کند. دست ما به مبارزه سیاسی کارگران، ایدئولوژی آگاهیست.

دگرایش انحرافی شده هنوز جنبش کارگری واقعیتی نیست که ۱- مطلق کردن مبارزه صنفی و اقتصادی و ۲- مطلق کردن مبارزه سیاسی وابسته لوطیه. این هر دو گزارشی آن که به ظاهر در جنبش کارگران شناخته شده و هدف یکسانه ای دارند چه یکسان به جنبش کارگری آسیب می رسانند. در شرق ایل کوشش برای آگاهی تا با نهادی صنفی سیاسی وابسته لوطیه که تنها به طور تعلق است و طبقه را در بر می راند و دشمنان صنفی کنش خلق صلاح کند. ارزشی صلاح همان ارزش مغلوب است. این نادمان سازتکاری، طبقه را دست به دست به صلح سرمایه می برند.

در شرق درم عناصر ماجراجو افراطی چه به ایدئولوژی کارگران آگاه ازبده، های کارگر با فاصله انداختن بین پیمانگی و طبقه ای که به پیمانگی را خنثی می کنند به ناکسای می کنند و هم توده ها و صنف کارگری را در انضون و اسارت سرمایه داران تنها باقی می گذارند. در زمانه در صحنه ۴

هر مبارزه صنفی واحدی واحدی سیاسی است. جنبش کارگری بدون مبارزه اقتصادی نمی تواند به طور گسترده و جنبش سیاسی پیدا کند و رسالت تاریخی طبقه را به انجام برساند. اما اگر مبارزات اقتصادی به نبرد سیاسی فراتر رود، پروتولاریا در اسارت سرمایه و در تارهای تنگت استوار باقی خواهد ماند.

مبارزه طبقاتی پروتولاریا هنگامی به طور جدی و شالودهای آغاز می شود که از چارچوب به خارج فرزند گرفته و به مبارزه برای نلبه قدرت حاکم بدل گردد. در همین تمام طبقه سرمایه داران و دولت باسد از منابع آنان را آماج قرار دهد.

صانع طبقه کارگر از حزب طبقه کارگر اختراع نمی کند. این صانع پایه صنفی دارد. در نظام سرمایه داری هر کارگری پیوسته با صنفی صنفی ها و اجتماعی اقتصادی و پیمانگی است که در این شرایط تاریخی و روحیه اعتراض سرکشی کارگر، با رتسا به طبیعی و اختیاری نایب می باشد. اما احساس عدم رضایت و طغیان و بالقد در وجود کارگر، هنوز به معنای آگاهی طبقاتی نیست. در ک مبارزه اقتصادی کارگران برای بهبود سرنوشت و نمان آزاد می باشد جز مبارزه علیه سرمایه داران ندارند. در ک این واقعیت که کارگران طبقه واحدی مستقیم از دیگر طبقات جامعه را تشکیل می دهند و



## سیاست بمب و چماق هم محکوم به شکست است

حوادث ماههای اخیر، به طور ربه اد های هفتای کسه گفتند و خسته های اساسی وضع سیاسی جامعه طرا فارغ از جنبش های تبلیغاتی و های صنفی و صحره بر داری ما در برابر انظار و هنگام روشن ساختن. این واقعیت تنوعی که رشته گانه ای از سرین آن ها را به هم پیوند می دهد، به وضوح نشان داد که رژیم ستاسم - ساراک "علی ریح اسفندیاری بیع پیاده باقی های بر سر صدهای خود نه تنها کمترین ملاقه ای به گسترش فضای سیاسی کشور و احیای آزادی های نگه سال شده استبداد ندارد، بلکه دشمن خوبی قسم خورد و آست و هیچ فرصتی را برای شنه کردن چه خاله و سخن کشیدن آزادی و دست دادن و طلب کنندگان آن از دست نمی دهد. این صدها و هالوسوی دیگر ثابت کرد که رژیم " شاه - ساراک" که در عرصه سیاسی و اجتماعی، در سواي خاص و عام، دشمنی و ناتوان شده و در نهان در صحنه ۴

## وحدت و تضاد نیروهای ضد استبداد

دست در در و همزبون به سرفرت و تمییل می کند به حذف آست و در شرایطی در نای معرفی آن، تفاوت چنین آزمون آزادی هویلا می توان و بران در او نباشته شده، به طور صنفی با همبستگی هدف دارند و نیاز صنفی یکدیگرند، و از طرف دیگر به خاطر همین خاستگاه طبقاتی و جهان بینی های شمای و تضاد در وابسته و سابقه برای به دست گرفتن رهبری صنفی ضد دیکتاتوری سنگین تر کردن فنن خود در این جنبه، باید که بگر تضاد دارند. سائلی که در حال حاضر در درون نیروهای مسلح و دیکتاتیک به انگال شروع و مختلف بر روی می کنند، از این سرچشمه آست می خورد. اما اگر در این واقعیت حساس، توجه این نیروها مطلق می به آن نشود که تضاد آنها تحت التجماع وحدت صنفی و حیاتی آنهاست و وضع عامل و انگیزه وحدت و اینها در این وحدت لازم و کلیدی را خدشه در آنکه، نهایی که بلر خواهد آمد، اگر میان تنای این نیروها را خواهد گرفت و میز روی وضعی بهره داران به دست گرفتن رهبری صنفی دیکتاتوری می فاسد و چرا که در حال اشتراک است. در عین حال، آست و آورد. تلاش برای تحلی این وحدت و شناخت و تبلیغ عرصه وسیع را و درازی که متحدان ضد استبداد می توانند باید در نظر هم داشته باشند و

کارگران ایران، در راه احیای سازمان های صنفی و سیاسی خود مبارزه کنید!

### سیاست بمب و چاق هم محکوم ...

مابسته ترین محاکرت آمیز تر شو به هلا برای مبارزه با مخالفان خود انتخاب کرده و آخرین برده ناپیشانه مستبد بود خود را به روی صحنه آورده است.

هموم ناگهانی می سابقه خبرهای مشکوکی نظیر محفل علیه لوران به نظر مسافری بیامده، اندک لاره بوش به نظر کاتان آتش بر ن اتمیلل ها نشسته شکستن ها و غریبه به روزنامه های فریبنا میروم، به توضیح زرب کنترل سواره میروم مخالفان هر دم آنها به پاهای های ذریه میروم آنها به جناح لوران و جناح فوکسان ساروکی نظیر ماجرای که بودرگر حبیب اله بیمان، مبارز ذمی ضد رژیم گذشت، انفجار بمب در خانه رهبران و شخصیت های مخالف رژیم مانند دگر مهدی بلرزگان و دگر سجانی، مهندس رحمت الهه ضد بولف ای، در سن رویدادهای چون کتله زدن بی رحمانه و بی نرمانه صدها مادر و خواهر و همسر زندانیان سیاسی در کوچه خیابان و بازداشت پیش از صدمه ن آزاران، تحصیل اعتصاب کننده ها، زندانیان سیاسی و هموم گزافهایی شهرانی به این اعتصاب کشاندن این فرزندان دلسر و حق خواه خلق نازم ترک زندگی بی افتخاری بی تفاوتی جنایتکارانه به سلامت زندگانی آنها، پخش شاهانه اسید پاشیدن به زبان در طلا، هم و ضرب و شتم آنها و حتی اذیت آبروی بریدن در این زمینه به وسیله ایاتان سواره، تفرقه های نیرومندی به روی خصلت واقعی و تشهیر ناپذیر این رژیم ضد خلق نوجوه امپریالیسم بی اندازه و توطئه های تکراری بزرگ نکست کرکته کپله زدن آن را فاشی می کند. هر یک از این واقعیت جری تکمیل کننده یک سیاست واحد ضد ملی و ضد دموکراتیک و پانگرا انتیست. شیرنگاران نوجوه پس از جست و جو و تحقیق دانه داری که به صل آوردند، فاش کردند که صدمه ای نظیر حمله به ظاهر بیامده، انداره هموم ناپاید لوران در اینستگاه راه آهن نزدیکه کاتان و آتش بر ن اتومبیل فرماندار ایلام، آتش بر ن سالن سینمای کاتان و دهیض بوددیگر از اساس دروغ و شاهانه ای پیش نموده که توسط ایادی سارو و خبرگزاری دولتی پارس با آپو تاجبران برانگیده شده است. دیاره ای دیگر از این نوع اخبار کاتان ها صادره است. ابی هم به یوه آنها که ایوان راکان مسی، رایج قرار داده - جای پای سارو به وضوح به چشم می خورد. امتداد داری از این حوادث واقعی است و نشانه صمیم مردم به ستوه آمدن و نفرت سربرشته نود مسما اذیت جنونی و زانگرن و خویشتر شده - سارو است. در تظاهرات وسیع اعتراضی این گروه انوردم که در واقع سنه زنده محکومیت بهم مشکلی به سرزنش زدن و شکمه صدمه دوران است دستگاهها و بلندگوهای تبلیغاتی رژیم و تنها جنبه خاصی از این تبلیغات و ابزار خویشتر صابنی را آن هم به صورت تحریف شده پخش می کنند هدف از این سیاست تبلیغاتی چیست؟

همان طور که بارها توضیح داده کرده ایم، این سیاست می خواهد تظاهرات اعتراضی و ابزاد لرزایی توده های اتیوه و مرد راکان و گسترش نفوذ ازین و مبارزندیی بیامده است، اخبار کاتان و آتش برن و آشوب کو جلوه مدعنا ندی ها و کار بانها و خواست های مترشش و فداان ضد دیکتاتوری وارد نظر در چهارچوب این است، لوت کت، حرکت های وسیع و عظیم توده ای را در حوادث عظیمی که پیشتر به توضیح داده شد، به خوابگرایی و باجراجویی های مشابه بکشد و با تشویق مخالفان به حمله به مواضع آرامج های فرضی و با اغراض نظر آنها را از برورش شرکتی به بنیادهای اصلی رژیم محرف سازد، با تشویق اشتیاق زان، حمله به سیاست هموسی و تخریب ساختن ها و تاسیسات خصوصی، مرد پرست است به رژیمندگان و مخالفان رژیم و بدین وسیله ساز و خورده را اصلاح باشد از نظم و انضباط حمله در دستور و دستکاری برای مخالفان و نهجای وسیع خود است و با کده و نیرغ نشانی و تهاجم گزافه می خورده را مجاز نماید. رژیم که رژیم به رژیم زان خود را بیشتر خالی می بیند و در کنترل این سیاست گنگنموری، به نیوی ترویس دولت نیز مشمول شده و به شیوه راهزنان و ایاست در خانه مخالفان بمب بی اندازه و دستجات چاق و دست چاق و کتله های سرع عناصر ضد سلطنت طلب و کتله های راه آزادی می فرستد. این رویه چندین بار و در مسوا و دلیل قاطع ضعف پیچیدگی و بیخونی رژیم توتالی میلولان پنهان است، رژیم که مدتی بازرگرن فضای سیاسی کتله راست، ترویس دولتی را به عنوان آخرین مورد غلبه ناپذیر خود به کار گرفته تا باز به چشم گرفتن از مخالفان در صف آنها خلق پنهان از عناصر محافظه کارتر را به سازش می خود میاید اول توله دشمنی بی طرفی وارد کرد. در این حال رژیم ادعا نمیکند که در میان مردم تنهایی تکه ها خفته، می خواهد تظاهر کند دارای حامیان وسیع و انان باشد، این سیاست که بی توانند با مخالفان او حتی بدین اوطافه کند. این سیاست لزایم و جهانی است سرالای است که به پیشگوشه خود او نمی بینند. این سیاست بهنگاه نشان می دهد که آن کشان و گروه های رژیم شام

## پیروزی زندانیان اعتصابی

اعتصاب سرزندان اخیر در سیاهالهای شاه پیروزی شد. بهترین مرزندان ایران پنجاه و پنج روز مبارزه کردند و پیروز شدند. در این اعتصابها از طرفی در حالیکه هرآن مرتزق نزد پخشوزد بگوشمند زخمیدند، همزمان استوار خویش ما نندند و فرمای: حق شناسی خویش را تا آخر روی مرزهای کشور پیروزی دادند.

آخرین خبرها می رسد در این زندانیان بقصر و این حکایت از پیروزی دارد. زندانیان شاه در در همه های اوین و اوطافه هفت گشت بهرازی بهر آن بودند که در زخمی ها در برابر بیکار رجستان و بعد از قبول خواستهایشان از طرف مرزندان ایاتان ایران به اعتصاب خود پایان دادند. زندانیان نیز این قدر از مصاحبه مشتمل بود از موافقت و روحی تمام خواهی نشان دادند اعتصاب خود پایان دادند. آخرین خبرها می رسد، حاکمیت کتله های از پیروزی زندانیان گذر کرده با این همه اعتصاب با شکست

مترشح شد بل بند میوند سرشار از تفریح و سرور فرازان بیکارگی که تا آخرین دقیقه قاطع حفظ شد، این پیروزی را جشن گرفتند و از صبح چهارشنبه قاطعاً قاطعاً ها جشن گرفتند. در این اعتصاب تظاهرها را می کشید آمدند. آمدند تا با گل بخند بگویند، پیروزی بد، در عین حال از نو آمد. طبع گزارشها می رسد در زندانیان اعتصابی و چاقی سرانجام باید در بستن درجه ۳۲ زندانیان، همگام استوار کتله پیروزی نامه راه یافتند و بعد از زندانیان، بهبهود کپشفتند و - تشارت زندانیان را خواستند که در ماست. اعتصاب بیکار شدند اینا به مصلحتی همیشه از ۳۰ روز ادامه دادند. در این مدت کارداران و خواهران زندانیان زندانیان سیاسی در هیات نقضی را با تظاهرات - افشاگران خود با تظاهرات اعتراضی اسیران شاه را از آنرا سوسی سانسور ها کمروزی نامه ها بلند گویا و ریاری می گویند و در کوه می آزارسانند.

### تظاهرات به پشتیبانی از زندانیان سیاسی اعتصابی

دانشجویان دانشگاه تهران به پشتیبانی از همه زندانیان سیاسی در حال مرگ که برای اعتراض به ابطال شدن محرفان دست به یقه اعتصابی های طوطی و ضامود زده بودند، بیروتیه ۱۹ فروردین در خیابانهای اطراف دانشگاه و مناطق پایتخت تظاهراتی با هیولای دست به تظاهرات افشاگران کردند. همزمان با این تظاهرات با صلیب و با هوای سواره در مقابل دانشگاه به مادران و خواهران زندانیان سیاسی که برای رساندن فریاد اعتراضی فرزندان و برادران مردند با اجتماع کرده بودند حمله کردند پس از هر دو طرف کردن آنان با جاقی با هم جمع زیادی را دستگیر نمود. زندانیان (لاخوار از آزادی زندانیان مستقیم) را با خود حمل می کردند.

طبق آخرین اطلاعات رسیده جمعی از این شویزان را به یوهیوه های کیتست منتقل کرده اند و جمع دیگری را به دستگیری فرستادند تا برای ایشاق از بازداشت صادر کنند. شیرنگران نهد که و ستاد و برادران و خواهران شان در تظاهرات پیوسته شرکت داشتند لحاظ این تظاهرات را که همه با پلاکات های افشاگران بود چنان گذار شده اند.

حرکت تظاهر اراغی از این خیابان تا فیله فرانس و شاهرا تیر شده. دانشجویان با پلاکات های بی زبان از پشتیبانی از زندانیان سیاسی همراه داشتند به طرف چهارراه پهلوی به راه افتادند و سپس وارد خیابان پهلوی شدند. در خیابان پهلوی تظاهراتی، پاران مادر زندانیان - زندانیان جلادند" و " درود خلق ایران بر زندانیان سیاسی - عده چشم را خیره آبکارند، بسیاری از هژدگان برجای خود میخکوب شده تیر لب شعارها را تکرار کردند. پامه چشم خیز زانی را دیدیم که در بنامه روهانکه خود را میباشست دست پاک می کردند و تظاهر کنندگان را با چشم بهره می کردند. در حوالی چهارراه پهلوی بسیاری از مادران که تلهفن نظر گوی تظاهرات بودند به جمع تظاهر کنندگان پیوسته و در حالیکه

شعارها تکرار می کردند پشت سر آنها حرکت در آمدند. در نقطه ناصیه راه شاه فریاد های " مرگ بر این حکومت مستور و سیلا در نکت باه" و " حکومتان به اندیشه شما جلاد است" و " ما لاخره هم مردود خلق ایران به شهیدان تیرهیز" مد ها رهگذر دیگر را توجه تظاهر کنندگان کرد و صف تظاهر کنندگان طویل تر شد. در این نقطه گروه های شاه گماز سنگسری و کتله زدن مادران و خواهران زندانیان سیاسی در مقابل دانشگاه فارسی شده بودند خود را به تظاهر کنندگان رساندند و با پاتم به آنها حمله و شدند اما تظاهر کنندگان که در طول سالهای اخیر پامه های فراز از چنگ پلیس آشنایند، اندکی سختی شدند خود را از چنگال گزیند ها برهانند. گزارشگر دیگر ما که در مقابل دانشگاه ناصیه ای ازمگسار در و با هوای اشتی شاه به مادران و خواهران زندانیان سیاسی بوده و نوجوه نامواجان می تیر در حالی به زنان حمله کردند که آن ها دست جمعی روی زمین نشسته بودند. پلیس که همه را محاصره کرده بود ایتد آنها را از طرف ضربات چاق میانم گرفت و سپس در حالیکه صدای چیغ و فریاد اعتراضی آنها تانجند به متر آن طرف تیر شدند می شد آنها زنده به داخل اتومبیل های پامه های غریب وصل و وصل از آن که ما بران از آن سوسی خیابان خود را به این مستعمل شدند و از مادران و خواهران سیاسی دفاع زندانیان سیاسی دفاع کنند با اتومبیل سلواز شکاری های جدید به طرف میخکوب های شاه حرکت کردند. خبرنگار دیگری از این دانشگاه خبر می دهد: شب تیره هم در کوی تظاهرات بیکارچه ای برای دفاع از زندانیان سیاسی سازمان داده شد. تظاهر کنندگان سراسر سطوح کوی و در حالی که تظاهراتی از زندانیان سیاسی می دادند طری کردند. تظاهرات بدین کوچکترین ماجرای بی پایان یافت و افراد گارد که از پیشک دانشگاه و مشتکر بوده بودند، نتوانستند ماجرا جوی جدیدی را باعث شوند.

### درو پشور به زندانیان سیاسی بیکار جوی ایران

سارو به مانند سابق یک ناهیدمان نیستند و شرایط مساعد جهانی و این رویه نزله جنبش ملی دیکراتیکه لوری و اعیان سازبان های عینی سیاسی و تشدید تظاهرات در تاسیسات داخلی و دست بر پای آن را تا به آن حد بسته است که دیگر رفتار و قضات بی برده بگردد بهند و شکمه زندانیان و هموم های گنگانته به اشکال گنوده سابق برایشه و نسبت و تانگری اشکال پنهان تر و میزبان تورا جایگهی آن کرده است. انامبروهای در کتله های زیر خیره این چاقی ها و در معرض انواع تهمت ها و دسیسه ها، در آز بین شاهیه برانگیس های وهم در زیر کابوس های که خانه زندگی همسر طرفین

آنها را امانت دهد می کند، به لزوم احتیاج نابینده است شکام درونی خود و اعتماد عمل بیسته همه نیروهای ضد اشتیاق آزادیخواهی بیخونی میزند. اگر همه این صاحب روحی این تیر و غلیظ حفظ هم نشانه راه بلر آورده در آن صورت مسرت سیاست و بیجای و آدوب های کتله، با هلاقی خود را می خواهد شد. اینشای هر چه وسیع تر حاد بیخونی این سیاست و زبانه های بیخونی میزند ترسین سلا می است که در حال حاضر در راهی ایستاده. لایق اصلاح سیاسی همه در وسیعتر این بخش آن اصطلاح گم

# محاکمه رژیم تروریست و اختناق در دادگستری

جلسات محاکمه ۱۶ دانشجو به اتهام تظاهرات ضد حکومتی در دادگستری تبدیل به تریبون برای افشای جنایات و زورگویی ها و ظلمت شکنی های رژیم می باشد. حصار عادلانه علیه دیکتاتوری به ثمرت و ترقیات خشمناکه شد.

۲۲ وکلای روشنگر آزاد بخواد دادگستری دفاع از ۱۶ دانشجو را به عهد گرفتار و طوطی زده نموده های ساله از حیثیت و دانش و روحیه و در واقع از حاکمیت مردم محترمانه و آزادی های اساسی اندیشمندان و تالیفات و افکار آنها را بکشد. در روزهای گذشته در دادگستری با دستان خیل جرمیت به دادگستری مراجعه می کردند تا محاکمه را داخل سالن راه یابند. مردم با خود روزنامه آورده بودند تا در زمین بنشینند و به صلوات ریزش بکنند. در جریان این محاکمه به بگزار و کلا ( محمد زبوری ) در دفاع از وکلای خود گفت: "خود منتهای آزادی های خود را از حکومت حاکمیت است. در این شرایط فقط آزادی های خود را کبیر ملایز و زمان بر آورده... اجلا به بازی و سوز با بازی دولتی نمی توانست مشکلات کشور را حل کند... هیولا بود که کار خودخواهانه و دردمندانه شان را در روی خفاکان قرمز و همدرد تروریست های راه می رساندند. آنها شکارگران و قتل عام می کنند و غلا سیاسی را می بویند می آورند".

وی افزود: دادگاه ها از بنده شده و منظره شده است. از دادگستری باید به دادگستری بازگردانده شود.

وضعیت در تمام اماکن از استان قم تا تهران به شکل است. اجتماعات و تظاهرات خلق قانون اساسی آزاد است و تظاهر علیه رژیم اساساً همین قانون اساسی را ضایع می کند، اما ما چنین حمایتی را نمی بینیم. اگر طوطی است محاکمه او که سرانجام به آتش سوزی سالها خیر به محکوم شدن است. از جوانان که اعتراضات نسبت به دیکتاتوری تظاهر کنندگان و نگهبانان غیر قانونی آنها را زندان ها و در لابلای روستا کنند و رژیم چنین تبلیغاتی می آید و در سالن محاکمه می بینیم.

گلکدر، یکی دیگر از وکلای دفاع در این محاکمه دستوری گفت: قانون، شرکست در تظاهرات را جرم نمی داند، به فرض محال اگر چنین باشد و این جرم سیاسی است و باید صلوات بکشیم در دادگاه حضور یابیم. اگر یکی به گفتن نیست، چرا از حضور بیاعتنا در دادگاه در دادگاه می ترسید؟" وی افزود: یکی از شملهای تظاهرات کنندگان این بود که "مردم از اختناق و خشم و تندیهای تنگ آبی آمده اند به یکجایگی این شمل خلی صالح طاعت و صلوات است؟"

مردم در تمام مدتی که حرف به شان از همان وکلای دفاع بودند

## مبارزه صفتی چگونه سیاسی می شود

حزب خود ایران که مزارع این دو جریان نامساوم را به طور می گزیند، هر آن است که در وقتها ما سازگارترین و نهایت مبارزه طلبان را انتخاب می کند تا ساله صلحان اجتماعی به استقلال یابد این همه می گذارد. اما احیای آنها در هر صورت با واقعیت های زندگی برکنی ندارد. طبق کارگری و زیدی با بهره دنی از تظاهرات بود که و بیکار بود، به دای که این صلحان در فریب در راه را ایجاد کرده اند. وی برود. حزب خود در همین حال منتهای است که کارگران را حفظ با توجه به تهیه و صلح آگاهی آنها و بدون گسستن از واقعیت بی توان و ضعیفی گرد و از اسلام و صلوات برای متحد ساختن و تشکل کارگران باید میان مبارزه اقتصادی و سیاسی، بیرون زنده بود بر فراز ساخت. در این مورد از فرصت های زمینه های مناسبی شمل بی توان برای بالا بردن سطح آگاهی انقلابی و زمینگان استفاده کرد.

"انگس" به شورای بزرگ زمینگان در بررسی جنبش کارگری گمان اصعب حمایتی و زمین کنند "بروز خبرگزار" در هرصورت عملی اهدافی سیاسی باید تولید و تأکید می کند. و همجواری و عملی زنده و تپانان سردار است:

" باید انضام داد که کارگران انقلابی، از نوابی و حیثیت خود با گردن نمی نامری استفاده کرده اند. از جنگ نام پیدا به جنبش کارگری و این نخستین بار است که مبارزه سیاسی تمام جبهات به گمان آن در جبهات تهرانی و سیاسی و عملی "اصفهان" ( مطبوعات در برابر سرمایه در آن طبق برانه ها شناخت به هم پیوسته انجام می گیرد. نویسنده در تشکل های سیاسی جنبش کارگری ایران و همین روز پیش خبرگزار گفته است:

می آید. آنها را تفریق می کردند.

میکار افزود: " یکی از رهبران جناح حزب دولتی دست برد مردم گرفته و گفته است: " آزادی بیان به شمار نمی آید، بلکه آزادی بیان با هر نوع آزادی سیاسی صدقه داری است؟ عبد الجبهد جبیدی گفته است: " فضای باز سیاسی درست می گویم؛ در حالی که هم او به کاندیدی می بیند و به اصلاح جلو انتقادات را می بخیزد!

وی افزود: " چرا از اعتراض می ترسید و چرا به آن نامردی مناسبت نا انسان اجازه می دهید که تریه برداشتن عیبه ما بنامین پلیس را غارت دهد در کتد. غلغله که با بچرم و شمل برای غارت نمی رود. چرا رعبه جوانان را خراب می کند... ما طوطی دولت ایران... ( در اینجا رئیس دادگاه که حدس زده بود سخن است نام شاه برده شود، متعصمان که در کتد کرد " اسم نبرد"! و وکلای دفاع با اسب صبیق ادراک داد: " فرزند اسم نبرد: ( ا ) و افزود: " آیا صرف انتقام می خواهیم به " تند بزرگ " بریم. " آیا " تند بزرگ " صرف طایفه ها و دلار بر این حفظ سرمایه داری و تفریق است آن؟! " وکیل مدافع دادگستری بیان در شرایطی که رنگ بر چه در دست ما چون پلیس می بینیم. بالا ساید های دادگستری گریه می زده است. مردم در راه داد: " به نسل ما یاد در ماند که هیچ وقت سوال ننگه است اما می توانست مردم را غرق بخورد و ترسانه بکشد. این است طوطی فضای باز سیاسی و آزادی! " در استان بر کتد خواست از شهبان برسد است: " به شاه چه عیوب است، چرا حرف می زید؟؟! " آرای دادستان اگر نمایان عهد را در داند، پس " آرمین بر خاندان " که دستخوری تربیت می کند که بر چه در حق و حقیقت باشد... " باجالت شدن قانون اساسی به دست فرقه زبانه در طوطی تمام جلسات محاکمه بارها بارها خوانند شد.

حسن گاشانی، یکی دیگر از وکلای مدافع ضمن افشای جنایات و ظلمت شکنی های رژیم به نال از عیوب گفت: " وضع داخل و بیرون زندان زنان زندان آلمان آن راه می داند. هر کس که دستخوری با شرف و جوان است، بزرگترین تشکله در آن زندان در هیئت خدایه حاکم شدن یکی از زنان زندانی توسط یکی از اجرام زندان بوده است... وی افزود: " صد و هرگز نه رای طوطی شهبان موجب ازین

## تروویسم دولتی محکوم به شکست است

مردم تریلی می بینند آزادی خواهانه مردم ایران هرگز دست بردارند و دولت تظاهرات اعتراضی و ضد دیکتاتوری سراسر ایران را در می زود و مردم رسوای گریا میبرد، در عیوب تلاش می کند که بدست زدن به امانت تروویستی و ایجاد حدیث برای بویست، هر کار به راه انداختن عیبه عیبه با بی طرفی های خدعه و تخلف رساندن و میزبان راه آزادی را در فضا کند تا شاید به این وسیله پایه های لرزان عیوب چند مناسبتی پیش از فریب حقی و محکم بر آنان در رود.

یکی از آخرین نمود های این تروویسم دولتی به یک گریه در خانه سه تن از شخصیت های معروف ملی میخانه است. در توسط افلاک ساواک و در زیر نام سانگلی " سازمان زیر زمینی انتقام " بود. سر واقع قسم و زیم و هراسان از دانش گرفته مبارزه ضد دیکتاتوری می خواهد از کشته گان راه آزادی و استقلال انتقام بگیرد.

در شب جمعه ۲۹ فروردین ماه در شانزده سینه سینه میزبانان و شخصیت ملی و وطن گشته اجرائی جمعیت ایرانی دفاع از آزادی و حقوقی بشر و دیکتاتور جمعی، شخصیت ملی و وطن گرائی جمعیت ایرانی

رفتن حرمت و در گسترش است. نقد هر کدام ناخاک هاروت گندست پلیس خود.

سبب افشای کرد: " قانون دولتی می گنجد به مردم آزادی و داریانده صورت مخالفان این است که این آزادی را قویا از مردم طلب کرده اند در این صورت با استاد به قانون اساسی، کسی که خود هر چه مردم است، چگونه می تواند به ما آزادی دهی؟! " کاشانی در تریلی می کند که مردم از سپهر رئیس دادگاه به تفسیر موضوع بحث می پرسیم می شد. در راه داد: " چرا این انتقامی کلا بی اساس است یا هر چه هم به شهبان نمی رسد. رو. در حالی که به شدت متاثر بود افزود: " این آزادی که به ما داده اند هرگز که به شهبان است. بطریق به شدت کنترل و حاکمیت و حاکمیت می بیند و در کتد از انتقام حاکمیت خود داری کند " چنان که رژیم را منتظر به بود به همین محاکمه نیز حلقه گیری کرد. در کتد جلسات دادگاه ۲۴ وکیل مدافع و شهبان از دفتر ریسر بملیه شرایط افتضاح می بیند و می بیند. هر روز که هاتن از دستخوریان مردم کتد با جزایستگان می بیند پت برها می دادگاه می مانند و چه در محل داریان محلی در داریان محلی کتد به طرفت حدود ۱۰۰ ناشایلی انتخاب شده بودند تا این نشانهای مشک از هر کجای اوضاعی " استقلال دادگستری " و " به اصلاح چکا که طوطی " می آید از آسیر ناپاید.

به گزارش خبرنگاران نوبت که در تمام جلسات دادگاه حضور داشتند و جریان محاکمه را روی نور ضبط کرده اند. در این از وکلای مدافع به جرم دفاع شانته و شهبان از شهبان و قضای به در گری های رژیم باز استند. در آواراه دفاع باز ماندند. به کلا نیز به انما کتد با فشر و تندی و کتد به در گشتی ویران شد و به آن می رود که به کتد محدودیت های کلی شیب و احساسات در جنگل و دیمیان سواره کتد کردند.

در آخرین روزهای محاکمه ما چون سواره کتد عیبه شده بودند در روزهای با ضبط در دادگاه حاکم می شوند تا در تمام محاکمه با ضبط صد تکرار کننده برای جرم آوری نورها را ضبط می کنند و به ما بیرون می آید که در دلی مردم با هوشیاری حقیق شدند نورها را دست به دست به حلقه از دادگستری منتقل کنند.

# ( تروویسم دولتی محکوم به شکست است )

دفاع از حقوق بشر و صلوات و صلوات ای که مردم در تظاهرات در تمام ایران و جمعیت ایرانی دفاع از آزادی و حقوق بشر در هیئت طوطی همزیان به بملیه ضلع در کتد شملانی را در آورد. همزیان ما این تروویسم هرمان دولتی در آزادی ساواکی دیگر حبیب الی بی جزای آزادی خواه و صلوات جمعیت ایرانی دفاع از آزادی و حقوق بشر را شب هنگام کاز نظیر برای خانه بردود و در میانان کاری طرحی حادث کرد هر طرف و شتم و خشمناکه قرار دادند و بیرون زنید جاش و فرار هرمان حلقه کردند.

همزیان با هیچ گری فر آینده جنبش ضد استبدادی و استقلال طلبانه خلق می شناسیم در حال اعتراض شاه به اتمام و میخانه تروویسم آسیر شمل خواهد شد به تندی خرد به سوسر حلقه و خواهد گشت، اما این نشانهای حیوانی تروویستی نخواهد توانست او را از بزرگ نزدیکی برهاند. بی شک در تروویسم و خدعه خلق او را روانه ناله دان ترخ خواهد کرد.

## تشکیل کمیته دفاع از حقوق

### زندانیان سیاسی ایران

کمیته دفاع از حقوق زندانیان سیاسی ایران در باز میگرد و بنا به دستور و اطلاع ای که اعضای ۹۸ تن از کمیته های مختلف اجرائی از جمله عده ای از سرشناس ترین روشنگران آزادی خواه و صلوات بر سر تریلی خود داشت ضمن اعلام موجودیت خود " کمیته دفاع از حقوق آزادی خواهان و صلوات " زندانیان سیاسی ایران خود را تشکل کرد و در راه آزادی خواهان راه پیشانی از زندانیان قضایی قدر و مهر خود می تواند راه آزادی زندانیان سیاسی ایران را با استفاده از انگیزه و زمین قانونی مدافعین ملی و صلوات اعلام نمود.

## اعتصاب در شوکت توانیر

کارگران و کتد در آن شرکت توانیر ( نیروگاه طرخت ) در اولیست هفته گذشته برای رساندن بانگ اعتراض خود به گوش مردم و صلوات دست از کار کشیدند و در صلوات تکرار اشتباه کردند. فصلی است که تمدنشان بالغ بر ۲۰۰ نفر بود و عیوب از اولیست منتظر هالیست متعصب با افزاینده رعب عیبه زندگی بودند. از سر انجام این اعتصاب در خواست خلقی نداری.

# مردم قهرمان تبریز خیمه شب بازی رژیم را سواگردند

بکنده هفتاد شش سالان رژیم شاه درست دولتمداری که صد ها زده تان سیاسی ایران پس از هفتاد سال تصاحب خدای درندگان، هر و این بار که دست به پستی نرم می کردند در مصیبتان مردم سه سده آمده افزون احتیاجی رفاه گله می پستند، به اشاره شاه به تبریز رفتند تا با امیرالمشایخ از پیش معلوم به خلق قهرمان آذربایجان درهن کیستی کنند.

خبرنگاران نهید که از تبریز به شاهد پوزخند مردم به این نمایش ضلعه بوده اند ماجرا که این چنین گزارش کرده اند:

از تبریز فرار قبل با اعلام سفر هیات دولتی به تبریز برگزاری خیمه شب بازی و رساندن مردم در کوچه بازار وقتی به میهمان رسیدند اولین کلا نشان پس از احوال پرس ای بود ناپلید (شاه) از روئی تیره...

خیلی زود سلی که فرانسویان ما، پامس یه این افزونم و که های دیگر رژیم در آن جمع شدند نصیبان خلق را طبع و رسم دیکتاتوری به مصلحت محکوم کننده زیر کنترل سواکه، شهروانی و لرتش فرار کردی.

مردم پانصد نفر از کلا این محرمه گوی رسوا گشته یی افتضا به کار خود ادامه می دادند.

به راستی هم خنده داشت، اگر در میان مردم با پامگی داشته اند ناپای به این همه تلاش برای به صحنه سازی سوره و سراپا ساختگی نبی داشته. از شب قبل از تا نبی و شرح انجوسای سواکه

بوی نمکنترول فرار گرت و مسافرت به تبریز توفی شد. سر نشینان اثر پورهای که روز نمایش وارد شهر شدند، تا ما جاتیمان سواکه و حال پامس و تبریز بودند که از تبریز می آمدند تا کارخانه این صنعتی های ادرات شهرهای مختلف آذربایجان که به نوره به تبریز آورده می شدند. بالاخره با تلا نبریز چند هزار نفری را جمع کردند و نماینده در محاصره سربازان تفنگ به درترو پاسانهای اطلمه به کمر صدها مامور سواکی اعزامی از تبریز آغاز شد.

در تمام لمعاتی که این نمایش ضلعه ادامه داشت فضا به شهر پسته بود و مردم به شانه اعتراض یکبارچه به این خیمه شب بازی برخاسته های خود مانده بودند. در حقیقت شهر یکبارچه در حال اعتصاب بود. همین جا مگر نم توانیم گان زبان ستولان شرکت سواکه بوی با گوش خود مان شنیدیم که:

به کلیه شرکت های مسافربری دستور داده شد تا نماینده های مسافرت خود را لغو کنند و اتوبوس های خود را در اختیار ماموران سواکه بگذارند.

کارگران ادرات تجاری شده بودند اگر در این نمایش چند نفر شرکت نکنند حقوق یک ماهشان توفیق خواهد شد. به آمیزش کلهای پرستاری و مدارس دخترانه دستور داده شده بود و به نایبی از پرستاران و دانشآموزان عزیز دختران را میدان تمام تبریز میخواندند. در آستانه برگزاری نمایش ناگهان تمام ادرات شرکت کنندگان رومافرا تبریز نهاد.

سواکه ترتیب کل را چنان داده بود که بین جایگاه سخنرانی و اولین گروه حاضران که دختران مدرس بودند نزدیک به ۳۰ متر فاصله باشد. بین دختران و اولین صف حاضران هم نزدیک به ۱۰۰ متر فاصله بود. جایگاه هر سله های خیمه شب بازی به ترتیب بیشتر از ۱۴ متر از جمعیت فاصله داشت. اولین صف را ماموران سواکه تشکیل می دادند که به آنها لباس کارگران و در هفتان را پوشانده بودند. بعد از این که پارس سکه های دست آمیز گارتنند، اگر آپرام جمعیت شروع به حرکت کرد. آنها که ناخوانده آمده بودند در میان جمعیت حاکمیت بودند که کار آغاز کرده بودند. آنها در حالی که با سرسبزده ماموران سواکه محاصره شده بودند داشتند به زبان خود حرف میزدند هرگاه طبق فراتر می باید سواکی ها را با سواکی ها و سرسازان به مصلحت شعار مرام فریاد می دادند که می شنیدند و فقط از زبان جلوی جمعیت این گمان انگیز به گوش می رسید. آن هیا لیسحه لات تبریزی! افسر جهادی پارس ها بیشتر می شد و جمعیت اعتراض خود را با تکان خوردن شمشیر که چمن سوجی در میدان حرکت می کرد و صفی جمعیت را می خودی برد، نشان می داد. حال رژیم که خیمه مکن العمل مردم شده بود به پشت زده ماموران به نخست وزیر که رنگ به رخ نداشت اطلاع دادند. ارتشبدت گس خانگی شاه به سرعت بر ناله رانند و جمعیت با نقشه قبلی حلقه محاصره را تنگ می کرد. اگر تبریز به دست شان می افتاد! به سرعت بر ناله را گوناه کردند و بیست بر ناله سخنرانی حذف شد. در این مدت جمعیت بر فشار خود افزود. نقشه حد می بود که ابتدا فاصله ۱۰۰ متری صف اول با دختران مدرس برسد. هیچ چیز نمی توانست جلوی آن هار بگیرد. در فاصله بعد جایگاه جمعیت از پس رفت جمعی از سواکی ها که حلقه تر از همه ایستاد بودند سعی کردند با فشار دادن مقابل جلوی جمعیت را بگیرند. اما این کار هم می ناپد بود. وقتی نوبت پارتی آذربایجان نشست زیر سوره فشارهای حساب شده مردم جایگاه سخنرانی را به فرزند آورده بود. کار تمام بود. دست مردم داشت به گوی نوبه شاه می رسید. از سوی دیگر آنها که در وسط میدان بودند سله های سوری در زمین های نملوبین روی آن نصب شده بودند گام می دادند. در نتیجه همه شعار بر پارس هد بان آور زگار به صورت لوزان خیمه و پخش شد. گراز های شاه با بانوم جان جمعیت ریخته و درست در همین موقع نفی نلوژیایی بر ناله بر اثر زرد خود مردم با ماموران قطع و لفظا پند بر سه مراسم بعد از پخش خواهد شد. به این ترتیب توطئه رژیم فریه محکمی خورد. اما کار به این جا تمام نشد. گزارش های شاه گروهی دستگیر کردند و بر بردن اسامی تازه آغاز پاسخ دندان شکن چلی بود. خبرنگاران نهیدی نبودند در حالی که آموزارک همچنان پارس مکرر آن گروهی که در میان سواکی ها بودند و نمی توانستند حلقه و محاصره را بشکنند به باری ظاهر کنندگان بپایند در سکوت کامل چرخیده و بیست به جایگاه کردند بودند. چند لحظه بعد آمیزنگار ناچار به پارس خانه داد و دسترا ویی کولش گشت وقت گذار. از کسانی که زیر ضیاعت بانوم افتاده بودند همه صدها را احتشام قرار داده بود. شهر قهرمان در محاصره ارتش سواکه و شهروانی هم با ناله اعتراض خود را به گوش همه رساند.

## ۳۰۰ مأمور گارد شهریانی که حاضر به کشتار مردم نبودند

### از خدمت گوار کردند

تجاری در مشتاقان فاشیستی شاه به نظارات آرام مردم شهرها و نظیر کشتار مردم می دفاع می تبریز، یزد، جهرم، اهواز علاوه بر خشم و ترس که به پیش از تبریز در میان مردم برانگیزد و در ارتش نیز اثرات خود را به صوت های گوناگون نشان می دهد. ناراضی شدید قشرباشی ارتش از فرمان جز گرفته نامرئیه دران و سربازان، هر روز به شکل بروز می کند. آماده باش ماموران شبانه روزی و غیر قابل تحمل اخیر در ارتش نیز ناراضی را تسبیح و تشدد کرده است. خبرهای موثق حالی است که در یکی از این پند بهترین ارگان ها بولامد های رژیم پلیسی که برای مرکز بی مردم صفر و زار از بخواه تلقین می پستند یعنی در گارد شهریانی و عصیان ارج گوی که برزده است. از زیست سال پیش تا کنون که اعتراضات و تظاهرات دانشجو میان مردم در عرصه دانشگاه ها و خیابانها و کویچه بازار بالا گرفت، گارد شهریانی همواره ماموریت سرکوبی و اراکام اول به عهد داشته است. در این مدت حدود ۲۰۰ تن از افراد گارد شهریانی ناپدید شده اند و از آن نشان در دست نیست که به احتمال قریب به یقین این عد فرار را بر فرار لباس پامس درنده رژیم و تمل فشار کانونگنهای پیشانی و حلقی های بخور و سحر و سحر از همه زیر گویی بالا درستان در زمینه ایجاد به سرکوبی شهروان هر حرکت اعتراضی مردم (این وجه و

بهر حیوان) ترحم داده اند. گاردی ها ۴۴ ساعت آمده ۲۴ ساعت در عرضی اند، اما به هنگام هر جنبشی از سوی مردم این آنان هستند که باید می دید و شرط مردم را سرکوب کنند. گاردی ها از میان ناگاه ترین افسران که به نظام گریزی می آورند، انتقام می شوند. شرط اصلی انتخاب افراد گارد شهریانی پرستاری بودن کردن کفایت به اصطلاح بی کفایتی و نیز سادگی شخص است. این عد در دشواری ترین شرایط تعلیماتی، با کفایت ترین حرفه های تبلیغاتی آماده به اصطلاح تبریز با شورشیان می شوند. به آنها حلقه می شود که تنها به سرکوبی کسانی می رود که ضد دارند حلقه تان را قطع کنند و مامور و خواهران را مورد تجاوز قرار دهند. فرماندهان آنها آزاد بنواهان و شایان خلق را شکار می کنند تا از سق ترین احساسات آنها سواکه استفاده کنند به انجام اعمال نامعنا گریزتان سازند. فراری شدن حدود ۳۰۰ تن از افراد گارد شهریانی در دس ماه اخیر به دلیل به سلسله اعتراض، فرار و ناهرمایی، توحش به مافوق بصیحت و نیت و سخت و غیره، در ارتش صورت امرو هادی در آمده است و ثابت می کند که رژیم حتی در آمیزش گاه خود یعنی ارتش نیز تنها تکامل های صفی ریز کرده و پایه های خود را بیش از پیش لرزان می پند.

با آدرس زیر کاتبه کنید:

Sweden  
10028 Stockholm 49  
P.O. Box 49034

حساب بانکی ما

Sweden  
Stockholm  
Stockholms Sparbank  
N: 0 400 126 50  
Dr. Takman

## چرا باید مردم را به گلوله بست؟

به دنبال حادثه خونین تبریز در ارتش هرات صدهای به نظر و به کارگویی افراد و پرسنل نظامی وضع شد. این مقررات که تا چند روز به شدت پررنگ بود و همین هم در برخی از واحدهای حساس ارتش اعمال می شود، روزگاری بر ارتشبان به ویژه در های پامس (افسران جز و درجه داران، سربازان و پرسنل اداری) سباه کرده و سوره ای آن هاراد آورده است. در کتبه ادرات ارتش از ۲۹ بهمن (روز کشتار مردم تبریز) آماده باش اعلام شد. از آن پس همه روزها و دو سه چهارگام هر سازمان بولامد نظامی و اداری ارتش باید از ۷ صبح تا حدود ۱۰ شب در محل کارشان حاضر باشند تا در صورت وقوع حوادث به کار گرفته شوند! مرغی کتبه افسران، سربازان و درجه داران نیز در ارتش به کلی لغو شده و حتی آنها که در عرضی بودند

# متحد شویم و رژیم ضد ملی و استبدادی شاه را سرنگون کنیم!

## کارگران ایران،

### در مبارزات سیاسی و صنفی پیشگام باشید!

(اعلامیه کمیته مرکزی حزب توده ایران بمناسبت اول ماه مه)



لنینیزم، لنینیسم، لنینیسم خرد است

### آموزش لنین جاویدان است

۲۶ آوریل (۱۲ اردیبهشت) صد و هشتاد و دومین سال از ولادت مظهر انقلاب (لنین) است. یادش بخیر، نامش عارفانه است. رهبر خردمند انقلاب کبیر و آرزوگار همه زحمتکشان جهان است.

لنین، این دانش نابغه و پیشرو سازماندهی و نخستین انقلاب پرولتری پرورش داد که در نخستین دولت کارگری در دهاتی جهان مودت بود با انقلاب به حد اعلا نضه، یک فقر الماده، ماده و فروشی، بی نهایت بر کار، با مالون، خنده خنده ناپدید، با ظن کمالاتی نامحدود، با عجلت و صحتی بی انبساطی نسبت به انسان زحمتکش و آشنایان، به هر گونه مستم و استعمار.

لنین با مضمی ساری مارکسیسم و انطباق حلای آن با شرایط خاص امپریالیسم و انقلاب های پرولتری و راه پرولتری انقلاب کمونیسم را نشان داد و آن جنبی گدار از سوازمایه داری، سوسیالیسم را کند و، که در تشریح کامل صمیم جهانی سوسیالیسم به موجود آمد، حشر کارگری و کمونیسم جهانگرد شد، کاج نظم نامی استعماری کهن فروخت و حشر آزادی بشری، صحت بی سابقه یافت. اص بر روی های بزرگ نامه بسیار به بین فعالیت و آموزش بر بار رسیده ان لنین است. لنینیسم ۳ پرده آن نیروهای انضامی است که رسالت تاریخی آنها استقرار جهان نظامی و در حشر جهانی است که از هرگونه استثمار و ستم اجتماعی اقتصادی، مطلق برادر و حشری میزبانند و در راه آزادی انسانی و تکامل که نامش سوسیالیسم و کمونیسم است.

نام حامد ان لنین بزرگ پرده نظم بین تمام نیروهای است که در نیرو طبع امپریالیسم و ارتجاع مچ در راه صلح، ترقی اجتماعی و نوگرایی و سوسیالیسم بشری درده، هر چه که مطلق مردم خروشی و امپریالیسم و ارتجاعی خرد نه و بزرگ نامه، در سراسر کره زمینی پرورش داده افراشته خواهد شد.

بزرگ و فراز صفت خود در سالهای ۱۳۵۴ و ۱۳۵۵ سد سکوت را شکستد و راه بلوزات اجتماعی را نشان دادند. دهها تن از کارگران مبارز شهید و صدمات تن زلفانی شدند. طبقه کارگر ایران با این مبارزات یکدیگر دیگر خصوصیت یکبار جویده خوش را آشکار ساخت. اکنون که مسئله وحدت عمل همه مبارزان ضد فیکتوری در راه ایجاد یک جبهه وسیع در دستور روز قرار گرفته، شما کارگران ایران، بیداریه و باید چنانکه شایسته علم اجتماعی و پرولتری و سوابق مبارزات

کارگران و زحمتکشان ایران! کمیته مرکزی حزب توده ایران، حزب ضيقه کارگر ایران، جشن بزرگ و پرست اول ماه مه، روز همبستگی و نمایش پرشکوه نیروی کارگران و زحمتکشان جهان را که اصل نومین سلطنت خود را بر گزار میکند، بشما از صدم قلب شادباش میگوید. کارگران و زحمتکشان جهان، اسامی این جشن را در شرایط برابری دارند که کشورهای سوسیالیستی در جبهه کار صلب و ساختن جاده نو به سمت دهلی بزرگ و کونا کونی ناقل آمده اند. در حالیکه در کشورهای سرمایه داری تضاد بین کار و سرمایه، تضاد درونی بین امپریالیستی جهان و آزادی پرست آوردن سود بیشتر تشدید میشود و اقتصاد سرمایه داری با مشکلات کونا کونی دست گیرین است. انصاف پیروزنده کارگران و زحمتکشان در آمریکا، انصاف وسیع کارگران صنایع چای و صنایع فولاد در آلمان، انصاف چند میلیون تری و زحمتکشان در فرانسه و ایتالیا در سال گذشته دامنه و شدت سیاست مبارزات سندیکی را قیله انصاف های آزنده امپریالیستی نشان داد. ما در عین حال در جهان سوم شاهد گسترش مبارزات خلفا در راه استقلال واقعی و ترقی اجتماعی هستیم. کلیلهای درخشان غنچه افراشته آنگولا، در موزامبیک، در جبهه که بابایی و پشتیبانی همه جانبه کشورهای سوسیالیستی علیه امپریالیسم ادا تکرار بلست آمده، نمودارهای از پیشرفت پرولتریزم نیروی غنچه، جهان سوم، برای رهبر از جنگ استراتژی و غیرت کارگران امپریالیستی است.

در همین ما ایران، وضع اقتصادی و اجتماعی کارگران و زحمتکشان و کشمکش مختلف غنچهی کشور، در سال گذشته بازم دشوارتر شد. رژیم استبدادی شاه که از مقاصد امپریالیسم، پروژه امپریالیسم آمریکا پیروی میکند، باره زینتهای غیر لازم نظامی و غیر نظامی کلان تسلیحات را که سنگین بود، بازم سنگین تر کرده است. بدستور شاه بی باغ هنگستی از فراموشی این محترمین تروت ملی سرزمین ما و هم چنین منابع ملی و نیروی انسانی ایران به امر تسلیحات و اجراء تبعات نظامی در قبال امپریالیستها، انحصار یافت. این تبعات و هم چنین با اصلاح تکنیکی که در اثر برنامه ریزی نژادی و ضد ملی و خرابکاری های کارگران داخلی و خارج وجود آمد، تولید را در کشور مفلح کرد که یکی از نمونه های آن در سال گذشته: زردون، انرژی کافی برق بود. هم چنین تکیه رژیم به وارد کردن کالاهای مصرفی از خارج چنان آسیبی به تولید داخلی وارد نموده، که مجموع تولید صنعتی تابلج در سد کشت یافت.

همه این هرج و مرج ها، وضع کارگران را دشوارتر کرد و بیبکاری اجباری در مؤسسات تولیدی باعث شد که مبارزه های دراز مدت و دشوار کارگران کاسه شود. در عین حال رژیم شتابانی در سد بالا رفت و این خود قهرت خورید دستمزده ناچیز کارگران و زحمتکشان را، بازم پایین آورد.

رژیم استبدادی شاه بی باغ، ضروری نشانی از سیاست ضد ملی و ضد خلقی خود را به حسب ضيقه کار و تشدید استثمار از این طبقه جبران کند: شاه و دیگر سرمداران رژیم از ضرورت بالا بردن بهره داری را به تشدید استثمار هم میزند. رژیم با توسل به این ناه انضامی و متشنمه کاره برای کارگران صنعتی و تجدید نظر در قوانین و آیین نامه های کارگری، میگوید ضيقه کارگران ایران را بیش از پیش در زیر شکنجه قرار دهد. کارگران ایران در سال گذشته نیز مدینه سالیانی پیش به فکر رژیم و کارفرمایان باتدبیر مبارزات انضامی با سع دادند. اعتصابات کارگران در

تهران، اصفهان، تبریز و سایر نقاط دیگر نمونه های از این مبارزه عادلانه و بحق و قانونی کارگران است. رژیم مردم سیاست ارغاب و فتنه توانسته و نفاهد توانست از این مبارزات بحق جلوگیری کند.

# این صدای گامهای موزون پرولتاریای ایران است

بقیه کارگر و مزدگر. جری احتماعی و ضلعان ایران شده است. این واقعیت در کار همه آثار و نشاطی که به هم حسیز نو دهی و انقلابی، حسی مجاری آرزو، به نشانی گروه آهسته، به تمسایل در راهها در جامعه مانده هم مورد در برابری می بیند تحول تمامه. دیوکرانیک و کسور به فراهم آمده است. صلح بدون شرایط مادی و به هم خوردن توازن و تناسب نیروهای طبقات اجتماعی هنوز به معنی آن نیست که هدف و جوش میوه رسیده و جبهه ای در راه ماست. رگای استعداست دراز کشیم، بنا آن را در خنند داشته باشیم. این تمسیر تناسب نیروهاست که به معنی میباید شد. امکانهای طبیعی است که بی آن نیتوانه انقلاب بی باروت و سپاه تنگنوی ساز بود و زخوه و آبادی است. اما از امکان تا واقعیت راه درازی است. از طرف دیگر به هم خوردن توازن نیروهای طبقات اجتماعی در صورتی که در برابری حسی و قضای و محوری کشور ضعیف

تنبهادر سال گذشته در حدود ۱۱۰۰ انصاب بزرگ و کوچک و نمایش اختراعی در کارخانه ها بواد های تولید و کشور نداد. امریان درهما جور از این انصبانات در نشریه نهضتگر ششم. این یک رگورد تازه بود که درجه آمادگی فرازنده عیازاتی کارگران را در شرایط تور و اختناق هاواکی نشان داد. اگر چه محتوای این انصبانات و حرکت های اختراعی حد تا اقتصادی یعنی بود. اما نباید حکم درامانه لنس را از یاد ببرد. هر جواز صفی تا حدی سیاسی است. "حدا سیاسی بودن یک فعالیت صبی بستگی تمام به شرایط اقتصادی - سیاسی جامعه دارد. آن حواس انگیزه و هدفی که در شرایط یک کشور اروپایی که از آزادی های بورژوازی برخوردار است، صعب تلقی می شود، در کشوری نظیر ما بیشتر یک حادثه سیاسی است که بلافاصله باجای حاضر و آماده هاواک و جنت و در نماند پس او رنر تود سیسه های رهپو جبهه می شود. از این دیدگاه است که انصبانات و نشره ها صفی طبقه کارگر ایران، از ارزش و اهمیت ویژه ای برخوردار می شود. برای همین این نشریه به عنوان مرحله جدید غیز و گسترش جنبش ضد دیکتاتوری، ضد امپریالیسم و دیوکرانیک خلق های ایران به - حساب می آید. اما غالب تر درجه ویژه به بخش است که حرکت های اختراعی کارگران در ماههای اخیر در پیوند نزدیک با انقلابی جنبش و نظارات وسیع توده ها و نیروهای

خزقی علیه دیکتاتوری نهضتگر رژیم شاه - ساواک - به طور عریان حلوه های سیاسی خود را در پاره ای نقاط آشکار کرد. این حلوه های نیرو سیاسی کارگران در طعمیان خویض و قهرمانی تبریز و نظارات وسیع خیابانی در اصحاب و تهران و کاشان آشکار شد. در تبریز با مود آن که دستگها را بلند کرده های تبلیغاتی رژیم گمشده اوج و دامه طعمیان مردمی - که شرکت گمشده آن تا ۱۰۰ هزار نفر تعیین زده شد - کوچک و غطفلی نشان دهند، با مود آنگاه که یک دهم یعنی یک بیستم تعدا انطباق واقعی نبود مردم با رژیم و در روزگاره های ساواک زده و وسایل ارتباط جمعی دولتی ضعیف نشد، باز هم در صان نام حد ها مروج و منقول و بازداشت شد. حادثه که به مثابه ستیاز خورار به روزی ماه های گوسفندی در زنگرد، نام و ضمهات درهما کارگر وجود داشت. صس دلیل مختصر و نشان حضور وسیع کارگران در جواره روز در روز چرخشان مردم تبریز با رژیم حد خلق شاه بود.

نظارات سیاسی مردم اصحاب در جایگاهها - که در رفیق اله ان شماره ۲۳ بود جای نماند. از صحبت وسیع کارگران برخوردار بود، همان که تا صان موقع ترمیم کربیم که به بهترین از نظر کندگان که تاشیقات صلیبا، معروف رژیم را خورد حله حشائین خود قرار دادند. از کارگران اصحابی بودند. در کاشان هزاران کارگر که اکثریت آنها را کارگران کارخانجات حمل سازی تشکیل می دادند، کارخانه ها را تعطیل کردند تا به تظاهرات بزرگی که به ضامبت جهلم شده ای تمیز برگزار شده بود. به نتیجه رسید. کارگران کاشانی در این روز حتی اقدام به انتشار اعلامیه ضد رژیم کردند.

البته هنوز انتشار بسیار وسیعی از کارگران از محیط در هفتاس و پیشه روی ستیگلا حد ا شده و پیش های بزرگی از آنان را احسل اولیه درک طبقاتی و تشنگ صعی و پولتوری رای گردانند. اما این حال وجود بهتر از یک طبقی کارگر ماضی، بهد این جنبش هزار کارخانگی که تعدا کارگران آنها بیش از ۱۰۰ هزار است، صدها بنگاه و توسعه عدیم تولیدی نظیر ذوب آهن، نفت، راه آهن و غیره، که در هر یک از آنها از هزار تا پنجاه هزار کارگر به کار مشغولند، شرایط طبیعی مطلوبی را برای حالت موثر کارگران در حیات اجتماعی و سیاسی کشور ایجاد کرده است.

اگر چه در این جنبانات و دیگر نظارات صفی و سیاسی کارگران محدودیت داشته سازمانهای سیاسی طبقه و مضمرانان ده رهبری کنده آن به مویی، محسوس بود. و این ضعف هموار نقطه در درک و آسپید در جنبش صعی خلق های ماضی - با این وصف صدهای اختراعی و حرکت های پراننده سیاسی به وضوح برده شد. جنبش کارگران را در که به حال رسوب حاصل صلیبمیز آجوزش های حرب سیاسی او در طبقه ۳۷ سال فعالیت و یک کار، در آن لایه های محجم سیاسی ایجاد کرده است و نشان می دهد. مهم ترین که این دماها و حرکتیکار حویانه در حال رشد و تزوامه است و صص میزان هوشیاری و آمادگی قیوم الماده طبقه کارگر ایران را برای تشنگ، اصحابی سازمان های صعی و سیاسی خود - اصحاب

سسی، می گوید: کارخانه ها - محسوس مرکز سیاسی جامعه اند. وجود حسی ماضی در دست طبقه کارگر ایران که معارض صوابی سازمانی، از انطباق شرایط تازه امروز برخوردار است، به آن معنی است که این ما با مهارت، صعی و سیاسی خود، موثر تر از هر طبقه دیگری می تواند به صان با رژیم حاکم برخورد داشته شود. در دیو اشتیاق در دست این طبقه است. حق از این نزدیک تر به پایتیم و هر چه درون هرگز رژیم استبداد را بید و وجود این نیرو حس و موثرند.

حسی است که ایران با نتیجه کرب بر نتیجه کارگر و جنبش انداز های وسیع و بی حدی در برابر خود دارد. حرکت های روز افزون - لسانی صعی که گاه به گاه به صوه اقتصادی خوبتر می شکند و چه چه سیاسی به خود صکورد، میوه این نظر است. این واقعیت نشان می دهد که صص کارگران ایران با شباب زیاد، به صوی ضدهای اجتماعی و شناید و آمادگی به در فتن آن نشانیها و زور پرورنده های که تاریخ به میده او کرده است و هیچ طبقه و نیروی دیگری جز او امکان و ظرفیت و استعداد انجام آن را ندارد می شود.

سازمانها و اتحادیه ها در هر دو جنبه در سبک خیزند. از این واقعیت نشانی که حسیست و حسیست ها و روشنگران انقلابی به ویژه مناصر آگاه کارگر باید به آن توجه دقیق کنند و از این آمادگی صعی و شرایط مساعد روحی آن برای مظهر کرس هر چه بیشتر حقیقت به

شویون راهگشا و انطی ای او. تعدیل حرکت های صعی و مطالباتی، سازماندهی، سازماندهی و تشنگسل ساختن توده های کارگر در سازمانهای نیمه صعی سیاسی، بهره برداری کنند. خاموشی صلاه سخت راه ایی بخش خلق های ماضی جنبش کارگر ایران در این فضای حاسم و ترکی صبرگز است.

## کارگران ایران، در مبارزات سیاسی ...

شملت " نیروی انسانی چنین جبهه ای باشد. جبهه مشترک و وسیع طبقه کارگر و دیگر متعین او در شهر و ده جنبش ضد استبدادی مردم ایران را وارد مرحله عالی و قطع خود خواهد ساخت. مبارزه علیه استبداد و سیاست ضد ملی رژیم های استبدادی در کارخانه موزولان نبرد های طبقه پرافتخار کارگر ایران همیشه وجود داشته است. این مبارزه امروز باید بتواند عمده ترین وظیفه سیاسی جنبش دیوکرانیک مردم ایران در هر روز توجه قرار گیرد.

رژیم شاه برای جلوگیری از گسترش مبارزه ضد دیکتاتوری، مانند همیشه، با مود عیب و قربیب تمسول شده است. از طرفی برای خوبت کشیدن و گولوه بلران مبارزات مردم در تهران " تبریز " قم و دیگر شهرها و نشان دادن جلوه ای بر بروت و سدیست، میخواست مردم بیجان آمده را بسکوت و تسلیم واگذرد. و این مبارزات، بویژه مبارزات وسیع مردم تبریز و شمل هیاتی که در این مبارزات علیه شاه داده شد و سنگبار جسمه او، بیخونی نشان داد که بیست شاه مردم در حق و عقیق و زندگی وجود آمده است. از طرف دیگر رژیم با یکسکله مانورها و تظاهر به عقب نشینی میخواست این بنابر اصل را بوجود آورد که گویا روش خود را عوض کرده است. مبارزات ضد دیکتاتوری بدون شک نه مرعب میشوند نه منجمد. بلکه با ایجاد وحدت در صفوف خود مبارزه را تا بازانداختن اشتیاق و ایجاد وضعی که موافق خواست اکثریت مطلق مردم ایران باشند پسر سخن ادامه خواهند داد. شرایط داخلی جمله بولتیمیر نسبت نیروها بسود موقتی و دیوکرانسی و سوسیالیسم در عرصه جهلی، برای بیشتر از این مبارزه دوزخمانی امید بخش ایجاد میکند. شما کارگران ایران باید در این مبارزه مقدس مانند همیشه فداکارانه شرکت جوئید و با نیروی عظیم خود به رژیم دیکتاتوری خیانتکار و جایتکار محمدرضاشاه خاتمه دهید.

- کارگران و زمامتگشان مبارز ایران!
- فر راه سرنگونی رژیم ضد ملی و استبدادی محمد رضاشاه مبارزه کنید!
- با سیاست زاینبار تسلیماتی که ثروت ملی را بر باد میدهد و بیخی دستن و کودکتی و بیپوستی در ایران کوهی سلاحه را انباشته میکنند و برای خروج مستشاران امپریالیستی از کشور ما مبارزه کنید!
- مبارزات سیاسی و اقتصادی را بهم پیوند دهید!
- برای آزادی سندیکالی، برای دفاع از حقوق صص خود در زمینه مزد و مسکن مبارزه کنید!
- عمل تقیادر ستیاز را طرد کنید و سندیکا های واقعی خود را بوجود آورید.
- از حرب انصبانت و تضاد هارت سیاسی بشکل موقری استفاده نمانید!
- برای آزادی زندانیان سیاسی و از آنچه کارگران زندانی و کشت بخشوده ایی آنها مبارزه نمائید!
- پروچ مبارزه را سربلند نگه دارید و بگرد حزب توده ایران حلقه زندی!
- زنده باد طبقه کارگر ایران!
- فرخنده باد جشن اول ماه مه " روز میهنیگی و نمایش نیروی پرشکوه کارگران جهان!
- کمینه مرکزی حزب توده ایران
- فروردین ۱۳۵۷



پیام کمیته مرکزی حزب ...

دولت رستا خیز است به ایماح کمیته های اقدام ملی زندگانند... هدف رژیم از این کار روشن است: هدف، مانند واکنش های دیگر رژیم علیه اجتماع کارواستراکنی، اجتماع دانشگاه صنعتی تبریز...

تحرارت همیاهای اخوانارشان داده است که ایس زیم رسوا در قمار نیست مرد آمرمت و دست مرعوب دارد... زیم تیرم کرم بر او با باره ودا اگرس و سرشت و بیگونی در ساز...

مسرد ایران هم میسبان گراسی!

مساحت ارحدو گذشتی در نام مارازتصا هرات صد رژیم شرکت کید و رانوست بخدمت وری هدف های به مسس خویش به مسهر براند احتی زرم استبداد آید تا به دیوانه بریزد!

کارگران و زحمتکشان سپهر ده!

شما میبتریز کردان خلق رختکار ایران هستند ودر خود نام و نام خانوادگی خود باید پرچم ارجمندی خلق مردم ایران باشد... هم نیروهای دیگر ایچا کید!

سراسازان، درجه داران و افسران سووهای مسلح کیم!

هرگز فراموش کنید که بخش اعظم مردم ایران هستند... و شما خدایان شراره مکتوب کید که بخش مردم که در استقلال و آزادی ایران تیرمی کنند لایق نباشد... به صفوف مردم پیوسته و با دشمنان مردم با تمام نیروی دشمنانه!

موساسان، دانشوران و روشنفکران مبارزان!

خوش شما در ایشا رژیم تخلیل صحیح حوادث تفکر میسوزی است... در هر حال خلق در مبارزه شرکت خویشد تمام سووهای خلوقیری از برهه و در اندک و دست خلق سووهای صد و یکتا سووری لایق نیست! تنها دست فصل سووهایست که می تواند برود پیوسته استبداد علیه!

پشیمان و پشیمان و گسایو سووهای ایران میسب پرست!

تیرمه نصحت های مختلف در کشور نقش میز ششارا رجهاره طبع استبداد استعمار بارهاشان در ماست... سبب استبداد استعمار میسب تر است... سبب استبداد استعمار میسب تر است...

انحصار! انحصار! انحصار! انحصار! انحصار!

انحصار... مبارزه... پیروزی!

کمیته مرکزی حزب توده ایران

۱۳۴۷ - فروردین

(لینن داکور مارکسی زندگانه کوتاه و شرفدار مبارز مارکسی)

از انتشارات حزب توده ایران ۱۳۰۰ و ۱۳۰۱

در گفتگو با مارکس با همه سنگینی و همه سنگینی جهانی کارگری

و سوسیالیسم بود... انگلیس در سوگ مارکس، مردی روزگاری شد

این نامه بزرگ نوشت:

بشرفی با سووگرن کوتاه ترشد... بعد از همه ترس

سری کسمر ما داشت...

اما آموختن طبعی... مبارزه و سازمان مارکس با گفتن زبان

کمال و نوای با زنده بپشتی بات و جهان میسوزد و دست... بعد از همه ترس

و یاد اراد و دانشنامه و انقلابی سرتکه قرین ما باقره کده و همه

امپریالیسم و انقلاب های پوزیتیو در ساز کرد و بر امر امرای پیروزی نظام

نویسند و آرمانی سوسیالیسم و گونیم کید و اوگین در دوران گذر از سرمایه داری به سوسیالیسم... مبارزه با کام های بلند... پیوسته استوارانه

شکنجه گاههای شاه به کوچه و خیابان منتقل شده

جنون قساوت و ذلت و اوج و بانگی رایگه حا در نبود جمع دارد... هر نام و در سیمه و جعلی نظیر... کمیته اقدام ملی... کشته شدن... کشته شدن... کشته شدن...



ترا چند رنگی سهارت که به ویژه در مکتبات مارکس و انگلیس به روشنی شرح شده... این کتاب تا در ۱۳۱۳ منتشر شد... به این نیهات تشاق بود... اجتماع به راستی جان مارکس و جانورده اش...

در وقت رونق جنبش های دموکراتیک در پایان دهه... هر دو دهه... ۱۰ بار... مارکس... کتب... کتاب... کتاب...

پس از سقوط کون پارسی که مارکس آن را آن چنان صریح و صاف... در ضمن... انگلیس و انگلیس... انگلیس و انگلیس... انگلیس و انگلیس...

گاستنگین در انتشارات و کانسنگین تزویجیه... ستر سوسی... مارکس را کلبی ازمه باشد... کلبی ازمه باشد... کلبی ازمه باشد...

سپاسمند به بیاند از برای اب و تپید به وشکنجه در کوچه ها و میدان ها... نشانه تشنگی... تشنگی... تشنگی... تشنگی...

کارل مارکس ...

مارکس در ۱۸۱۸ در شهر کربن واقع در آلمان متولد شد... در ۱۸۴۳ در برلین به تبعیت از پدرش مهاجرت کرد... در ۱۸۴۸ در فرانسه به تبعیت از پدرش مهاجرت کرد...

تولد یله ترس و سخن پنهانی اثر در آلمان و انقلاب نظریا و روشنفکر شد... مارکس در مقاله های که در این مضمون نوشته بزرگان جنبش انقلابی است که "انتقاد گرامان از سرتیاری وضع موجود و از فلسفه انتقاد اصلاح" اعلام برآورد و روی سخن باندیدهای پروتاریا پاراد...

در ۱۸۴۷ حساب خود را با ایچا تصدیق کرد و در نبرد شد به علیه سبکبازان سوسیالیست خود... پیوسته پیوسته سوسیالیسم پیوسته پیوسته سوسیالیسم پیوسته پیوسته سوسیالیسم...

وقتی انقلاب فرجه ۱۸۴۸ آغاز شد... مارکس از بلژیک فرستاده شد... در ۱۸۴۹ در برلین به تبعیت از پدرش مهاجرت کرد... در ۱۸۴۹ در برلین به تبعیت از پدرش مهاجرت کرد...











**برای آگاهی هواداران حزب**

ما یکبار دیگر بروشنی هواداران حزب را در همه جا آگاه سازیم و بکنیم بر اساس رهنمودهای سازماندهی گسترده انقلابی توده‌های پیروز آریه و با مرکز حزب: **فلس-برنسر-اور** سازند. برای برقراری این تماس با هنگامیکه وسیله **کاملا** اطمینان بخشی بپسوند نیامده تنها بنام مستطیر و بدون نام همکاران غیر و خلاصی که سابقه بخواند از آن راه نظرات شما به نشانی حزب توده ایران نامه بفرستید و خبرهای جالب و سید زندگی خود و محیط اجتماعی ایران را که در روزنامه ها منتشر نمی‌شوند برای ما بفرستید.

این گونه نامه‌های خود را می‌توانید مستقیماً از ایران بفرستید ولی بهتر است آنرا بپشتانی آشنای در خارج از ایران - بفرستید و از او بخواهید که آنرا به نشانی حزب ما به پست اندازد. در مواردی حتی می‌توانید از نشانی کسانی استفاده کنید که آشنایی بی‌نیستند و نظراً هم نمی‌شناسند. این سبکی دارد به انگیزات و ابتکار اعتماد شما.

برقراری پیوند کامل سازمانی تنها از راه ارتباط مستقیم فردی که صد مرتبه خود اطمینان شما باشد با سازمان مرکزی حزب دست‌ساز است. برای گرفتن این ارتباط باید دست‌ساز و نظریه در اطمینان و از آن به سخن منسوب و با از دست‌ساز ( نه از سیدان و یا غایت سکونی ) به بین بدان نام و نشانی خود بفرستید. نامه‌ها را با آن عنوان به مرکز حزب تماس بکنید. به شما خواهیم داد. نه در تلفن ایل و نه در تلفن دوم نام واقعی و نشانی خود را ننگیزید. خود را به نام مستعار معرفی کنید و به سه راهنمایی که به شما خواهد شد در میان تمیز کنید.

راه دیگر برقراری پیوند وسیله یکی از دوستان خود اعتمادی است که در خارج زندگی با تحصیل میکند و برای مدتی به ایران می‌آید و وسیله برقراری پیوند سازمانی بین شما و سازمان مرکزی حزب را فراهم می‌آورد.

برای اطمینان خبرها و نامه‌های خود به **مستطیر** - حزب توده ایران در داخل کشور - نیز می‌توانید از نشانی مرکز حزب استفاده کنید. ما در راه خلق حرکت می‌کنیم. هدف ما حق است. راه ما درست است. ما سرانجام پیروز خواهیم گشت.

با ما به آدریس زیر کاتبه کنید:

Sweden  
10028 Stockholm 49  
P.O.Box 49034

حساب بانکی ما:

Sweden  
Stockholm  
Stockholms Sparbank  
Ns 0 400 126 50  
Dr. Fakman

**پیام برای**

**بخش کنندگان (نویسند)**

- ۱- دوستان گرامی! برایشما که از همه ما قدرتمندتر هستید در مذهب و بخشش‌گراییه نکات زیاده منظور حفظ سلامت و امنیت شما و دوری از خطر افتادن به چنگ پلیس خائن انگلستان روز فروری حیاتی دارد.
- ۲- **نویسند** و دیگر نشریات حزب از راه‌های غیر مستقیم و بی خطر **بند چینی** **خبرنامه** به شما می‌فرستد. به شما می‌گوید دست مبارک شما و زمستان و دیگر همین برستان بر ما تیره.
- ۳- پلیس‌ها و دیگر رده‌های رژیم برای شناسایی و به دام انداختن شما در گوشه و کنار شهر، در کوچه و خیابان کوشش می‌کنند. به شما تسلیه عمل بکنید و وسوسه‌ها را بپذیرید و در نهایت لحظه مناسب برای پلنگ به ارگانه‌ها بروید و به این ترتیب به حقیقت شامی بپیوندید. به هنگام بخشش خود را بفرستید.
- ۴- بهترین شیوه در امان ماندن از سوزن پلیس در اکتسب خاطر مستقیم با منطقه ایست که در آن عمل می‌کنید.
- ۵- هویت‌های، صورت‌ها، خصوصیات و تسلط بر احوال، ابتکار عمل و خودداری از کارکرد شیوه‌های دیگر احساس می‌کنند.
- ۶- برای نگه‌داشتن شما و شناسایی شما از سازمانی که می‌شناسد شما را که می‌تواند شما را به کار مشرکان خواهیم فرستاد!

**پیام برای گروه تندرو**

رفقای گرامی! خواهیم می‌کنیم هر چه زودتر با مرکز حزب تماس بگیرد و به ما برود های گستر

**قطعه‌نامه استادان و دانشجویان**

**دانشگاه صنعتی تهران**

هفته گذشته ۱۰۲ تن از استادان دانشگاه صنعتی تهران خواستار قطعنامه‌ای که به دنبال به جلسه کمیسیون حاضر گردیدند. کمیسیون برنام در مورد اقدام دانشگاه صنعتی تهران در دانشگاه صنعتی اصفهان و تعطیل آن در تهران اعتراض کرده این تصمیم را به منزله انحلال آن مرکز بزرگ و مهم آموزش عالی دانستند و دستور دادند - استادان اصفهان داشته که در صورت عدم پذیرش این خواسته از سوی مسئولان رژیم، از روز یکشنبه ۱۲ اردیبهشت ماه از حضور در کلاسهای درس خودداری خواهند کرد. دانشجویان نیز در جلسه کمیسیون بزرگ و جنبه هفته گذشته قطعنامه‌ای از این خواسته‌هاست. استادان اصفهان بپشتیانی کرده اقدام داشته که از روز یکشنبه کلاسهای درس را کاملاً تحریم خواهند کرد و در صورت تعطیل دانشگاه از طرف مسئولان رژیم بزرگسالی سه شنبه صبح جلسه کمیسیون خود را با اصرار کرده تصمیم گیری در جلوی دانشگاه تشکیل خواهند داد. در ضمن استادان و دانشجو یان دانشگاه صنعتی از دانشجویان دیگر مراکز آموزش عالی و نیز از اقشار مختلف مردم درخواست کرده اند که از این خواسته‌ها پشتیبانی و تضامن و سایر صفات پشتیبانی نمایند.

**دروندان قصر...**

از زندان قصر خبر می‌رسد که محمد رضا با نیان که پس از سه سال زندانی در بهار به اتهام واهی ساخته شده چهار سال زندانی محکوم شده است. و در محکومیت چهار ماهه او و ده تن دیگر از زندانیان سیاسی که مدت محکومیت شان سپری شده بود، روزنامه‌های سیاسی گذشت "نبرد" درج کرده بود. در این زندانهای حیوانی و سرکات سرخس یارده از طرفی از زنجیرهای بهاری ریاست در چارند و تعداد بی‌شمار خود را نمی‌تواند از دست دور است. و در زندانها که نامشروع حاضر نیستند در این حال نبودند است از سرانجام آزاد و آزاد تر می‌گردد او را مانند دیگر زندانیان از مدتها پیش در زندانها نیز زندانی نگه می‌گذاشتند.

برای نجات محمد رضا زانسانا و دیگر اسیران مبارک خود را به ما برود خود را بفرستید به کمی!



**متحد شویم و رژیم ضد ملی و استبدادی شاه را سرنگون کنیم!**

# نویسد

سال سوم، شماره ۲۸، پنجشنبه ۲۱ اردیبهشت ۱۳۵۷

((فوق العاده))

مردم در کوچه ها و خیابان های قم با خون شهدای خود بر دیوارها زده شدند :

## یامرگ، یا آزادی

روزه سوگواری و فریاد اعتراض مردم به مناسبت چهلمین روز شهیدای بزرگ و جهرم و کاشان بود، اما در تخم سوگواری خلق راه سوگواری دیگری تبدیل کرد. او به روی مردم غزاد آتش کشود، همانند وهای سلاح و توپ و تانک و هلیکوپترهای مجهزه مسلسل خود را بسطه استقبال شرکت کنندگان مراسم عزادارستاند و به این ترتیب بی آن که خود بداند، مراسم چهلمین روز شهیداراه به يك سنت مبارزاتی به يك محاد قیام و نبرد بدل کرد. چله شهیدای سال گذشته قم در تبریز برگزار شد، چله شهیدای تبریز، پیش در آمد چله شهیدای کاشان و جهرم و یزد بود و چله شهیدای این سه شهر مجروح در ۲۵ شهر در خون ولاله های سرخ شکفت و اینک همه می پرسند: چله شهیدای قم و تبریز و کازرون در کجا خواهند بود؟ تمامی غمبورها؟ سراسر کشور؟ خبرنگاران نوید و مبارزان توده ای که در اکثر شهرها و ش به دوش اقتدار و طبقات مختلف مردم در تظاهرات وز و خود های خیابانی و ستیزارتن خلق و مردم خلق شوکت داشتند، تصدیق شهیدای قیام قم را پیش از ۱۰ نفر، شهیدای تبریز و دانشگاه آن را آبادگان را در حدود ۱۰ نفر و شهیدای کازرون راه نفر گسز ارش داده اند. در این سه شهر نیز شهرهای شیراز، مشهد، اصفهان، تهران، کاشان، کرمان، بهبهان، قزوین، کرج، همدان، بابل، یزد، کرمانشاه، اهواز، شعیران و دیگر شهرهای به تلاطم در آمده صد ها نفر مجروح و صد ها نفر دستگیر شده اند. شهرهای قم و تبریز و شیراز به صورت شهرهای اشغال شده در آمده اند و کابین های پلیس و ارتش و تانک ها و زره پوش ها در خیابان ها و مراکز مهم شهر مستقر شده اند. در این شهر ها عطا مقررات حکومت نظامی شدید و خشنی به اجراء در آمده و توقیف مردم در منازل و کوچه و خیابان ها و تفتیش خانه ها با بی شرمی صورت آوری داده دارد. گروه ها و گماشته های رژیم، آن آزادی را که شاه مدعی باز شدن فضای آنست، در ایضارها و پورش های خود و در به خاک و خون کشیدن مردم بی سلاح تفسیر می کنند. آزادی مرحضی دیکتاتور ها همیشه آزادی جلا دها، زندانبانان، آدمکشان حرفه ای بوزینگان سیاسی و زدها و قهاره بندان بوده و هست. آزادی مرحضی شاه، آزادی بمب اندازان و آدم ربایان شعبه ساواکی کشته زیر زمین انتقام و سازمان دفاع به اصطلاح غیر نظامی ("نیروی یایداری") و اوپاشان و جانورکشانی است که هر چند گاه از آستین

نبرد و بیاروی شاه با خلق به اوج بی باقی رسیده است. کشتار بی رحمانه درها آزاد یخواه در شهرهای طغیان کرد هم و تبریز و کازرون و شیراز و به خاک و خون کشیدن صد ها مین برست در تظاهرات بر دانه نم درباری و غم و اختناق در بیش از ۲۵ شهر کشور، نشانه وحشت عمیق و سببیت جن آمیز هم در خلق و منزلی است که می خواهد فاصله عمیق خود را با مردم به ستو آمده با خون و جسد بر کند و فقدان بی باک خود را در میان توده با سرنیزه و سرب و باروت جبران نماید. دانه وسیع این پورش و کشتار در عین حال نمایانگر گسترش روز افزون جنبش آزاد یخواهی و عزم و جانبازی بی دریغ مین برستان برای برچیدن بساط پلید دیکتاتوری لگام گسیخته است.

در جنبش عظیم روزهای اخیر بیش از صد هزار نفر در شهرهای کوچک و بزرگ علیه رژیم شاه - ساواک قیام کردند. در بیشتر شهرها قیام کنندگان با مشت های گره کرده، با چوب و پاره سنگ، به صفوف گرازاها و سلاح شاه، به تفنگ ها و مسلسل ها و حتی به تانک ها و زره پوش ها حمله کردند. این عاصیان استبداد در حالسی که خشم و نفرت خویش را از جلا د تا حد ارایران و شوق آرزوی سوزنا آزادی را در شعارهای هیجان انگیز، فریاد می کشیدند، در کوچه ها و خیابان های قم با خون شهدای خود بر دیوارها نوشتند: "یامرگ، یا آزادی..."

و همین دهان خون آلود خلقی بود که شعار قهرادر تبریز و کازرون و شیراز و مشهد و دیگر شهرها و مراکز قیام، تکرار کرد و ناگهان در مراسم مین رنج دیده وزیر مهندس ما، غرش جا ویدان و باشکوهی طین انداخت:

— یا مرگ، یا آزادی... —

این شعار گلگون آخرین سخن خلق های مابه دلفک ها و مرگه گبران درباری و داروخه ها و دخیمان استبدادی بود. خون شهیدان، قم و تبریز و کازرون چون دریایی که از موج نمی افتد، در شعارهای کوچه و بازار می تپید و همه مبارزان صرف نظر از عقیده و آرمان و مسلک و خاستگاه طبقاتی آن ها، به زیر درفش یگانه ای که از خون ورنج خلق بر فراز سنگر آزادی به اهتزاز در آمده بود، فرامی خواند.

جنبش و قیام سراسری روزهای اخیر که به خون و حماسه آمیخت،

شهریانی و ساواک بیرون می ریزند.

قیام عظیم و سراسری مردم که در واقع تداوم جنبش سراسری استبدادی، دموکراتیک و ضد امپریالیستی خلق نمای ماست، و روشنگری غلاکت بار این نوع آزادی و حامیان و صلیبان روسیسی صفت آن را نشان داد. این قیام ناوتظاهرات سیاسی و روح گیرنده، در عین حال که رسوایی و زوال حزب شاه فرموده رستاخیز و حزب سازان خیالیان و شعبده گر درباری را با قاطعیت دندان شکنی به اثبات رساند، این حقیقت تردید ناپذیر را بار دیگر به روشنی تاکید کرد که در ایران فقط یک سازمان و حزب فراگیرنده در مفهوم مجازی آن وجود دارد و آن سازمان و حزب غیر متمركز و دیکتاتوری و ضد دربار است.

تظاهرات وسیع و توده ای اخیر در گارشده آثار و نتایج بی شری که در افشای هر چه بیشتر رژیم ایران برپا شده و نتیجه صفت شاه و انزوای روز افزون آن دارد، حائز یک ارزش اساسی دیگر هم هست و آن این که در متن این جنبش و تلاطم و ستیز، ایران به طور مشخص به دو جبهه تقسیم شده و تمامی مبارزان و استبداد ستیزان و فرزندان عملا در جبهه واحد دیکتاتوری قرار گرفته اند این واقعیتی است که پیش از آن که سازمان ها و گروه های منفی و سیاسی و احزاب و عناصر گوناگون مخالف خود کامگی بتوانند بر سر آن در عمل توافق کنند و به آن تحقق ببخشند، به نزارخ خود را می نماید و تصریح می کند. سر بر تافتن از این ضرورت، چشم اسفندار جنبش خلقی و مایه تحف و کم بنیه گی آنست و این زبیری است که خلق را کم توان و منضم غدا روحیه گر را شیرین کام می سازد و به این بختک خون آتام نغمت بی دمد تا جله های بیشتر و سوگواری نمای گسترده تری را به خاطر شریف ترین و دلیرترین آزادیخواهان میهن به خلق نمای ما تحمیل کند.

تظاهرات رتد بایند و حرکت های اعتراضی و محکوم کننده و غوران خشم و نفرت توده ها که هر روز به بهانه های و به شکل حادثی جلوه می کند و صداقت و حقیقت آن با خون یک شهید است. همین می شود، یک مخاطب دیگر هم دارد. نظامیان شریفی که بی مان مقدس وفاداری آن ها با خلق است، باید این ندای وجدانی را در بایند و به عنوان جزئی از مردم، باره ای از نت، به و تلیف خلیس و مبارکی که در این لحظات حساس در قبال میهن و تاریخ دارند، بی ببرند. آنها باید بدانند که ارتش ایران، دربار، ای از وجود خود، همواره عیرت دار شریف ترین سن انقلابی و با یگان وفاداری به خلق و نیرو با باطل بود است. آنها باید خود را از بصورت یک ابزار بی اراده، یک صهره شطرنج، یک برده چشم و گوش بسته، از دست جیا و لکران ایران و اربابان امپریالیست آن ها، به در آورند و جای خود را در کنار مردم و نه در مقابل آن ها بایند. آن ها باید با چشم خرد و با گوش خوشیاری خود تظاهرات سیاسی گارگری، صوج های اعتراضی را که سراسر دانشگاه های کشور را متمرکز کرده، طغیان روشنفکران، اعتراض نامه های افشاگر نویسندگان و معترضان و روزنامه نگاران و روحانیان، قضاوت و کلامی دادگستری و فرهنگیان، نمایان چشم آرزو امنان، در نهات ناراضی و جوش توده ها، در بایند و انگشت های آن را بحریند. در این کارزار، به سرعت

تمامی میهن ماست، حق با مردم است یا دربار؟ نظامیان میهن پرست باید به این پرسش حقیقت مردم جواب بدهند: واقعا حزبی کیست؟ تمامی یک ملت، با مشتکی سراها شکم، فامند، در زنگو، غارتگر، زالوهای آدی روز؟

زلزله ای که در کاخ استبداد افتاده، مردم شکاف هر خنه نمای عصیان تری ایجاد می کند. به همان نسبت که میدان نبرد دیکتاتوری باوری آیردن انتشار و زوره نمای بیشتری از جامعه به مبارزه فعال، گسترش می یابد، تنگنایی که رژیم شاه - ساواک را به خفقان و عجز و حرکت های دیوانه وار مبتلا کرده، طاقت فرساتر می شود. و همین موقعیت نومید کننده، همین طنابیی که به دست خلق مردم بر گلولی شاه و در او دسته اش تنگ ترمیشود این خونباری و آمادگی را بایند در مبارزان زنده و سید ارتنگدار که در عمر لحظه آماده بهوش وسیع احتمالی و جنگ و دندان و حرکت نمای عصبی و تدافعی رژیم باشند. اما این آمادگی و عوشیاری مانع از تجهیز هر چه بیشتر نیرو برای فشار آوردن بر گلولی رژیم در حال احتضار نیست. بر عکس شدت وحدت مبارزه و حمله همه جانبه و بی رتبه، تلاش و سقوط لعبتک های دربار خود فروخته و سازمان دوزخی اضیت را نزدیک تر و قطعی تری سازد. این نیرو، آادگی جانبا زانه هم اکنون وجود دارد. مردم با شمارهای مرتک بر شاه... سرنگون باد دیکتاتوری... ننگ بر جلا دتا جدار... به استقبال گلوله و تانک می روند. ادامه و استمرار این مبارزه که توانایی آن در توده ای بودن آنست، تا در است بساطت ننگ و استبداد را به یکباره از میهن ما برود. مبارزه را تشدید کنیم... با هم متحد شویم تا بتنگه فرعون و ساسرا بر سر او خراب کنیم. این ضرورتی است که خون نمای عزیز شهید ای دانشگاه آذربایکان و در خون تبیدگان نبرد نمای آزادی قم و کازرون، چون وام مقدسی به گودن ما نهاده اند...

حمله گراز های شاه به خانه علمای مبارز قم

گرازهای رژیم در جریان تظاهرات گسترده و خونین مردم قم به خانه علمای آزادیخواه و ضد استبداد از جمله آیت الله شریعتداری، آیت الله گلپایگانی و آیت الله روحانی یورش بردند. در این حمله ناجوانمردانه شیشه ها و دروینجره خانه علمای مبارز در هم شکسته شد و به خانه نمای آن ها آسیب و خسارت بسیار وارد آمد. این تهاجم ردیلا نه بسا چنان خشونت و بی پروایی انجام گرفت که آیت الله گلپایگانی در چهار ناراضی طین شد و توسط مردم به بیمارستان منتقل گردید. این حادثه خشم و نفرت مردم را نه تنها در قم بلکه در سراسر کشور دامن زد و قیافه ضحوس و شیطانان رژیم سر طلی نمود دموکراتیک و خونریز شاه را با وضوح هر چه بیشتر در برابر انظار قرار داد.







# نبرد اعتصابی در کارخانه ایران یاسا

پدروشخواست های حلقه خود وارد زند . آن ها می گفند در حالی که زحمت و نگر بر پشت مایرای خود مان آن قفسه بهره ندر لرد که بتوانم ساد ترین و کثرت آسزترین زند گ را بری خانواده خجسته تا بن خاتم در حالی که از لحاظ تا بن سکن و خورد و خوراک و بهداشت و معصرت ترین نظراته نرسن وضع را تحیل می کنم و کار فرما از قبل رنج و کراما توت های ی کلان می اندوزد . چرا و سبها چیزی از ضغمتی که از کار سا

کارگران کارخانه لاستیک سازی ایران با... واقع در جاده شهرداری (حلی لایوس) - به عنوان اعتراض به عدم پرداخت سوره سالیانه از طرف کارخانه از روز چهارشنبه ۱۳ اردیبهشت ماه دست به اعتصاب زدند . چهره کارگران اعتصابی هر روز صبح در بر کارخانه اجتماع می کنند و اشکال مختلف می کشند تا کار فرما را به

حاصل می شود به طریقی گرواند . مسئولان کارخانه ایران یاسا مظاهرانه و مصلوبت... مدعی می شوند که مدعی در کار نیست تا بن کارگران تقسیم شود . و این ادعای دروغین که مثل دروغ های شاهانه از آن بی غولت ریا و تطلب می آید ، از حمایت وزارت کار نیز برخوردار است . کارگران ایران یاسا پس از همه تلاشی که برای احقاق حقوق مسلم خود به کلر کردند و جز پاسخ منفی نشنیدند به سرانجام بجزاره اعتصابی را برگزیدند . از سرانجام این نبرد یکبارگی هنوز اطلاعی ندر ایم . هر مسلم این گسه بهش از ۶۰ نفر کارگران کارخانه ایران یاسا در کسره گداسته این نبرد صحنی به امکانات وسیع بازداشتی خود و راهها و شیوه های حلی برای تحقق هدف های خجسته دست می یابند .

### آنها که زند هاند

هر زندانی سیاسی و نظریه پرداز است . وجود هزاران زندانی سیاسی در ایران از مساحت حکومت یکبار و جانانه ای که بین خلق های تفسیر ناپدیر ما واسطه گندگان آنها در گرفتار است ، خبر می دهد . اما زندان خود میدان جنگ سبکسوزی است . در این میدان هزاران فاجعه بهشت و عمارت هر دم در شرف ظهور است . هزاران سرود و غزل خونین از ارتعاش ارواح مجروح و دماغ و درفش خورده به صدا در می آید و در تاریخ که اتفاق افتاده ، اما هنوز نوشته نشده ، جاری می شود . این تاریخ جانیت و خلق است که از تاریخ های سوسه کشیده سرخام و دروغ مالیده ، نتاج ها و گذشته به بلا و خون جداست . در هر دری این تاریخ حاکمین هادب می تپد . از طبقه کارگران تا طبقات حیدر و مویز اولی ، از طبقه نرفته تا طبقات شهیدک که هنوز سرخا نیتاده است .

آردیبهشت روزی است که در همین ماه میلون ها طلب میلیون ها درجه به روی این تاریخ زنده و جاری می کشید . کوشش... از هر یک از این درجه ها آواز های رزم خون و خاطر می آید . این صدای حق و دلبر صدای مقاومت خلق ماست صدای زنجیرها و زندانهاست . صدای روزنه است که می گوید :

تنها می روم ، بنابر میلیون ها شکوفه و نوزاد پرگرم

صدای کسری است که می خواند :  
مگر مولوی با یک مرده اندک ما هریم ؟  
صدای ما همین کنونی است که از زندان اوین تا طباطباص طوطی نقی زند :

زندان در دلیل زنده بودن باست ، باره هاست که کاری ندارند ...

صدای پارتیدن رگهای کردن "ترگل است صدای خون مانده است ترگل است در آن دم که با شیشه شکسته ای که رسوده بود ، می خواست سر این خود جدا کند و تا آنچه را که در زمین از او طبقه می کرد ، نگوید . صدای سبکی زندانها است بر گونه علی خاوری و در آن رو که خنین فریاد او در میساخت . ندادت طلبی زندانها در لحاظ زندان قصر قلب همسازان اورا با نیروی ایمانی ابدی تسخیر کرده بود :

باز جازیشی در هم به ماتو همین کشید . با خیمان نیشتم و سرفرازم ، با وضفه خود سرفرازم ... جناب سرهنگه ، من زندانی ساسوام ، افتخار می کنم که تو ای ام . به خاطر با مردم بودن زندانی شما هستیم به خاطر با مردم بودن . توده ای خواهم مرد . لطف بهما نصیحت تزیند .

باز صداهای دیگر ... سرود حماسه پایداری صدای صفر قبرستانی :

۳۱ سال صبر کردم ، با زهم صبر می کنم ... آن قدری می مانم من زندان واقعه ایران درهای زندان من و

همه زندانیهای کشور را بازگشند ...  
باز هم صدای... صداهای که خا طره و تصویر و شیخ و شبخون است . صدای هوشنگ تیزابی در آن روز

۲۸ مرداد ۱۳۵۰ ...  
آن روز زندانیانها و دو دشمنان به شکرانه پیروزی ضلع بر مردم ، نقل و شیخی به بن زندانیان تقسیم می کردند . وقتی در سلول هوشنگ را گشودند ، همه نقل را بر سر زندانیان کوفت و ضربه ها می زدند و ابه لوزه در آورد :

من برای شستن تنگ چنین رفته است که به زندان آمده ام . شوی بی چشم ۲۸ مرداد فقط به درد شاه و شعبان می بخ می خورد ...  
دشمنان به نوبت ابراهیم زبیر تازیانه گرفتند . گفتند :  
تا نگوی بخلت کردم ، تازیانه می خوری .

پس از دها ضربه دردننگ و منتظر پاسخ این قهرمان توده ای ایستادند . هوشنگ تیزی چشمها پشان زل زند و گفت :

من کمونیستم . یک کمونیست هیچ وقت نمی گوید غلط کردم .

دها ضربه دیگر با کابل بر پاها هشت او کوفتند .  
تایه نداشت . در دم گفت :

تو من کمونیست نیستی و حانت را خلاص کن .  
هستم ... این تنها چیزی است که می توانی از من بگیرد .

باز هم ضربات تازیانه ...  
سرانجام حسمت شدند . هوشنگ لنگه ننگان به سوی سلول خود بازگشت . در آستانه کشیده گاه منزل طعنه برکت .  
بایبند و تسخیر براداران کرد و گفت :  
روزهای جشن شما روزهای عزای منی مردم است . این را فراموش نکنید .

و بیکره های زنده و جاری و شهیدای زنده خلسن های ما انصراف توده ای ...  
نفره سایدکی ۶۰ نفر . در بند سرهنگ از آل های صلیبی از شهید او همزمان ایستاده اند .  
تو آری "آنها را بپرس" حوانده است ، اما آنها بیرون می شوند . آنها در لبهای مردم با تاریخ حسان ابیدی اند . مگره این که موش از ماسا شنوکی می بینند :  
چرا عبرت را نلوی ، کی ؟ باک معذرت می خواهم تا و برو ...

قهرمان توده ای با لبند استیزاه گفت :  
سوی که در سازه بگذرد و تلف نمی شود . این شماست که یک معذرت دست و حسابی می من و در مقام مد هکارید .  
شیر سباز ، با صیانت ، از نشی که شکست خورد ، اما مطلوب شد :

حجری ، در ا لفسر ، کی نش با فرزاده ، موسوی ، شنوکی ...

وجه کسب است که آن روز بهاری سال ۱۳۵۲ زندان شیروز را فراموش کند .

زندانیان که از انها برخوردار گشتند ، با کبان خود را در محاصره تفنگ ها و مسلسل ها یافتند . زندانیان گت :

خانه تگانی داریم ، باید به بند های حدی... برود .

حواشها برودند که :  
ولی چرا باید به سرسینه و تگوله ؟  
زندانیان لبندند . در این لبند تقصیر خود شنام موجب می زد .

می خواهید عطاوت کنید ؟  
از این سوال تحریک شده ، بوی استیزاه ، خطر حیات همه می دانستند که زندانیان مدتهاست در انتظار لحظه مناسب است تا زهر شربابه تن آن ها بپزند . اما با حفظ نشان کشیده بود و بارها قاضیه رایخته بود . حال فرصت مناسب را دریچه داشت .

فضای زندان شیروز سرشار از رزم و جری بود ، آن غم خندا ، و مساحتی که دلبری این پیش از این وجود نتر بود اما آن روز همه غلاف کرده بودند . دهان نیمه تارسیک نفس ها شوشی نمی کردند .

زندانیان تسلیم بلا شری می خواست . او ندان های نیز و زهر آگشتر در گلی این کزک های جوان فرورنده و خمال می کرد با یک حرکت آنها را در هم می کشند . در این لحظه بی چچه ای در میان زندانیان ولول انداخت :

آمای حوری ... هرچه او بگوید ...  
و در دور جهان انبوه خوارگ زندانیان با زند . روی چون یک ضربه کرده ، در انبوهی صف ایستاده بود .  
نفسه ها آرام به سوی او برگشت .  
حجری نگاهش را که بعد بر بق در آن می درخشید به همه زندانیان پرتاب کرد :

اگر می خواهید مرا تحقیر کنید ، با تحقیر ما و بوی خواهید شد . پاسخ نفنگه های شما ، منت های گزه کرده ماست . انتظار نداشته باشید که اعلان جنگ شما را با لبند حوایبید هم . آیا می خواهید از روی جسد های عرق در خون ما بگذرید ؟  
رنگ از روی زندانیان برید . انتظار این هجوم و فرار دلبری می باکی و انباشت . کلمات حجری چون شقایق در دل و جبهه زندانیان شکفته بود . برای زندانیان هیچ کوره راهی جز عقب نشینی با نبود . با دستچاکی گفت :

ضد امانتی نیست "سو" نفاهی پیش آمده ...  
زندانیان سینه هایشان را با سر مستشو و رنگی ملو دارند . شیر توده ای پیشاپیش زندانیان دست زنگنه ها و مسلسل ها را بر سر توده و راه خود را کشود ...

هر زندانی و داستانی است که هنوز نوشته نشده . روز ۲۱ اردیبهشت ماه همال و خلیجی ما در محاصره های شو را نیز در دلبری و روزم این داستان ها ، جبهه واقعی خود را می بینند . ۲۸ اردیبهشت روز خاطره هسا و رزم و وفاداری و عظمت است .

۳۱ اردیبهشت ماه همال و خلیجی ما در محاصره های شو را نیز در دلبری و روزم این داستان ها ، جبهه واقعی خود را می بینند . ۲۸ اردیبهشت روز خاطره هسا و رزم و وفاداری و عظمت است .

# در دانشگاهها چه میگذرد؟

فردای اشتراقی چون جبهه‌ای خود راه رود  
خوشان خشم خلق طبع استبداد و خودکامی برسانند  
رنج و صیان حیلین ها کارگروه همان زمینکن ایران در  
گویی هزاران دانشجو ی آزاده بخواب فریاد شود و پشت  
کره شده زمینکن خواب گرام خوشنمنان جزیره شبات  
آریامهر را پریشان کرده است. ششهای گره شده یکدیگر  
را ی باند ناچون پتکی فرود آیند. این آخرین صیبه  
است. تمام توان خلق باید در آن جمع شود. سرگ  
استبداد نزدیک است.

امواج خشمگین بر علیه اعدای ضد فرهنگی و سیاست  
کلیله و حیالی جانوم و دوسه های رنگارنگ رژیم شامسواک  
دانشگاههای کشور را فراگرفته است. در این اعتراضهای  
جنب آکس استادیو دانشجو در کنار هم و دست در دست  
بیکدیگر شرکت دارند. صدها استاد شریف دانشگاههای  
ایران با صدور قطعنامه‌های افشاگرانه و نامه‌های اعتراضی  
در کنار هزاران دانشجو ی آزاده بخواب به جبهه علیه رژیم  
مروارشتنای آریامهری برخاسته اند

## نگذارید دانشگاه صنعتی تهران را منحل کنند

سیاست ارضاء و خود بی احترامی که در بدین معنی که  
تکمیل پس از آن، آ. زن فشارهای داخلی از طرف  
دانشگاه، صدور به فراخواندن افراد به دانشگاه  
دانشجو و مفسر، نهی صدور از اعضای کس  
آموزش به موسسات، یکی می کند. نظیر چنین عملیاتی  
(سیاست ارضاء و تسبیح) در موسسات آموزش شبانه  
از بد رژیم با حقش همراه بوده است.

با دیده ی خشم تو به اثرات فعالیت دانشگاه صنعتی  
آریامهر بر جامعه ایران در طول حیات کوتاه خود شناخت  
در سازمانت رژیم های وابسته به آسانی می توانی به  
این حقیقت بروی که در این گونه نظامها هزینه های که در  
تضاد با منافع هیات حاکمه داخلی و احیاناً خارجی آن  
عمل کرده بایست در انتظار عکس العمل های نظیر آنچه  
که در فوق اشاره رفت باشد.

در شرایط کنونی ایران که هیات حاکمه به بهانه  
کسب وجه خاص و به نام توسعه اقتصادی کشور گسرنش  
صنایع وزارت، توسعه اقتصادی را می روند شرطی بخش  
حدمات صدها هزار نفر از اتباع فیلیپین، کره، تایلنده،  
اسرائیل، آلمان، فرانسه، انگلستان، آمریکا و غیره را به  
قیمت ناراح ضایع طی به کار ی کار و مدها هزار نفر از  
دانشجویان ورود به آموزش عالی و اد بهت درهای دانشگاه  
های آزاد، تحصیل مهمی می کند و شتاب از صد هزار نفر جوانان  
ایرانی را برای اراده تحصیل ناگه بر روی آورده بخشه  
دانشگاه های خارجی می نماید، انحلال دانشگاه صنعتی  
آریامهر که آمارگی کامل برای پذیرش عدال هزار دوطلب  
تحصیلات دانشگاهی هضم با موسسات آموزشی  
بین المللی را در در اختیار منافع ملت ایران و در جهت  
خدمت به منافع بیگانگان است.

هموطنان:  
آنچه که این روزها بر تازگان، دانشگاه صنعتی آریامهر  
بالاخص جامعه دانشگاهی ایران بالاخص می گذرد دستبروی  
جدی به ضایع ملت ایران به طور صوم و منافع دانش آموزان،  
دانشجویان، معلمان و کارکنان دانشگاهها به طور  
خصوص است.

در این مهم شایسته است که با ایفای راسخ به معنای  
حرکت، های اصل خواستاران استقلال و بزرگی وطن  
عزیزمان با اتحاد و همبستگی توطئه هارانتش بر آب ندهد  
و از انحلال دانشگاه صنعتی آریامهر جلوگیری کنیم. جلو  
گیروی انحلال دانشگاه صنعتی آریامهر تنها باید بسترش  
دانشجو در آخرین هنگامی کوشی امکان پذیر است.  
اراده نهمالیت آموزش دانشگاه صنعتی آریامهر و تهران  
به معنی پذیرش سالانه حدال هزار دوطلب نشنه ورود  
به آموزش عالی است.

امکان اراده این خدمت را به کارکنان دانشگاه  
صنعتی آریامهر در تهران بد عهد

نمودند یا شکل در سازمان صنعتی هم خود را صرف  
ایجاد محیطی سالم نیرو با به منظور فراهم آوردن زمینه‌های  
کسب برای تربیت نسل خدی به حال کشور کردند. . . .  
کارکنان دانشگاه صن تشکیل در سازمان صنعتی خود  
به منظور تامین حقوق مادی و معنوی در همین حال  
نمی توانستند نسبت به تعهدات و پیمانها کردن حقیقت  
انسانی اعضای جامعه دانشگاهی ( دانشجوکارنده )  
بی تفاوت بمانند. کارکنان دانشگاه بارها عدم رضایت  
خود را از اندام گرفته و لغو آیین نامه ها و مقررات  
دانشگاهی و ملکی واحمل خلافی قانون دستگاه پلیس  
طاعتند حضور گرد، آموزش باوران صلح و ضرب و جرح  
افراد به صورت اعتراض و تصاحب نشان داده اند . . . .  
"باتوجه به مطالب فوق اراده فعالیت دانشگاه  
صنعتی آریامهر از جهت منافی با اهداف و بدیه گاه  
های حکومتی ایران است. یکی به دلیل وجود محیطی  
مناسب و آینده نگر برای پرورش افرادی که استقلال و بی  
نیازی جامعه را در زمینه های فنی و اقتصادی خواستارند  
( طاووت در برابر استعمار سلطنت و دیگری تشکیل و  
صیقلی افرادی که تحقیق خواست های دموکراتیک  
را دنبال می کنند ) طاووت در برابر خودکامی ( .

در بدو امر چنین به نظر می رسد که هیات حاکمه که  
منظور در هم شکنش تشکیل گروهی کارکنان دانشگاه  
خود را ناگه بر به انحلال دانشگاه صنعتی آریامهر می بینند  
لذا به منظور توجیه عمل خود در افواه عموم چنین شایع  
می کند که دانشگاه صنعتی آریامهر به اعضای منتقل  
می گردد. در صورتی که در فیلیپین دانشگاهی جدا  
گانه با کادری که قبلا زمینه آن مستقل از کارکنان دانشگاه  
صنعتی آریامهر در تهران از طریق هیات حاکمه فراهم  
شده بود تاسیس گردیده است و تنها وجه اشتراک این دو  
موسسه آموزشی نام آن دو می باشد.

به دنبال انحلال دانشگاه صنعتی آریامهر در  
تهران امکانات وصل آن رانیز به دانشگاه علوم و فنون  
ارتش واگذار خواهند کرد. واگذاری امکانات و مصل  
دانشگاه صنعتی آریامهر تهران به ارتش و منظور راز  
دیدگاه هیات حاکمه ناخبر می کشد.

اول آن که برای فرار از مردم خراب کردن صیغه ی  
به بهانه ساختن مسجدی دیگر تاسیسات و امکانات  
دانشگاه را بلا استفاده نمی گذاردند و آن کحضرت  
مقررات و ضوابط نظامی امکان هرگونه بیبایی و استقلال عمل  
را که لازمه یک محیط سالم علمی است هلا در محیطی نظامی  
در نظرف خفه می کند. این هر دو خط نظر دستگاه را برای  
حکومتی از تشکیل گروهی افراد پر آورده می کند و در صورت  
موفقیت از دیدگاه رژیم اکنون دانشگاه نظامی به سایر  
موسسات آموزشی تصمصم داده خواهد شد.

لازم به یاد آوری است که تصمصم به انحلال  
دانشگاه صنعتی پس از عدم موفقیت هیات حاکمه در افعال

هیئت علمی دانشگاه صنعتی تهران در تاریخ ۱۲  
اردیبهشت ماه طی نامه ای خطاب به نخست وزیر نسبت  
به تصمصم دولت جنی بر " انحلال این دانشگاه در تهران  
زیربنای انتقال به اصفهان" اعتراض کرده و خاطر نشان  
ساخته اند :

"نتیجه به نگرانی های نسل جوانی که پشت در  
دانشگاههای ایران ماند است و باتوجه سرمایه ای که  
این نسل برای اراده تحصیل هه ساله به خارج از کشور  
می برد و بالاخره باتوجه به اوضاع و احوالی که دفاع از فرهنگ  
ملی و ایجاد تکدی روی ملی و طبع فرود ملت ایران است،  
انحلال دستگاه شکر فای که به اوج باوری خود رسیده و  
است مسلما هرگز نمی تواند صورت گیرد حاشیه دانشگاهی  
فرارگردد و با صالح احتیالی - اقتصادی ضابطه بماند ."  
این نامه را ۱۳۲ تن از اساتذ " هیئت علمی دانشگاه  
تهران انضاء کرده بودند .

پیش از آن . . . . در تاریخ یکشنبه ۱۰ اردیبهشت ماه  
مجمع عمومی کارکنان آموزشی این دانشگاه با اکثریت قاطع  
قطعنامه زیر تصویب کرده بود :

" با توجه به ساز موم سلطنت به کادری فنی تخصصی  
دانشجویان ورود به دانشگاهها، بد ایگرات ضل و طولانی  
با مقامات کشور، نامه اخیر کادری آموزشی به جناب آقای  
نخست وزیر و صوره مورخ ۲۷ / ۲ / ۳۷ شورای دانشگاه در  
مورد اعلام آمادگی پذیرش حدال ۷۰۰ دانشجو برای  
مهرماه سال جاری در پردیبه تهران .

کادری آموزش دانشگاه صنعتی آریامهر تهران از تاریخ  
یکشنبه ۱۳ / ۲ / ۳۷ تا اعلام رسمی گزینش دانشجو برای  
پردیبه تهران در مسانهای گروهی کشور، از ادامه  
فعالیت آموزشی خود دری خواهد نمود .  
این قطعنامه مورد پشتیبانی کامل دانشجویان تهران  
گرفت و آنها نیز طی قطعنامه ای به پشتیبانی از این خواست  
مادانه و معنای تلاش هارا محرم کردند .

هیئت علمی کارکنان دانشگاه صنعتی تهران سپس طی  
اطلاعه ای، ضمن تشریح حوقمیت حساس و پراهیت این  
دانشگاه در حیات و دانشگاهی فرهنگی کشور بتوطئه های  
ضد ملی رژیم در جلوگیری از حرکت اصل و متقابل ملی این  
دانشگاه خاطر نشان ساختند :

" با نگاهی اجمالی به تاریخچه فعالیت دانشگاه صنعتی  
آریامهر در می باسیم که اصال فشارهای مادی و معنوی ناشی  
از بدایش جامعه صرفی تحت سلطه رژیم وابسته، کارکنان  
این دانشگاه را به عنوان بخشی از طبقاتی و پر سر دوراهی  
تصمصم عمل فرار داده بود. این جامعه که به  
می بایست فارغ از اوضاع و احوال سیاسی اقتصادی کشور  
به صورت حاصل پلا اراده اجزای بر تانه های عیول حکومت  
در آید و بر اساس خود را در خدمت به سلطنت و همجنس  
ناخن حقوق مادی و معنوی خشی به انجام رسانند. کارکنان  
دانشگاه ملی رژیم نظرات و موایل حکومتی راه دوم را انتخاب .

# رژیم سیاه و شتلیق های سرخ

## چهار دانشجوی دانشگاه تبریز

### در حمله گرازهای رژیم شهید شدند

مناقب پیکار دیگر روی سنه درها دانشجویان تبریز دانشگاه تبریز تکمیلند . رگبار گلوله هادر دانشگاه تبریز یک بار دیگر خاطره نوم ۱۲ آوریل قرار گرفتند . چهار دانشجوی این دانشگاه به صف عیول شهیدان راه آزادی ایران بویستند و درها دانشجوی دیگر در خون غلبه و قلمبه شدند . حمله گرازها به دانشجویان دانشگاه تبریز به گزازه پیش درها دانشجوی دختر و پسر در محیط مدرسه علم و دانش ماسد هر کشتار مردمی جمعی دیگر در اسب و فرمان شخمر شاه به دستور کو از زاندم های پلوش (ارتشبد هفت) که در لباس استناد از آور باجهان مقرر فرماده حکومتی و در آذربایجان قبرستان را بازی و کد صورت گرفت . این حمله وحشی روزیبه سبک سپاهیان حاضرین برانداز معول را استادان دانشگاه تبریز بهتر و ضعیف

ترا از هر شاهد صبی در قطعه ای که توسط هفت علی دانشگاه تبریز (آرآبادگان) منتشر شده و نشریح کرده اند . در این قطعه آمده است :  
۱۸ اردیبهشت ماه بزرگترین صی شرمانه ترین بیوش ها علیه هر آمده . نام فرهنگ علم و اخلاق و فضیلت و معصیت دارد صورت گرفت وان راه صوان روز صمم و سنگ در تالریج این دانشگاه به نیت رسانید . پلیس واموران اتانای دانشجویان بی نافع را با غلوت ترین کج خانه شان یعنی کلاس ها و مراعات خانه ها دنبال کردند . و همان گونه که بانین های شکسته آثار رگبار مسلسل ها ، درهای شکسته و لغته های خون گراهی می دهد و مردم قانین وانسانیت هفت را سدر نداریز قرار دادند . رفتن آبان مادر عززان دانشجویان عام غای کارزند و بار آور و دایچه اسپاهیان چنگیزی بود . سایر اهل بازاریون ارتش این کشتار محوزی نداشتند . دانشگاهیان دانشگاه آرآبادگان اصل این محوز را ردی کند و مراتب تسلیم و تأثیر خود را به خانواده های دلدیده دانشگاه عیان و به ملت ایران تقدیم و دارند با...

خواست های زیر را انتشار دارند :  
۱- اصلاح خستوت به هر عنوان در دانشگاه محکوم است و کار و ماموران انتظامی به استناد تعساری نگذشته همیشه موجب تحریک دانشجویان و ضرره بویوز خستوت بوده است . لد اخروم کار و عدم دخالت ماموران انتظامی در دانشگاه ضروری است .  
۲- آزادی مبروومان و دستگیر شدگان حادثه اخیر دانشگاه مورد تقاضاست .  
۳- در صورتی که در اثر حوادث مذکور شرایطی پیش آید که نیم سال تحصیلی جاری ضحل شود ، از اجرای هفوات انحلال نوم ( ضرورت و احتساب نمره صفر برای واحد های انقباضیده ) خودداری شود .  
۴- معرفی و محاکمه طئی ماموران ضحطی که این حادثه را بلر آورد نمایند .  
۵- اسن قطعه مورد تصویب حدود سه هزار نفر از استادان و کارکنان دانشگاه قرار گرفته است . طبق گزارش دانشجویان دانشگاه تبریز شرکت کنندگان این اجتماع پس از تصویب قطعه به مدت سه ساعت در محوطه دانشگاه پیا پی روی کردند و در مقابل دانشگاه های ادبیات ، علوم ، تربیتی ، هفوق لیسانس و بیمارستان با احترام دانشجویانی که در روز گذشته جان خود را از دست دادند دست پیک دقتساکرت کردند .

## اعلامیه و تظاهرات پرشور دانشجویان دانشگاه تهران

دانشجویان دانشگاه تهران طی اعلامیه ای پردهای روی بسیاری از حقایق پنهان در دانشگاه تهران که رژیم دربار آن ها میسرکرت برب زده است برداشتند . در این اعلامیه آمده است :  
علی رغم تبلیغات وسائل ارتباط جمعی صبی بود این آزادی های بیشتر به دانشگاهها ، مادان دانشجویان دانشگاه تهران از آغاز سال تحصیلی تا هدر اعمال ضد قانونی و تشدید اختناق در محیط دانشگاه وسیع لغوت ماهیت خواست ها و اعمال دانشجویان به وسیله قطعات بودیم امم . بران اعلام حرصیت ۱۵۰ تن از دانشجویان به مدت یک ناهه نوم ، در نوم گذشته و ثبت نام نکردن دانشجویان سال اول اقتصاد در نوم دوم ، اکنون مقامات آموزشی با ادرن نمره ۵۰ به حدود ۱۲۰۰ نسن از دانشجویان واخراج سی دلیل بفر قانونی حدود ۱۵۰ تن از دانشجویان دانشگاه های حقوق ، ادبیات ، علوم اداری ، علوم اجتماعی که صرفا به واسطه ایجاد شرایط ضد آموزشی در دانشگاه در امتحانانی که اصولا برقرار نشد ، شرکت نکرده اند دست به عمل غیر قانونی دیگری زده اند که با مخالفت شدید استادان نیز روبرو شده است و اطمانیان به ادره تحصیل رانک از حقوق اساسی هر انسانی است از ماضی گرفته اند .

دانشگاه های مختلف موفق شدند در زمین چمن اجتماع کنند . سواک و گارد که از اجتماع دانشجویان و پشت زده شده بود توسط هچدی بی چید ، پاک اتوییل رهاز که دوسه سر نشین داشت در اطراف محوطه چمن به گردش در آید . این زندگویی این اتوییل سواک مدام شلر " زنده بسان شاه " بخش می شد . کسی که صدای در گه اش را پشت جگر فزرها کرده بود یکی از ماموران سواک بود . این توسط هم کارگر نینفاد و دانشجویان با حفظ گزارش اجتماع خود را ادره دادند .  
یکی از فرماندهان نظامی که در کار محاصره دانشجویان در حالت داشت در این لحظه با پیشگداشت و از دانشجویان خواست تا محوطه دانشگاه را ترک کنند . دانشجویان که طبق برنامه قبلی برای رجوع به دبیرخانه دانشگاه منتظر چنین شرایطی بودند با آراش کامل و به طور دسته جمعی محوطه دانشگاه را ترک کردند و در پیاده روی قابل دبیرخانه روی زمین نشسته . این عمل نظر جدا حایر پیاده را در ضحطه ۱۲ افتند به خود جلب کرد و گارد که تا فنگو شده بود برای تفری کردن اجتماع کنندگان و جلوگیری از موستن مردم به دانشجویان حمله پیشه ، انوراه آنها گزار کرد . دانشجویان از این لحظه به بعد با فریاد " سرگه بر این حکومت فاشیستی " در حالت شوق و جنون به دانشگاه به حرکت در آمدند . دو گروه دیگر دانشجویان در حیا بان سی تری نویسه به شاه پیسه یکدیگر بنقش شدند و با فریاد " مردم به ما ملحق شوید " حرکت خود ادره دادند .

گزارت گران نویه ، یی هینفشد تظاهرات غیبا بان سی تری با استقبال گرم مردم روبرو شد . چند نمازه داری کسد : دست تا اثر شایعات سواک صبی بر شکستن و آتش زدن نمازه ها وان بیل عم تا زیده بودند و دردم دیدند نمازه های خود را بپندند ، بعد از حضور تظاهر کنندگان به این حظه به نمازه ها ، در کرکه نمازه های خود را بالا کشیدند و به دیگران هم توصیه کردند نمازه ها را نپندند ، به ما کاری ندارد . در روز بجه بودند . این همه نمازه ها را آنکس نی زنده . " گارد که در این روزی نگاه بیرومی او شلر ( گارد شاهنشاهی ) در خیابان ها حاضر شده بود در

## تظاهرات پرشور دانشجویان

### به مناسبت اول ماه مه

روز یکشنبه ۱۳۰۰ دانشگاه تهران به مناسبت اول ماه مه ( روز هشتگی رزنده کارگران جهان ) تظاهرات پرشور و سازماندانه دادند . دانشجویان در حیا بان عباسی ، یکی از خیابان های تری شهر و خستوت در محوطه شهر ) دست به تظاهرات زدند که بلافاصله با پیشه های و استقبال کم سابقه زحمتکشان ساکن محل روبرو شدند . این استقبال آن چنان پر شور بود که طبق گزارش خبرنگاران سوه که در تظاهرات شرکت داشت پیش از زبان از قفسل تعیین شده ادره یافت . در جریان تظاهرات انداختوت تعداد زیادی ترکت و بلزه و زو اول ماه مه پیشگرددند که با استقبال روبرو شدند . خدا تظاهر کنندگان پلاکات بزرگ پارچه ای که مضمون آن دریا ، روز اول ماه مه و افتا گوی خیمات های رزم پیوسیده گرامری علیه کارگران و زحمتکشان ایران بود با خود حمل کردند . در پایان این تظاهرات که گروه زیادی از زحمتکشان محل بسا آن همگام شده بودند ، تظاهر کنندگان با دکار کسوران شهید انضالی ( جهان جیت ) را گزای داشتند . تظاهر کنندگان پیش از رسیدن پلیس شفق شدند و کصمانی شاه نتوانستند به آن هادست بایند .

ساهاان سی تری به تظاهر کنندگان حمله کرد و عدده ای را دستگیر نمود . هزار کسورم با تظاهر کنندگان شکست انگیز بود . بعد از حمله پلیس و ارتش بسیاری از دختران تظاهر کننده را در دم به داخل خانه هایشان راه دادند و درها ساکن حملات اطراف سی تری و کاسب های حمل دانشجویان و دیگر تظاهر کنندگان را کاد : چنگه گر ازهای شاه فسوزانگ کردند برای فراروا همناسی ی کردند و آمرد کچه هابی را که در رود است در اختیار آن ها ی گذاشتند . همین گزارشها حالی است که بسیاری از مردم هادی هنگام این گیری تظاهرات ، در حالی که آن ها فریاد " سرگه مردم به ما ملحق شوید " در حیا بان و در روسوی خیابان برای دانشجویان تظاهر کننده دست ی زدند و هورا ی که بیفتند .

### بیانیه جمعیت حقوقدانان ایران

بدین سال سخن در چنین روزهای جدمیت حقوقدانان ایران بنیاد گرفت و سپس با تصویب و انتشار بیانیه های مورخ بیستم تیر و چهارم مهر هم فرام نگری و سازمان یافت. هدف از تشکیل این جمعیت استقرار حکومت قانون و تامین استقلال قوه قضائیه و آزادی های فردی و اجتماعی مند روح در فرانس اساسی ایران است به همین جهت کسانی که در سالیان گذشته از قانون فقط نام آن را خواسته اند هنگامی که با تاحلی این اندیشه رو برو شدند به مقابله ناخواسته ادعای با آن برخاستند.

این مقاله با اخراج بسیاری از اعضاء کنندگان بیانیه های این جمعیت از مشاوه و بی کالت در ادارات و سازمان های دولتی آنگاه نزد پسران این که ابعاد تضییقات و مشکلات دیگری برای افراد این جمعیت از قبیل مطالبه مالیات های گزافی و هنگامی توبه در واردات گمرک و تخلف در رومی و عزم استوار در ستان مامور نهاد آزادی و سلاستی و امنیت و کلازی دادگستری در معرض ملاحظه قرار گرفت.

بگر از بر خاستن تریس کارهای افراد جمعیت ما دفاع از بی کتاهای بود که در چند ماهه اخیر در اجتماعات و تظاهرات خیابانی و یا به عمل دیگر دستگیر و زندانی شدند و کلازی که در این محاکمه شرکت کردند نشان دادند که با شناخت رسالت راستین و اصل و کیل دادگستری برای آنگار کردن حقوق حقیقت عزم خود را جزم کرده و نیز در جرم جرم قانونی از هیچ کوششی فروگردان نمی کنند به همین جهت و تجاوز های ناخواسته در درجه اول ضمیمه شده ای از این گروه شد :

- در تاریخ ۱/۲۹/۱۳۰۷ به منزل آقای هدایت الله تنین رفتی بجه بر تان کردند .
- در همان روزی نیز در داخل دفتر و کالت آقایان ضویر و سموری و محمد زاری متعیر شد .
- در تاریخ ۲/۲۹/۱۳۰۷ آقای دکتر عبد الکریم لاهیجی توسط گروهی همیاجم مورد ابراز ضرب و جرح قرار گرفت و همان شب بمی در دفتر و کالت ایشان ضحیر نمودند .
- در همان تاریخ بمی به منزل آقای گریوین و پرویس وکیل دادگستری بر تان کردند .
- به منزل آقای حسن نزه دستگیر و زند و علاوه بر مقامی اواری و استاد شخصی ایشان تعدادی فرزند بم به حرق رفت .

- آقایان ناله بجزا لوی کیل دادگستری مقوم رضائیه بسط که مسیبن امنیت اجتماعی به راهبر متعیر گردیدند .

ما از مردم آزاده ایران و کسانی که به حکومت قانون ابدان و اعتماد دارند درخواست می کنیم که در برابر این نوظه ها و تجاوزهای وحشتناکه به حرم دفاع و امنیت و کلازی دادگستری به اعتراض برخیزند و با اقتضای ماهیت این نوظه ها سازمان دهند کال آن راهباز هم روانه سازند .

جمعیت حقوقدانان ایران  
تهران - چهارم اردیبهشت ماه ۱۳۰۷

### اعتصاب زندانیان سیاسی در تبریز و قزل حصار

- ۲- امکان ملاقات با خهستان زندان درجه دوم ;
- ۴- امکان استفاده از دکتر شخصی و بیمارستان ;
- ۵- تعویب وسایل و نه اندیشگی زندان ;
- ۶- افزایش چیره غذا ;
- ۷- جلوگیری از گرانفروشی فروشگاه زندان ;
- ۸- گسترش فضای ضلعب برای زندانیان ;
- ۹- ایجاد کارگاه در زندان .

این نامه برای افراد و کمیته های زیر فرستاده شده است :

رئیس کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل متحد ، کمیته دفاع آریز ، زندانیان سیاسی در ایران ، رئیس کمیته دفاع از حقوق بشر و پیشرو آن در ایران .

زندانیانی که نامه را احاطه کرده اند ، محکوم جرمات شان از سال تا به ابد است .

نامه زندانیان سیاسی تبریز در شرایطی نوشته شده است که هفته ها از اعتصاب زندانیان سیاسی زندان قزل حصار و آذربایجان هیچ خبری درباره آن ابطرف رژیم حاکم آریا صوری شنیده نشده است . زندانیان زندان قزل حصار نیز به شرایط دشوار و محدودیت های غیر انسانی حاکم بر اینها مطلع شده و متعیرند .

زندانیان سیاسی تبریز برای اعتراض به شرایط دشوار و غیر انسانی حاکم بر زندان ها از حرم اردیبهشت ماه اعتصاب ملاقات کرده اند . این زندانیان در زیر بمباری سرسوز و دشمنان ملی نامه ای خواست های خهش را اعلام داشته اند . در نامه آمده است : ما زندانیان سیاسی تبریز اعلام می داریم که در ادگاههای صری نظامی غیر قانونی به خاطر خواندن اعلامیه و کتاب و جزوه یا بخاطر شرکت در اجتماعات و اشتگاهی به زندان های دراز مدت محکوم شده ایم و برخلاف کتبه های رژیم که در مطبوعات بین المللی انعکاس می یابد طرا شگجه کرده اند . بنابراین :

الف- ما خواهان تجدید محاکمه به صورت علنی در ادگاههای عادی دادگستری با حضور هیئت ضمیمه هستیم .

ب- ما طی چند نامه از وضع زندان شکایت کرده ایم اما سکولان به خواست های ما که به شرح زیر است و رهقی تکذ اشتباهند :

- ۱- استفاده از مطبوعات و کتاب های داخلی و خارجی مجاز در ایران ;
- ۲- استفاده از راهبر و روح و شخصیت به صورت شخصی ;

### جنایت رژیم در خانه آیت الله شریعتی مداری

در حدود ساعت ۱۰ بدین کو چکرین علت و حتی وجود بهانه به ناگاه ماورین صلح انتظامی با تهاجم غیر قانونی جاک : و من رگبار مسلسل وارد صحن شده و بمی آن که در ضمیمه کمیته بقاوت بافر صفت سراسر باشد و در تیررس ماورین قرار گرفته بودند ضرب و جرح و قتل واقع می گردند . ضمای حرم رهبر شیخمان جهان از این حادثه دستخو شخرایی وقت آری میگرد . در بازید از منزل حضرت آیت الله العظمی شخصاً در داخل یکی از اتاق ها فروغش ممز خلا شتی شده و بیکه ها رفتنگ و صحنه های ناگوار دیگر مشاهده کردیم . تجاوز به حرم و کانون مرجع و محاسنیت ... موجب خرد شد بد حرم و آزر دگی عمیق خاطر حضرت آیت الله العظمی را فراهم کرده است . به جاست که زبان آن مقام عالمقدر بگوئیم :

- ما با ارگه داریم این رفت ستم بر ما "

نامه ای در شهر تبریز به امضای احمد بنی احمد نماینده تبریز در مجلس شورای ملی دست به دست می گردید که بر اساس شهادت این نماینده از شهرقم نوشته شده است . گفته می شود قسمت های از نامه مورد بحث حتی در مجلس شورای ملی خوانده شده است . اما مطبوعات کوفندی و بلند گوهایی تبلیغاتی رژیم در باره آن مهر سکوت بر لب زده اند .

ما قسمت های از این نامه را که تنها گوشه ای از ضمایح رژیم شاه - ساواک را در قلم قاشی کند ، چاپ می کنیم :

" صرف نظر از حوادثی که در شهرقم انصافی اقتداره است ، به اباد آریز چهارشنبه گذشته صبح بمباری حرم مسکونی حضرت آیت الله العظمی آقای سید کاظم شهیدت آری مانند روزهای عادی مرکز رفتن آید افراد روسا و عمو روحانی و زبان برای رفع حوائج دینی بوده است که

### تعیید برادر آیت الله خمینی

ساعت ۱۱ شب بیستمین ۲۱ اردیبهشت ، گزراهای شاه حضرت آیت الله صد مرتضی پندیده ختی را در خانه آریز دستگیر کردند . وی برا در بزرگ ضمیمه آیت الله خستی در ایران است . ما موران بعد از دستگیری برادر آیت الله خستی ، اورابه نقطه نامعلوم بودند .

### پیام برای گروه تقدیر

رفتای گرامی و خواهری می کنیم هر چه زود تر با مرکز حزب تماس بگیرید و به یاد درود های گرامی

تشکیل جبهه ضد دیکتاتوری شرط لازم برای سرنگونی رژیم شاه است !

ما به آبروی سرنگامه گامه :

Sweden  
10028 Stockholm 49  
P.O.Box 49034  
کتاب پانکی ماه

Sweden  
Stockholm  
Stockholms Sparbank  
Nr 0 400 12f 50  
Dr. P. ...

# نویسد

سال سوم، شماره ۳، شنبه ۱۳ خرداد ۱۳۵۷

(وابسته به حزب سوسیالیست ایران)

(صفحه ۶)

## رژیم شاه در بن بست



سرنوشت کودکان ایرانی: گرسنه و سرگردان

به مناسبت

اولادشون

روز جهانی کودکان

شاه و شریکانش، پس از شکستهای مکرر در جبهات نظامی و سیاسی، در حال عقب‌نشینی هستند. شاه و خانواده او در محاصره قرار گرفته‌اند. در حالی که ارتش شاه در نقاط مختلف کشور در بن بست است. شاه و خانواده او در محاصره قرار گرفته‌اند. در حالی که ارتش شاه در نقاط مختلف کشور در بن بست است.

شاه و شریکانش، پس از شکستهای مکرر در جبهات نظامی و سیاسی، در حال عقب‌نشینی هستند. شاه و خانواده او در محاصره قرار گرفته‌اند. در حالی که ارتش شاه در نقاط مختلف کشور در بن بست است. شاه و خانواده او در محاصره قرار گرفته‌اند. در حالی که ارتش شاه در نقاط مختلف کشور در بن بست است.

## نامهٔ تکان دهنده

### از شکنجه گاه

این نامه ای است از زندان و صدای است از اوضاع شکنجه گاههای روزگار شاه. آنچه در این نامه تکان دهنده آمده است، دست زدنهای مستقیم برای رسیدن به روی زمین جنبانگری که تاریخ بنسوی کسر نظیر آن را به یاد دارد.

"بید" همین نامه رضی مبارز بهروز حقانی را برای ثبت در تاریخ و افشای گوشه ای از پلیدهای ناشناخته در مورد شکنجه های سیاسی شاه چاپ می کند.

رباست محترم کمیسیون حقوق بشر

لگین هفت سال است که اینجان بهروز حقانی ضعیف آزادیهایان به عدم این که عقاید سیاسی من برخلاف میل مرکز کنترل عقاید و اندیشه های حکومت حکم بوده و دست باطله صلحنامه ناموران سازمان امنیت بازداشت شده ام و از اولین لحظه اسارت در زنجیر شده به ترین شکنجه های جسمی و روحی در گذرستم گنجان آن برای تمام سازمان ها یعنی اطالی و مردم آزاد بخواد و بشری جهان شناخته شده است. بازجویی به پرونده ساختگی در زندان در طول این شکنجه های غیر انسانی اعتراضی کرد اما بر تانکد اتهامات وارده در دادگاههای نظامی باشد از من نگرفته اند هیچ توجه به اعلامه حقوق بشر که در وقت وقت نیز حقوق داشته شده در این حقیقت را در هر دو مکان خود قبول دارم و به استناد ماده ۱۰ آن اعلامه که بیان می نماید "احساسات را نمی توان تحت شکنجه یا مجازات بارز نظری فروردار که ظالمانه و غیر اخلاقی انسانیت و شرف بشری و یا در همین باشد." همچنین به استناد ماده ۱۴۱ قانون مجازات عمده "احمال شکنجه غیر قانونی بوده و کلیه اعتراضات ضمیمه در زیر شکنجه چه بر طبقه عدود چه بر طبقه دیگران ناقصه

اعتراضهای و اجرای استقامت هم این همه شکنجه برخلاف اصل ۲۲ ضمن قانون اساسی کفلام می دارد "هر فرد حاکم تصرفات سیاسی و مطبوعات هیئت نظیفین در صلحنامه حاضر خواهند بود" و به استناد اصل ۲۲ ضمن قانون اساسی "تجاوزات رایج به حقوق سیاسی مربوط به صلحنامه علیه است" بر اهمیت مثل هزاران زندانی سیاسی به دادگاههای نظامی شهر تهران تحویل داده و در آنجا برخلاف قوانین فقهی الفکر به طور رسمی در حق حضور هیئت نظیفین صلحنامه کرده ام پس اتم محکوم گردیدم. از اولین لحظات بازداشت که از شهر خود بهمانخت انتقال داده شد تا چند ماه بعد از محکومیت نظیفین طرد غیر قانونی صنوع الیاقات صنوع الکانه بودم و این امر خانواده ام را باها ها اسیر و سرگردان نمود و ترس از سرنوشت فرزند موجب نگرانی و ناراحتی های روانی بسیار شد آنان را فراهم نمود. بعد از محکومیت نیز بلافاصله به زندان دیگری تبعید کردند. هدف رژیم از تبعید ضمیمه (زندانی سیاسی) بدو ترین نقاط کشور است - وارد آوردن فشار اقتصادی به خاک سیاه نشانیدن تمام اشخاص غیر ایرانی - ایجاد چهره دیگری بودم و این امر خانواده ام را باها سیاسی - کشتن غصت های انقلابی - تحصیل - نگاه در صفحه ۳

کارگران ایران، در راه احیای سازمان های صنفی و سیاسی خود مبارزه کنید!

رژیم شاه در بن بست

برای دانشگاهها تجویز شد. ملاقاتها به مرحله اجرا درآمد. اما برای آن که نقش مستقیم ساواک و دولت در پیشبرد این سیاست مخفی سرپوشانده ای نیست بر ده بماند. مستطک صخره ای هم تراشیدند بدون هیچ توضیح و تفسیری. دوروزنامه های گوشه نشین منتشر کردند که دانشگاهها از این پس 'ستاپل' می شوند. که یعنی هر برنانه و تصمیم ضد دانشجویی و ضد ملی که اجرا شود در دست پخت خود دانشگاههاست و دولت و ساواک در آن دخالتی ندارند!

شاه به سیم آخیز شده. او بر آنست که با توسل به سه ده دخترترین روشهای سرکوب میگت جنبش خود ملی و ملی را مدح و پیشه در ده دیروز دیکتاتوری می گوید و خاورش کند. اچه خبر شیکاگو زمین گفته است تا وقتی با فاطمیت ملی می شد، از آشوب و تظاهرات خبری نبود. شاه در لایه ای از کلمات فریادی زد که رژیم بگویم و مردم آگاهانه نه توانایی ویژه طریقت با زدن فضای سیاسی کشور را ندارند. کمترین فریغ آزادی و جزئی ترین جریان هوای تازه، این جویهای گندیده، راه سرد راه هرگز به پیشرفت و تحول نیازانی است و مطلقاً می کند. شدت عمل و خونریزی و قسارت و کتله پاران کردن مردم بی سلاح، به باند اندازی به خانه مخالفان و هیچ گاه های اشرف و چاقو کشان و جویهای بدستان علیه مخالفان. و دلیل ضعف آشکوبه پستی دولت و وضعیان حاکم است.

شاه اساسی میگزین زور پایشی لریز. در طرف این یکی دیوال کیستی فرقی بر همین ماکتنت است. مردم در دیکتاتور خد نمایند. ترسها ریشه زمانها با زنده. در کوچه و خیابان و ترانگی و اتوبوس و در صابوسی و ناملی در دراز و دانشگاه و صمیم تر از همه در کارگاهها و کارخانها. آنگاه که ارتش مملوئی و شکست ناپذیر انقلاب بر کمر نه در کتک عظیم خفتی است. حرف ها و نسا و رفیعی چون آتش و انفجار در دربار می باشد، منت ها و جسم های بی حیثیت از خشم و نارضایتی و عصیان، دیکتاتور را تهدید می کند و ضرورت تغییر وضع تحول، جارو کردن در دروسته استبدادی رژیم مشترک همه بحث های فاضل مخالف و مخالفی است. مردم بیدار می شود آه آه با این سوداها و ترسها و دانشگاهها به استقلال کتله و تانک و سرباز می روند. از میان خون هر شهید و دهها مبارز تازه نفس بر می خیزند. هر که عمل ضربه آبرو سواک که درون آن با دروغ و شایعه و تزویر نباشند شده بزرگ باخته و از لبث افتاده است. شاه بی دراندگدر چنین اوضاعی مردم به حرکت در آمده به هیچ چیز جز سفر ط او و رجالی ها و روسپان سیاسی در هر دورانی نیستند. بنابراین هر دم عقب نشینی آوه همه عقب نشینی های پیشرو است. هر اعتراضی که از دست می دهد و نبردی است که به طمانی که به کردن امی افند و منتال خواهد شد. با این محاسبات همه آرزویی شاه و چکه بر شان و انگل های رژیم خفتن او باز گرداندن اوضاع به شرایط نسبتاً آرام گذشته می کند. با این خواب و خیال هاست که شاه تهدید می کند که: «مخالفان را در مردم خواهد شکست. اما این خواب و خیال تا چندان از قابل تمییز می ماند؟

بگذریم جواب این سؤال را آنتیان یکی از زهره ها معتبر و شناخته شده خود رژیم به هم، ستاور ساقیو بار و همگد نزاع به جناب محضر و سفار پهلوی در سنوات گذشته و مترش سیاست های افراطی کتبی رژیم و در ابع عالی تر طبقه حاکم میند سی جفرودی در مدد و در ریژ پنهان به اجتناب نسبتاً خصوصی که در عمل ستاندگی شرکت های استعنائی برگزار شده بود و به تخریب و تحلیل اوضاع ایران به این نتیجه گیری رسید که: «شاخصه تصمیم دارند اوضاع را به حالت سابق برگردانند. اما بین تصمیم ایشان و امکان عملی شدن آن خیلی جاسی حرف است. آنچه همرز است اینست که جاسه میکرر جمله چند صد سال پیش نیست.»

# پیروزی زندانیان اعتصابی قزل حصار

اعتصاب غذا ارتقا داده بودند. خواست های عمده اعتصابیین صبرت بود. از اجاره ملاقات به افراد مردم در ایالت کب و نشریاتی که در خارج از زندان مجاز است. امکان داشتن راه دوری برای هر زندانی. زندانیان اعتصابی در نتیجه یکپارچگی و یکپارخ خود در مبارزه موفق شدند به همه خواست های خود دست یابند.

زندان سیاسی زندان قزل حصار پس از هفته ها مقاومت و پایداری موفق شدند مبارزه اعتصابی خود را به پیروزی قطعی برسانند. این ریزندگان در بند از هفته ها پیش برای دست یابی به خواست های اولیه انسانی و حیاتی خود دست به اعتصاب ملاقات زد. بودند و از سر ایالت چهره فدایی زندان خود را بر می کردند و آخرین غیورهای وسط نشان می دادند که پاره ای از زندانیان مبارزه خود را تا حد

این کلمات که طی رزم گینده اش سرشار از واقعت است و هنگامی طبع عصبی تری می باید که در نظر بگویم جناب میند جفرودی از ولایتگان بی چون و چرا ایامی ایام آمریکا و اروپا و در جنبی جاسی از دیورات های پانگی است و از چند ماه پیش به ملاقات و پیشتر تکمیل آوری در تلاش ایجاد یک حزب با سازمان سیاسی است. میند جفرودی در همان جلسه یاد شده که یکی از نشست های مرتب او بر طرف از افشای بود. از ماجرای دیگری نیز که روشنگر بسیاری از جوانب صایلی ایران است. به برداشت. او گفت که اطلاعات خوبی دارد که کاغ سفید نشینان و اشنگن لغیر توسط به فاضی امریکائی به شاه پیام داده اند که اهداف امریای صرو سامان دادن به اوضاع از طریق بازگشت به قانون کند و نگذران کند ماست. ضمون واقعی بهایی که فاضی امریکائی همراه خود آورده هر چه باشد به امر رویش می کند و آن این که من ضایع نمی و دراز مدت امیر ایام با حال صلح شخصی و سیاست های دیکتاتور ایران تمارض های وجود دارد. امیر ایام که آگاه است که توان هرت ها در قریه جبهائی به هم خورده و نیروهای صلح و مصلحت امیر در چه صورت قابل تمییز کنند جریان و صورت تاریخ در آمده اند و خیره های مملو استراتژیک و چپاول و درجای دیگر کارزار نیستند و به میند و پیشه شورهای تازه و نقاب های ناشناخته تر بر آمده و بهایی ضلع حقوقی پخر یکی از شرک های این شایعیتی بازی های سیاسی است. اما به نظر می رسد که شاه در خواب خرگوشی طولانی خود از مشاهده درک تحولات و ضرورت های جبهائی بر چوشی که در آن سنگ روی سنگ بند نیست به اجازت حادثه و همچنان در دستی به سلاح کینه داغ و درفش و تفنگ و چوپه های دلر چسبیده است. این ریشه خشن آخسته به چنین ضمون و قسارت مکن است یک چند سفر ط حسی تاج و تخت لریزان آواره تمویق اندازد. اما در دراز مدت ضایع حیاتی امیر ایام راهم در چلر مشاطره یکده و بالای حاکمیت سرمایه را در ایران زیر حلا ت م س و س و س و س می گذرد. چنین است که شاه بر سر یک دورا هسی ایستاده و به گرایش از روی رژیم آواره عقب نشینی های تاکتیکی و لاهیایی صوری پرلانی از حقیق قانون و پامال شده مردم می خوانند و گرایش دیگر که با دل شاه هنوز است در برابر هر دو جنب نشینی به او پیشنهاد می دهد و او را بر حذر می داند.

حرکت های لغیر رژیم شاه گره بر آست که گرایش مردم فراهم بیشتری می باید. جنبش گسترده و انچ گروشه دیکتاتوری چنان وسعتی گرفته که شاه به زمینه های خسون آقسام رژیم را جدا به وضعت انداخته سایه های خونین تحت سلطنت بره لریزه در آورده است. برای شاه هیچ روزنه امیدی بازنستی و در این فضای باس آور دملینی جبهائی اولریزه صوری کوشه پارلمانی از اقتدار منزلت تر مخالفان بعضی از گریه ها و جریان های مذهبی کسار بهیچاد و از روی دیگر باسفت کردن بیخ و بنیر ه ما از گسرتش و تصمیم جنبش شد دیکتا توری جلو بگردد. این که کیا او خواهد توانست تیزان مهنگونی را به تفری و خلقتی بر خاسته مبارکند و جوابی مناسب تر از آنچه جنبش سیاسی

جفرودی به طرفه لریان خود داده اند. در ایران امروز دیگر ایران سالیان طلاق استبداد خود کا مکتبی نیست. جبهان امروز هم با جهان در پیوستگی ندارد. کنگور و روخ ها و تبلیغات و تصمیماتی های شاه و شرک به به تده دیک خود. کرانی ضد دیکتاتوری و ضرورت های اجتماعی، شهری، بهداشتی و پزشکی، آموزشی و سیاسی و اقتصادی شکست همه بر نانه ها و دعوی رژیم جان مردم راه لب رسانده. سیاست افسار گسیخته نظامی و ترانج دلار های نفتی و اختلاخل خزانده و فاضول کشور به وسیله دهها هزار کارشناس متخصص و دستیار امریکائی و روسی همه راه خشم وطنیان کشیده. در کنار این واقعت از همه طبله کتک زالی و تفریب است. در ایران که حجم آن از طبله نقر می گردد، و نشانده عسرت جبهان و تاحول وجود و ۱۰ صلیون محصل و ۳۰۰ هزار دانشجو در داخل و خارج کشور و نوزدهای ۵۰ و ۱۰۰ هزار کتب علمی و سیاسی، بنظرسرگت و سست آگاهی و جریان گسترده فرهنگ تفریق در کشور است. با سرباز بر این همه ساله و نوسر و ننی تاج فائق آده. در این چشم انداز به عوامل و عناصر اولون گینده در دروسته دیکتاتور حاکمان افشار و توانی هستند که قادر باشند به پیروزی قطعی بند پیخته. اما میزان عقب رفتن استبداد و گسرتدن فضای سیاسی و اقتصادی و درجه پیروزی هستند نام به زمینها و شورایی در در کمر راس آنها با حقیق و روشنی و اتحاد عمل همه نیروهای مبارک و تکیه و هدایت استبدادی را در دراز. برانگیزی نیروهای ملی و تفریق و صف آرایی جدا جدای آنها به استبداد رژیم خورده این امکان را می دهد که با کمترین گذشت و حداقل بهای، مواضع اساسی خود را حفظ کند و به انتظار وضعت های نامسب بنشیند. آنان که برای احیای آزادی چشم به صد پانگی ها و وضعیان و شکسته و کاسکار حقوق بشر دوخته اند و کسانی که هنوز امید به پیشرفت حقوقی پامال شده مردم از طرف این رژیم شد و مبارک تیک و فد خلقی و محیور بسوی آینده دارند و هر چه بکمان دچار خوسش و محالی و توهم اند و هر صین رؤیایان هستند که از یک سو به برابر حکومت جلادان و ترانجامبران گرشه می کنند و چرخ سبز نشان می دهند و از سوی دیگر برای جلب نظر سلسله رژیم به نیروهای چپ و دیورات های واقعی و بی کسار جاسه ما می نازند و در هر فرستی به سوی آن ها لبین می باشند. این سازشکاران و خام دلان از گریه نیز چند گ همان انتظار و دراند که ضعیفان مامل می تبسبند ضلوع صیده زبانان داشته و نسیان تمام جنگل های تیز دشمن خونریز را در گوشت و پوست خود احساس می کنند. بدون این تاملات کتبه بنیان سازشکارانه هیچ سد و مانع جدی در برابر اتحاد سپوند نیروهای ضد استبداد صی صرف نظر از آگرا و مقلاید و سلسله های آن ها وجود ندارد. بدون تشکیل چند جبهه واحد و گسرتدن های و نسیان جری بر دشمن تا این حد مذکور و سفک و پیله گرو آبرو باخته و فرار از نشانی و رنگ دشمن تر تر بر مشاطره تر است. و بند بر این ضرورت حیاتی و تاریخی، جبهه یافتن دست تر و های چپ و در سر آن ها حزب طبقه کارگران، حزب آ آب و آتش گشته توده و بغیر واقعی است.

نامه تکان دهندای از ...

سهلست حکماتی فشار و زور گویی به خاطر قطع نمودن ارتباط زندگی با خانواده و زادگاه خود ...

ماهیانکجه همراه با ۸ نفر از بهترین فرزندان خلق به اتهام دروغین اعدام با فرار اعدام نمودند ...



پشتیبانی هیئت انتظامی شهروانی در هوای کشنده مرداد ماه مرا به ضد کشت به سلول داغ و ضمن انداختن یعنی گریه محکوم نمود که در آن فصل سال هیچ جنایتکاری را آن طور مجازات نمی کنند ...

بدین وسیله از مرگ تدریجی حکومت فشار نجات پیدا کرد ... پلیس در طول این مدت ۴ ماهه شکنجه و از دادن نان هم به اندازه کافی خود دلری می کرد ...

# درسهای گرانهای نبرد اعتصابی کارگران گونی یافی

# جنس ها و مسائل کارگری

صدها کارگر گونی یافی رفت از اول خرداد به پست ماه اعتصاب بورژوازی را برای افزایش دستمزدها و بهبود شرایط کار خود آغاز کردند. کارخانه گونی یافی رشت یکی از واحد های تولیدی بسیار مهمی کشور است و حدود ۱۰۰۰ کارگر در سه شیفت ۸ ساعته در آن به کار اشتغال دارند. کارگران با پیش کشیدن ساله گرانی روز افزون و سرسام انگیز هزینه های زندگی و ضرورت های مختلف خود و خانواده هایشان تلاشهایی که در زمینه خودیاری و ارتقاء سطح دستمزد داشتند که با مخالفت و ظلمت لاجو جانته صفولان کارخانه روبرو شد. وقتی همه درها به روی کارگران بسته شد و عذرات و پهنیهای آن ها در جهت دفع اندکی از تبعیض ها و نگرانی های استثمار کننده ای که بر آن ها تحمیل شده بجای نرسید تا ناچار جزیره ایصلی کارگزاری به نخست کارگران خطه ای افکند خانه ی آن که محل کار خود را ترک کنند دست از کار کشیدند و وقتی نوبت شیفتهای بعدی رسید دیگر کارگران نیز به آنها پیوستند. آن ها هر صبح کارخانه اجتماع کردند و افلا پداقتند تها در صورتی کارخانه را ترک خواهند کرد و کار محصل خود را از سر خواهند گرفت که به نیاز ها و خواست های آن ها توجه شود. اما صفولان به جای پاسخ شیفتهای دهان های که نان می طلبیدند دست های که گرنه به ثروت و نعمت و خالی از بهیسی ترسین حواصیل ریزه زندگی است هرگز های عملکردی راه جان آن ها انداختند. پاسور نیروهای ساواک بلافاصله در محل کارخانه حاضر شدند و یورش و حشویه و در پلانه ای رطوبه کارگران حق جو شروع کردند. فیر فیرات هیمانه باتوم و مشت و لگدم و پاتایدید سرنیزه و لوله های شکاری تفنگ و مسلسل و زخم کشان معترفش ناگزیر به ترکه کارخانه شدند. اما بیروهای خود نشو را از باز هیدست اثر شرارت نکشیدند و کارگران زخم کشو طعمان کرده و انا صیدان فرهنگ و لولیل خیابان پهلوی تعقیب کردند و پس از آن ها راه شدت منحرف و خطر رو بستختند. به نیتان نبرد اعتصابی کارگران کماز طبیعی ترین و جانانه ترین ضروت های زندگی ساده و بی نصیب آن ها سرچشمه گرفته بود و با سرنیزه و باتوم و کینه کور و هم روبرو شد.

نیز در ای روز اعتصاب به دستور ساواک و به تحریر صفولان در کارخانه گونی یافی رشت را بستند. همه کارگران پیشنها کردند که اگر طالب کار هستند باید در کارخانه نام نهی کنند و ضمن سپارند که هیچ در خواست و پیشنه ای ندرند. تعدادی از فعالین کارگر به گلی کتله گشته شدند. جمعی دستگیر گردیدند و حشر برای به زانو آوردن کارگران جلیزه با انگشت کشافتن بنطق حساس آنها به یعنی قطع حفری ناچیز آنها شروع شد.

در روزهای بعد این توسط باید و تعدادی از کارگران رهگ غیر نیازهای آن روزانه خانواده خود و تخم شکم های نیمه صبر فرزندانشان رنج می بردند به تندی این به تحمیل کارفرما وارد است. و هر روز بر این تعداد افزیده گردید. کارگران با هیچ مرتبه از این بیگانه گناه بخش و آسوزنده تیره بسیار بردارته شدند و وقتی در نسی و محفلت را چند آن روشن نماندند به داستان زخم کشی خود توصیه کردند به سو گزارش برگردند. آن ها با تکیه بر نقاط حساس حرکت صحنی بخش خصمیه کردند: ایمن بازرگانی صیولان به رفتار کردیم. لازم بود قبلا سه رفا را بادهای اعتصاب و مشکلات و صایبل اشتعالی ناشی از آن آشنا می کردیم و در صورت امکان از مدت ها پیش از آن صفر روی برای ناخین نیاز کارگرای کتبه دست ترواز نظر ناخین مهای روزانه آسوزید ترند. تعدادی از این امین کارگران روی این نکته تاکید می رویدند که تفنگ و همیشگی ما کالی نبود. نشکند بود. این بزرگتر سن حذف ما مهم ترین عامل قدرت کار فرمای بزرگسترو چه بلگر بود.

کارگران جلیزه گونی یافی رشت از شکست حوقی خود در صورتی های آینده را گرفتند و در یافتند هر جا که صدای حق خواه آن ها بلند شود با حق و رهاصکت و همرو می شوند. بنابراین هر تلاشی صحنی از نظر امین رهاص غد کارگری و بلیغتر سیاسی است که حکومت را تهدید می کند.

## اعتصاب صدها کارگر آجریز

صدها تن از کارگران آجریز رشت و اطرف آن از روز شنبه ششم خرداد ماه اعتصاب یکپارچه و پر شور را آغاز کردند. اعتصاب کنندگان خواستار افزایش دستمزد برای ناچیز خود که در سایه با کارشای طاعت فرسای آنها ناچیز تر به نظر می رسد هستند. با این حرکت گسترد اعتراض حدود ۲۰ کارگاه و کارخانه آجری سازی و مصالح ساختمانی رشت که ناخین کننده بخش قابل توجهی از نیازهای ساختمانی آجری باجان است به طور کامل قطع شدند و از کار باز ایستادند. بر اساس نخستین گزارشهایی از خبرنگاران نبرد تعداد کارگران اعتصابی از هزار نفر بیشتر است. آنها می گویند در قبال زحمت و دشواری که سرساز روزهایشان را می پوشاند، بهتنسی آن هر روز نمی گیرند که جرم ترین نیاز های زندگی خود و خانواده هایشان را بر آورند. زخم کشان اعتصابی میزند که اکثر آنها بیش از ۱۰ ساعت در جنبی ترین روزهای تابستان در رنگر کوره های آجری رشت و در گرمای طاقت فرسای کارگاههای خود به کار جسمی سنگین اشتغال دارند، تالهای نکان دهنده های دارند که برای رسولی رهاص صحنی شدن بزرگ و بخشنده بهشت به کارگران کافی است. آن ها می گویند شک های ما و خانواده هایمان راسر کید. همین امین تنها عامل و اساسی ترین انگیزه اعتصاب ماست. یکی از کارگران فریاد می زند اعتصابی که سرسازر غر خشم را در پای کوره های آجری برای به سر آورده است و غیر دیگر نیو بد گت:

من در قبال ۱۰ ساعت کار روزانه مزد منی خواهیم فقط گزابه خاتمه هزینه خورد و پوشاک خانواده ام را ببریم. اگر نمی خواهیم این کار راهم بکیم مانعی ندارد. من تمهیدی کم سرسازر ریز را برای این آقایان کارکم، آن ها هم به طور خشک خورد و پوشاک ما را بدهند و یک سه پناه برای خانواده ما در اختیار ما بگذارند. کارگران اعتصابی هم اند تا بر آورده شدن خواست های حق و اصولی خود، جلیزه اعتصابی یکپارچه و پر شور انگیزی را که آغاز کرد ما در ادامه دهند.

## هنگام عزیز

افزایش حوصلی هزینه های زندگی را چگونه تحمل کنیم؟

با یک نگاه اجمالی به افزایش سطح هزینه های زندگی و ضرورتی که هزینه ها تا میزان ۵۰ درصد مشاهده می شود. به طور مثال:

پیش از ۲۰۰۰ تن از کارکنان شرکت توانیر ( تولید و انتقال نیروی ایران ) در فاصله ای که در ادارات مختلف این شرکت در تهران بخش شده قرار گداشته اند که روز ۲۲ خرداد برای افزایش به کسب و حوقی و درخواست افزایش حوقی دست از کار کشند و در اداره مرکزی این شرکت نوع در وقت اجتماع کنند.

| شخص                   | سال ۵۱    | سال ۵۰                                 | میزان افزایش |
|-----------------------|-----------|----------------------------------------|--------------|
| کرایه به انبار        | ۲۰۰۰ ریال | ۸۰۰۰ ریال                              | ۴۰۰٪         |
| انوار صحنی (ساز)      | ۵۰        | ۱۲۰                                    | ۲۱۸٪         |
| کرایه خودرو           | ۴         | ۲۰                                     | ۴۰۰٪         |
| نیمه سبیل شهرستان     | ۱         | ۵                                      | ۴۰۰٪         |
| حقوق                  |           | در نظر گرفتن حقوق ازسی نسخه بجز تخم کم |              |
| بوام (تعمیر و بازرسی) | ۴         | ۱۲                                     | ۳۰۰٪         |
| گاز                   | ۱۰۰۰      | ۳۰۰۰                                   | ۳۰۰٪         |

# اعلامیه افشاگر کارمندان شرکت توانیر

در مدت ۲ سال و ۴ سال و بعد اکثر افزایش حوقی ما حاصل ۲۷ درصد بوده است. برای ترمیم این افزایش هزینه های جاری، همین تن توان همسان بخشی هامز را کردیم از دستمال استفاده نمود. بیاید تا در تاریخ ۴/۴/۵۲ در صحنه اداره مرکزی (تنگ) گرد هم آئیم و با توجه به جدول کوچک فرقی از مردم حوقی اند که مان به عنوان سکدر در حال برد کشته افزایش هزینه های زندگی، کمبود حداقل صد درصد حوقی را چاره ای بیندیشم.

کارکنان در فاصله خود جلی آورده اند که در آن افزایش هزینه زندگی از سال ۵۱ تا سال جاری با نیتان ارقام بیان شده است. کارکنان توانیر در برابر افزایش هزینه های سرسام آور زندگی خواهان صد درصد افزایش حوقی هستند.

ظن افلاصه کارکنان توانیر به شرح زیر است:

## اعتصاب ۵۰۰۰ تن از کارکنان برق تهران

پیش از ۱۰۰۰ نفر از کارکنان برق تهران اصبح سه شنبه ۹ خرداد برای افزایش حوقی های ناچیز خود دست به اعتصاب زدند. بخش شده کارکنان از ۱۵٪ دست در اداره مرکزی برق تهران واقع در خیابان واکه اجتماع کردند. چند لحظه بعد کارکنان شهرستانی اداره راکه در باغ و صحنی قرار لرد به صلصه در آورد. کارکنان برق تهران خواستار ۴۰ درصد اضافه حوقی هستند. آن ها پای آوری کردند که حوقی شان در سه سال اخیر ثابت مانده و تغییر یافته است و با توجه به افزایش سرسام آور هزینه های زندگی و اضافه حوقی در خود احتیاطی توان گشته ای از افزایش بی برصی قیمت ها را در سه سال گذشته بیبران کنند. اعتصابیون همچنین خواستار افزایش حد اقل حوقی در بد و استخدام هستند که در حال حاضر ۱۰۰ تومان است. آن ها می خواهند که ۱۰ ساعت اضافه کارها مانده آن ها کماخیرا حذف شده است و باره بر قرار شود.







### برای آگاهی هواداران حزب

با یکبار دیگر بروشنی هواداران حزب را در همه جا آگاه سازیم و بگوئیم بر اساس رهنمودهای سازشی و گسریه انقلابی تودای بوجود آمده و با مرکز حزب تماس برقرار سازیم. برای برقراری این تماس تا هنگامیکه وسیله گاسلا اطمینان بخشی بوجود نیامده تنها بنام مستطیر و بهین در آن هیئتکده غیر و ملائحت که سالها بنیزانده از آن راه نظارت داشتیم به نشانی حزب توده ایران نامه بفرستیم و خبرهای جانبی مستطیر زندگی خود و محیط اجتماعی ایران را که در روزنامه ها منتشر نمی شوند برای ما بفرستید.

این گونه نامهها خود را بنویزید مستطیر از ایران بفرستید ولی بجزر آنرا به نشانی آقای در صلح از ایران - بفرستید و از او بخواهید که آن را به نشانی حزب ما به پست اندازد. در صورتی حتی بنویزید از نشانی کسانی استفاده کنید که آشنایی به یی نیستند و نظرا هم نمی شناسند. این بستن دارد به امکانات ابکارا خود شما.

برقراری پیوند کامل سازشی تنها از راه ارتباط مستقیم فردیکه صد درصد هواداران شما باشد با سازمان مرکزی حزب در دست راست است. برای گرفتن این ارتباط باید دست خود نظیر به اریبا بیاید و از یک تلفن صمیمی و یا از پستخانه (نه از پستخانه) با خانه سکینی) به یی در مام نام و نشان خود به شماره تلفن ۷۹۰۰۲۱۴ و ۷۹۳۳۲۹۹ در پاریس تلفن کنید و آگای باور Bayar را بخواهید. آن دوستان شماره تلفنی را که با آن میتوانیم با مرکز حزب تماس بگیریم به شما بخواهیم داد. نه در تلفن امله و نه در تلفن در نام واقعی و نشانی خود را بگوئیم. خود را به نام مستطیر معرفی کنید و بپس راهتانی که به شما خواهد شد در قافا توجه کنید.

راه دیگر برقراری پیوند وسیله یکی از دوستان در دست راست است که در خارج زندگی با محصل میگردد و برای دیدار به ایران می آید و وسیله برقراری پیوند سازشی بین شما و سازمان مرکزی حزب را فراهم می آید. برای ارسال خبرها و نامه های خود به "سویک" نشریه حزب توده ایران در داخل کشور نیز می توانید از نشانی مرکز حزب استفاده کنید. با در راه خلق حرکت می کنیم. هدف ما بحق است. راه ما درست است. ما سرانجام پیروز خواهیم شد.

با ما به آرمیسوس گامی بگذارید

Sweden  
10026 Stockholm 49  
P.O.Box 49034

حساب بانکی ما

Sweden  
Stockholm  
Stockholms Sparbank  
№: 0 400 126 50  
Dr. Takman

**پیام برای گروه تندر**

رفقای گرامی و خواهش می کنیم هر چه زود تر با مرکز حزب تماس بگیرید. با درود های گرم

### خطر مرگ جان رفیق رحیم شیخ زاده را تهدید می کند

## باهمبستگی فعال و وسیع دست جلا درآ کوتاه کنیم

"گروه" مشتمل از "سازمان جریه های فدایی خلق" طی اطلاعیه ای اطلاع داده است که یکی از اعضای آن گروه بنام رفیق "رحیم شیخ زاده" اخیرا توسط ساواک دستگیر شد و هم اکنون تحت شدید ترین شکنجه ها و وحشیانه قرار دارد. ما ضمن انتشار همین اطلاعیه از مردم ایران و از همه مجاوران راه آزادی ما خواهیم که به هر وسیله که می توانند در افشای هر چه وسوسه برانگیزانه جنایتکارانه ساواک بکوشند تا دستم را از ارجاع این صحن پرست انقلاب کوتاه کنند.

### « توطئه پلید ساواک »



حدود شصت و یک روز پیش ۰۷/۲/۶۷ رفیق "رحیم شیخ زاده" از اعضای گروه ما در خیابانهای تهران توسط یکی از اکیه های گشت ساواک مورد شناسایی قرار گرفته و دستگیر شد. به نبال این دستگیری ساواک جنایتکار ساواک، برای اینکه دست خود را در شکنجه و وحشیانه تر این رفیق می آنگه یی از قیام داده و در نظر شکنجه داشته باشند - بازگذاشته، قانع نبوده که کتیا رفیق گین زاده "در یک برخیه خیابانی بکشد و بریده است."

ما ضمن افشای این توطئه پلید ساواک از نظم نیروهای آزاد بسواد و از همه سازشکاران و انجمنهای هوادار حقوق بشر و کتیه های دفاع از حقوق زندانیان سیاسی در ایران و سایر جهان خواهیم که در افشای این توطئه زبانه ساواک با ما همدا گردند.

البته این اولین بار نیست که این جنایت بیگان خلیفان دست بسید چنین توطئه ها را مرتکب شوند و آخرین بار نیز نخواهد بود. گر اینکه همه نیروهای انقلابی و مائلی و وطنان به روز آتش تلخها، گروه و تشکیلات خود را در یک جبهه واحد و خرجه نشود، تره هر چه مستقیم تر توده و رئیس ناپستی متحد و شایه خائن و سرزین ساخته و به سلاطین هشت پاسار، امرضی ساواک، ساخته داشته.

در افشای و بی اساسی توطئه های ساواکیستیم "گروه" مشتمل از سازمان جریه های فدایی خلق ۱۳۰۷۲۷/۱

### تهاجم خونین به خانه های مردم ادامه دارد

در صحت ماوران و زندگانی ساواک درباره به خطفه برورش برودند و ضمن خراب کردن خانه های مردم چند تن از زندگانیان نظام و معترض را دستگیر نمودند. نظیر این حادثه در صبح روز دوشنبه ۸ خرداد در محله "مختار" واقع در خیابان فرح نو اتفاق افتاد که در ضمن آن کودکی توسط سباهیان تخریب رهم مرده و قد خلقی شاه به شدت مجروح شد.

تداوم این حوادث که هر روز به یی خانمانی جمع گسری از یی نصیبترین زندگانیان صحن ما می انجامد آشکارا ماهیت رهم خد خلقی شاه را که ثروت های سرشار طبیعتی و انسانی کشور یی مهابا فخرتی کند و هر صدای اعتراضی را با وحشیانه ترین شیوه های سرکوب و شکنجه زنده ان و شکنجه و ادم پاسخ می گرد و همچون کابوسی شوم بر کشور ما سایه گسترده نشان می دهد. با اتعنا و بیکارگی خرد خرد این کابوس طولانی پایان رهم.

طی رفم وده و وید های توحالی رهم در صورت آزادی خانه سازی در "مختار ازبده تهران" و تهاجم گرازه های وحشی رهم به خانه و گناخته مردم زحمتکش این مناطق و تخریب سر پناه آنان که با هزاران خون دل و پیوند از نان و آب روزهان حقوق به بر با گردن آن ها شده اند ادامه دارد.

گزارش خبری نگر ما نشان می دهد که ماوران تخریب و حریت شهروان در روز دوشنبه امله خرد اد ماه بسا و بهر دل روز رو یک ماهین شخصی و چند مترو سیکلت، برای تخریب خانه های واقع در زمین های اولیای در شیوان نوبه این منطقه هجوم بردند اما مقاومت دیرینه و جسمی زحمتکشان ساکن منطقه مواجه گردیدند. مردم انبیسر و جوان زن و مرد با جوب و حمای و سنگو آجره باطله بسا و سنگر انگران رهم برداختند و آن ها را وارد لره عقب نشینی کردند. امروز بعد ما حمان با گرد آوری سباه بسا رو

### انتخابات کانون نویسندگان ایران

طی رفم کلرنگی ها، تهدید ها و توطئه های پلوسی کانون نویسندگان ایران سرانجام در جلسه پرورشوی که در آن ۹۰ تن از نویسندگان و مترجمان و نشرگران محققان و شخصیت ها و نمایندگان انجمن فرهنگی شرکت داشتند و هیات مدیره جدید خود را انتخاب کرد. کیش های فلی کانون نویسندگان برای انتخابات هیات مدیره به خاطر مخالفت مستقیم پلوسی تهدید گستاخانه ماوران احتیجی و محاصر وصل انتخابات توسط کلر های شهریان علی نشد. اما این محاصره و تهدید فرهنگ پر اثر تداوم مبارزه اعضای کانون عظیم ماند و هنسوران نویسندگان و نمایندگان فرهنگ امروز ایران با انتخابات چهاره های مبارز و آزاد بخواهد بعنوان دران کانون

- ۱- به آرمین (محمود افتخارزاده) ۲- باقر براهام ۳- فریدون آدمیت ۴- فریدون تنکانسی ۵- خو چهار هزارخانی.
- تهدید "با تنبیت به هیات مدیره جدید کانون نویسندگان ایران، بر رفیق آن ها را در جبهه به خاطر اندیشه بدعت و آزادی صحافت آرزو ضد است.

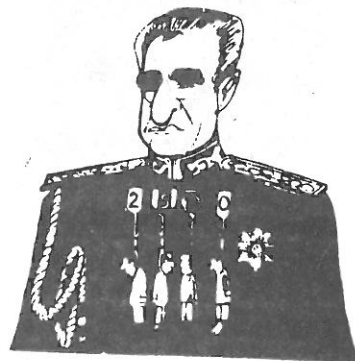
رفیق گرامی انوشه با شماره ۲۱/۵۰ تماس بگیرید. با درود های گرم

# نویسد

سال سوم - شماره ۳۱، چهارشنبه ۱۷ خرداد ۱۳۵۷

(وابسته به حزب توده ایران)

«فوق العاده»



جلاد ننگت باد!

## جنایت تکان دهنده مزدوران شاه در کوی دانشگاه

و خن با همه احساس صمیمیت خود برای آن ها گریستند. این پاسخ خلق به دردمند بود. اما هم دانشجویی در دختر صبر همچنان بس سر منزل ماندند. بسیاری از بانان شب را در کویچه و خیابان و اظهارد باره فرح به صبح رساندند.

حادثه صبح کوی دانشگاه تنها جلوه ای از سرشته نند ملی و ضد بشری رژیم مستور و ظیوان شاه و شرکا را نمیکند. در حالی که تمامی دانشگاههای کشور به دست دیکتاتور تسلط شده است. در حالی که حقوق استادان دانشگاه صنعتی و دیگر استادان زندگیشان آزاد نگه در برابر خود کجایی های زمین از حد بسیاران و جناحکاران و نوجه های سطحی جیبانکاران در خدمت گرفته اند. قطع شده. در حالی که همه ها دانشمندان از دانشگاهها اخراج شده اند و با انحلال نسیال اکثر دانشگاه ها خلا در دهها هزار دانشجو از تحصیل محروم گردیده اند، جنبش پرغول دانشجویی که حضور دانشگاهی پرورش استادان همین برسد به آن خلا و تنی همچنان انگیزی داده است. همین روح تازه ای می گرد و گسی به جنبش صوبی خلق نوزده فر می شود. نوبت است نوزدی و بیرون اعتصاب ناید بر راه طوفان حرفه ای از اکثرهای ای بی شمار غریب جانور خلق. در حایه مردم از استادان صبا ریز دانشگاه صنعتی می بسیم. همین که ابادی رژیم برای به زانوس در آوردن استادان غریب خلق آن ها را قطع کردند. مدافعان میان ضد و پیروز برای برای تأمین نیازهای صرم استادان ایجاد کردند و بسیاری از بازاربان و دیگر آزاد بخواجهان برای ساعده در دادن به این ضد خلق اعلام آبدارگی کردند. دشمنی که چون مشه از دانشگاه به خیابان آمد. در بازار طرده شد. خلق زیر صبه های استادان در بوانه و صمیم برآمده به همه هم جوش می خورد. همین فرزندان روشن خلق در دانشگاههای خانه می زند. اما با هر طره دشمنی دشمنه های مبارزه بیشتر نمانه می کنند.

کارگردانان جنبه شب بازی سلاطین و زحیمان در بسیاری و آهنگاران و صمیمان آن ها در سازمان سیا و اینجند سرویس استیسی می گردند تا با همکاری، طنکه جنبش صنعت سازی های مروج و رسوا، شکننده ها، درها و دردمند کهیدن آزادیها و جنبه به صوبه صوبی و ماجراجوی های رنگارنگ، ظاهر صحت و مبارزات پر شور و صمیمی را خنقه در سازند. باز سر در دست مشرف کنند به براه بگنند. پایه صورت و شرهای کور و صمیمان صوبه صوبی همه به مشه صوبان بر عاصمو، آثار شمشیر طلوه دهند. اما این دشمنها هم هرگز پیشرفت افتخار رسوا می نند. این خصای زنا و ذلت و تقویر هم می رنگ می خورد. دانشجو با دیگر صبر صبر است و ستیزگان از دم صمیمی می خیزند که دیگر حاصل بخش خفنی چیست و مدی و تنس مبارزه کیاست. این درسی است که به بار برورد همان خین های گزاسی، خوابگاه دانشمندان در صحنه ای که گدشه، شلخته های غوغین به بار آورد.

آگین خود کبود و سرخ گردند. دانشمندیانی را که می خیر از همه حیا در اطاق های خود سرگرم درسی خواندن بودند. بعد حمله دستنه جنس قرار دادند و آن قدر زیر پا کجیدند و به نماندیم به در و دیوار زدند که گد زمین و بیته و دیوارها فرقه در خین شد.

در ایستار و صحنه کوی دانشگاه بیش از ۲۰۰ کاندوی مسلح به باتوم الکتریکی مسلسل سنگ و بیاض شرکت داشتند. آن ها برای مرعوب کردن جوانان نید دانشجو صد هاتیر هوایی شلیک کردند و محسب خوابگاهها را با گاز اشک آورنده آورو شاندند. یکی از خبرنگاران توده که از نزد یک شاهد این صحنه های وحشتناک و استقامت شریروانه رژیم شاه - ساوا و ژنرالین و وزیران نذیه خلق بود. از این ساعات تلنگس و رسوا و عصابور تکان دهنده ای ترسیم کرده است. او در گزارش خود می نویسد:

«گاند و شام می درادند. نهمه می گنیدند و حمله می کردند. هر چند نفر یکی از دختران با پسران را ماصرمه می کردند و با کشتن می حیاتی بر سر او می ریختند. به قصد کشتن می زدند. لگه مال می کردند و صدها ای شمشیر و برنانه سر می دادند.

پسران دانشجو دختران را در یک صف صوبی خود نیاده اند بود. اما با دست خالی در برابر این همه فتوت و این جنون صص صبار گویه چه می توان کرد؟

وقتی صحن گری به میدان غوغین به جنگ مسلح بداند شد. کاندوها و اوراق دانشجو پان شدند و درها را بحد شکست. نهمه ها را خرد کردند. لا لب هارابه ریخته شد. نوزیبا ننداخته. اناک و لوازم اطاق هارا در افان کردند. با باتوم شسته نهمه هارا شکستند و سرانجام هرچه کتاب و جزیه و بیتر و ضبط موعود را در ویلیس یافتند و وسط سطوحه کوی منتقل کردند و آن هارابه آتش کجیدند. شوق و لشکره حیوانی بعضی از این دشمنان و زحیمان و زحیمانان جیل و دیکتاتوری در ایسن چنین کتاب سوزان، بکشد، بیننده و در ازله در می آورد. کتاب ها نمانه می کجیدند و نگهبانان و مزدورین رژیم شاه فیه می کجیدند. آن ها از این فرهنگ انتقام می گرفتند. مگر نه این که دانشگاه همیشه یکی از سگرهای استیارتزادی و نبرد ضد دیکتاتوری بوده است. ...»

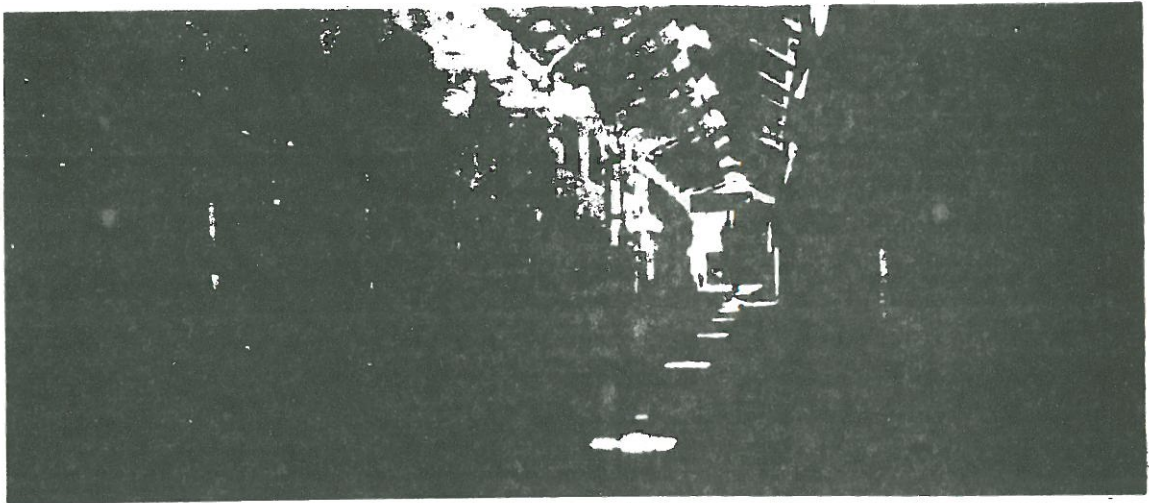
حرب و پشت دانشجو ای واقعیت و باز در محیط خرد فرهنگها این شوبه مشن. در دشمنان و بوحت استیسی چه اسامه اند یافتند. اکثر دانشمندیانی که بیخ شدند از این میله گان جا سال به در برند. در آستانه امتحانات خود در کویچه و خیابان ها سرگردان شدند. نند در دانشجو با کوی از شهرهای دور و نزدیک به تهران آمده اند. بنابراین با ویران شدن خوابگاههای آن ها. حای برای زندگی ندارند. تمدان از آوارگان کوی به خانه دوستان و آشنایان و فامیل خود رفتند. اما بسیاری از خانه ها و خیابان ها و کویچه ها که حای اطراف ایس میدان جنگ اهرصن و فرهنگ، درهای خورابه روی صدها دانشجو می کسطی برای بیخو تنشاندند. ننداشتند کجیدند. خانواده ها با کوی بسلاز فرزند ان صبر و صبا و وطن را بیخ بردند. از آن مایه برستاری کردند.

با هموم غوغین و برنشته گزاسی شاه به خوابگاه دختران و پسران دانشجو، شهدای جدیدی به آثار شهیدان دانشگاهی ایران امزوده شد و در انگ آبدی، بیضای سبزه رژیم رو سیبان و زحیمان رسامه تر کرد. حوادثی که ریز پخشیه ۱۱ خرداد شاه در کوی دانشگاه - خیابان آمیران شمالی - رخ داد. تنها با خاطره چرکمن و بلند ترکاری چکنیز و نیورو شاهکارهای جنایی آتیلا و صیقل قابل تلبیه است. در این لشکرکشی شرم آور طبه دانشجو بان بی سلاح که تنها گناه آن ها آزادی می خواهی و صمیم برستی است، حد اقل به د ختر و صبر دانشجو شهید شدند. بعد ها نقر به شدت مروج و ضد مردم و محیوب گردیدند. او گروه بزرگی از دانشجو بان باز داشتند. حادته با غلظت حاد شب سه شنبه نهم خرداد ماه وارد سطوحه پهرانسی خود شد. در این ظاهر حاد و در حد دو و هزار ختر و صوبی دانشجو که از مدی و احماف گلدردی بر مد ام سر نیزه در محیط زندگی و خوابگاه خود به ستوه آمده بود. در خوابگاهها بان دادن به شرا بیط و بلسی به عنق نوبس استیاراتان ها و نظارت شدند. به برزنت و آمد ها در یکتوری از محیط دانشور صه زندگی غص می ماریکید.

مظاهرات اعتراضی دانشجو بان با اخراج کارها از کسوی دانشگاه با بان گریست. به نظر می رسد که توفان فرخنده و انسی پرتومان جوان کارآمدگی خود برای امتحانات دانشگاهی از سر گرفته اند. اما واقعیت جز این بود. دیکتاتورین همه اسلحه را برای زینت در آن خیابان های شهر. در ازای تاج دادن توت های ملی تهیه کرده است. اوتبه با کتبه و کوفه و سر نیزه و خون و مرگ و کشتن می تواند زنده بماند. به یون این بداندان های درنده و ظلمت نفس از او جگر خاکستر باقی نمی ماند.

چگونه بیستان و دره بندان شاه با استفاده از فرصتی که بر خود آن ها پدید آورده بود. طرح به نبله از دانشگاه و ظاهرات بر رانه و حمله صمیم به تسلط کوی و تاراندن دانشگاه و ظاهرات بر رانه و حمله گرفتن از آنان گریزند. به این ترتیب دانشجو بانگی که طبق فرافلسفی برای حل و فصل مسائل که پیش آمده بود. به دید اهر صوبه کسوی رفتند. به حای او با کاندوهای مسلح و آماده حمله به ریهو کردند. کاندوها با چو چو باتوم و شسته و لگه به جان دانشجو بان افتادند. گیسوان دختران دانشجو راه در دست حای خود بجهت و آنجا را کشتن کشتن بر روی زمین سطوحه کسوی گردانند. سردانشجو بان گیسوان دختران در پی دیوارها کوی شدند که در همان تاربان بهیو می شدند. دختران را با وقاحت کشتن غایه ای در خوابگاه آن ها حمله کرده اند و تن آن ها را زیر ضربات باتوم و مشت و لگه مکتی دندان های زهر

## پیر و زباد مبارزه قهرمانانه مردم ایران علیه استبداد فاشیستی محمد رضا شاه



کتابخانه در روز ۱۵ خرداد ماه جاری از بازار تهران گرفته شده است. همچنین که طرح ادماها و جار و جنجال گرفته در تبلیغ تعویض حتی یک مغازه مسخره بزمین است.

# ۱۵ خرداد، روز اعتراض خاموش

مسئله شاه ادما هتدو با ندادن و پارچه های آشفته به بزمین آنتسرت  
زدند و آنگاه در حالی که بود و آنتسرت اصرا صفا دوران تمانه میکند  
شماره های شد در یکتاریی دادند .  
ولتی شعله ها خاموش شد . سر شاه چون قلب افسانه شد " یون  
گرد های دانشگاه ها عمده مسبور شد در سرد و در روز " پیچرا " را  
دوباره رنگ کاری کند .

اما عظمت اینست که سلسله ها و رنگ ها و تاربانده ها و  
چهارته اراکین و توکلان سواد در اتاق های اصناف که سخن بگفتند  
چشمه رزم به حساب می آید . با همه فر و تیزها و چشمه بازی های  
خود نتوانستند مردم را از بیخوشی به اعتراض خاموش و گسترده مسدود  
د یکتاریی باز دارند . چالب ترین نوع اعتراض ۱۵ خرداد در ا  
دانشسویان و دانشگاه پهلوی به روزی مانده به روز اعتراض در خوابگاه  
باغ ارم نشان دادند . آن ها لایتنه کینه یک اتوسل رای به گسردن

مطلوب کامل بازار تهران بسیاری از مغازهها و حیوانات  
با بکشد و نیز اصناف که گسرده اعتراضی در دیگر شهرها که با بستن  
مغازه ها و بازارها و تعطیل کسب و کار انگارند . به مغازه فرش خشک  
بازیزه جو بانه مردم علیه رژیم شدتی و صد دروزگانه شاه و شرکا و  
آربابان امیرالاست آن ها بود . طی رژیم تهدیدها و دشمنه چنین ها  
و های و هوی و حیده . جو بی های رژیم که با جنگ بودند آن نشان دادند  
و به سرزیزه بزمین و طبیعت های خاکستریه بد کردند . همراهم بود . و بزم  
۱۵ خرداد بسیاری از شهرها از جمله قم ، آصفهان ، اصفهان ، نجف ،  
آباد ، تبریز ، آبادان ، همدان ، یزد ، مشهد ، و شهرهای دیگر حالته ها  
اعتصابجویی با بکشد و اعتصاب داشتند . بازارها و دیگر شهرها  
تعطیل کردند . کسبه و مردم کار روزانه را برای چند ساعت رها کردند .  
تا بزم خود را به بازیزه با بزم راهزنان بزم خیابان و حایه خوب را  
از بازیزه راه آزادی ناکه کنند . اگر چنین بزم اعتراض و اعتصاب  
به خاطر کو تاهی دامنه جلیغ میان مردم و کم کار کردن سازمانها و  
خاموش سیاسی دعوت کنند که به اعتصاب در میان اقتدار گروه های  
مغاضب و پراکنده کاری آن ها همراهمی به مراتب کمتر از آن داشته که  
می توانستند داشته باشند . با این حال نوع اعتراضی که شهرها را زنجیر  
نشانده و رنگینی بزم اینهمه جلالت را جاد او اراکین و گسردن و بیخورد  
شد افسوس داری بود . بنایه گزارشی خبرنگاران " نوبت " در باره ای از شهر  
ها نظیر قم و آصفهان ، شهر کلا تعطیل بود و با وجود آن که کسبه  
تهدید شده بودند که جواز آن خالص نخواهد شد . به چنین گسرده  
اعتراضی میبایست . در کسبه شهرها و این روز صلاً حکومت نظامی بر  
قرار بود . کامیونی های پلیس و ارتش و گرد های به اصلاح خود  
که سطح خیابانها با میدان بین مراکز و نقاط مختلف شهرها و افعال  
کرده بودند . حضور هزاران مأمور امنیتی و نظامی و پلیس در  
گروه ها و میهمانها . نشانده وحشت رژیم از مردم و سستی بنیاد  
ها و تزلزل رژیم آن بود . دولت و باقیست حرکت گسرده اعتراضی ۱۵  
خرداد را تکیه یک شامچه بی اساسی خواند و اعلام کرد که به این شامچه  
بر اراکین نرسد . تجربه کرد . اما گفتگان که همین شامچه به نسول  
بخت زویر بی اساس چنان اراکین حکومت را زانو چنان رژیم گزاره  
و دروزگان و ضد دیان حراج شوته های مطبق را سراسمه کرد که  
نظامی و پادگان نظامی و غیر نظامی و مد و وزارت چنان بی خود  
اربابان طالبه با آن به طرز اسرارگشاید و ضحکی به بازی گرفتند .  
ولتی به فر دل نسیس زویر سو گلی شاه یک " شامچه " چنین نسوز  
و ترسی بر اراکین بزم بندازد . در سه بویگ ، هکت بدگی و طبیعتی  
با کسبه رژیم راس خیابان در پناه.

## گوهادر قرق چماق داران رژیم

حلقه به که هنوز در آن جوانان و کبی های دانشسوی و دانشجویی  
ا طرفت تهران ایجاب می نمایند . و حیرت آوری یافته است . رژیم  
شاه - سلوواک یا نرومان گرد های سلع و چماق بدستان حکومتی  
بالیاسی های بددل به کوشیا و گاشتن این لاسو روا در کیشین  
جوانان ، تنها طریح سالم جوانان و دانشسویان را نیز از آن هار بوده  
است . در شماره گذشته " نوبت " غیر د ادیم که در دای اید دانشسویان  
در سه طالی وجه و بیجده اکتیبه دیگر از جوانان گسردن در اعتراضات  
پانگه چال ، در که واقعه مورد حلقه نا جو امراد است و شراره آتش  
گانه رهای چماق در زنجیره به دست شاه که در حین حال بکشد  
سلاح های جنگی سلع بودند . شراره گسردن و شدت سرخسودم  
شدند . خبرهای رسیده حاکی است که در سه چهار هفته گذشته  
اکتیب های گسردن ، سلع به انواع سلاح های گرم و سرد در گروه ها  
به شکار جوانان می بردند . آن ها یله اکتیب از جوانان دانشسوی را  
بعض از ۲۴ ساعت در که به اسارت گرفته و آن ها را مورد شد بدترین  
و بی شرمانه ترین توهین ها و تحقیرها و زجر شکنجه قرار دادند . آن  
ها در دانشسویان در سه طالی وجه را بابت بدست ناچار گردیدند و بی  
زمن دراز بگسردن و آنگاه دست هاییشان را از بیست بستند به اسحاق و  
زنجیره به جانان امتدادند سرهایشان را خورسین و سرخسودم . در  
اعتراضات پانگه چال زنجیره گردن گوشه در آن جوانان دانشسویان  
هار ۳ روه صخره خاکستریه و با مفصود چماق و سنگ به جان آن ها  
امتدادند . فرمانده ایستادن چماق دار که حلقه به سلع بود و توکلان  
ایرا سرگروهان خطاب می کردند ، بر اس تشییات ای که هنوز در حویج  
با کسبه و عتران میسران گوشه بودند ، به آن ها گفت :

شما که اطلاعیه ای صادر کردید . به ما گفته بودند که شما در  
کو حیا حیات سیاسی به راه می اندازید . کتاب های سیاسی ستوده  
می خوانید و انقلاب بخش می کنید . پس کتاب ها تان کماست ؟  
جوانان دست به سینه گفتند که فقط برای بزم و تحریک به کسبه  
آمدند . اما سرگوشان لیا س آن هارا از تشنه عاج کرد و  
با کله شان به زیر تازیانه گرفتند .  
در ۲۴ ساعت که جوانان در اسارت میباشان حکومتی  
بودند . هر یک سه بار زیر تازیانه و چماق قرار گرفتند . و سرانجام سمار  
سرروی خونین به وسیله کامیون مخصوص پلیس به شهر منتقل شدند  
و در راه آزاد گردیدند .  
همه گفتند نیز ولتی اکتیب های دانشسوی و گروه های کوچک  
و بزرگ که هنوز در اسم از بیوجوان به اعتراضات اطراف تهران متمسک  
گود ها در محاصره زرد پوشان جانیست بست داشتند . آن ها کار  
با حرای هجوم هفته های گذشته گزاره های حکومتی به کشور در آن  
اطلع بودند . ترخیم دادند از زنجیره راه به خانه هایشان برگردند .  
ارضا یزیم عد علی . عدد دوزگانیک . طاسد و سپهر فروش شاه به  
خلق های ما به جوانان ما به که هنوز در آن مایه شامچه فشرها گروه  
های غیر وابسته . سپهر پرست و آزاده . تنها چماق و شکنجه کوبه  
است . چنین رژیم بزرگ و ریشه ماند و گد پاره ای که ادامه حیاتش  
بکشد محروست ها و رخم ها و خسارات بیستری ملی مردم است . حل  
حیات ندارد .

## متحد شویم و رژیم ضد ملی و استبدادی شاه را سرنگون کنیم!